دانستنیهای

صحیفه سجادیه

مصطفی اسرار





www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

دانستنیهای صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: دانستنیهای صحیفه سجادیه/ مولف مصطفی اسرار، ۱۳۳۴.
مشخصات نشر: اراک: راه کمال؛ تهران: محیا، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ص ۲۷۲
شابک: 964-96869-0-8
وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی
یادداشت: این کتاب در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است
یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۲
عنوان دیگر: صحیفه سجادیه. شرح
موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۹۴ - ۳۸ق. صحیفه سجادیه -- نقد و تفسیر
موضوع: دعاها
شناسه افزوده: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۹۴ - ۳۸ق. صحیفه سجادیه. شرح
رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۱/ع۸ص۴۲۲۲ ۳۰ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۴۶۵

صحیفه‌ی سجادیه توسط یحیی بن زید بن علی بن الحسین (ع) نقل شده است.
عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدر خود متوکل بن هارون، (و او حدیث کرد) که:
پدرم متوکل گفت من یحیی بن زید را هنگامی که به قصد خروج بر علیه بنی‌امیه عزم خراسان داشت ملاقات کردم. از من پرسید متوکل از کجا می‌آیی؟ عرض کردم از سفر حج می‌آیم. آنگاه حال عمو زادگان و خویشانش در مدینه را پرسید و بخصوص در سوال از حال امام صادق (ع) بسیار مبالغه کرد. من یحیی را از حالات همه پاسخ دادم و گفتم حضرت صادق (ع) و تمام بنی اعمام از فاجعه‌ی شهادت پدرت زید غمگین بودند. آنگاه یحیی فرمود: عموی من محمد بن علی الباقر (امام پنجم (ع)) پدرم را از خروج بر علیه بنی‌امیه منع کرد و او را از عاقبت این خروج آگاه ساخت. آنگاه یحیی پرسید پسر عمویم حضرت جعفر بن محمد (امام صادق) علیه‌السلام
[صفحه 20]
را ملاقات کردی؟
گفتم: آری به دیدار حضرتش نائل شدم.
گفت: آیا درباره‌ی قیام من (عاقبت کارم) از او چیزی شنیدی؟
گفتم: چرا سخنی شنیده‌ام. باز گفت: چه شنیده‌ای؟ با من بگو.
گفتم: فدایت شوم دوست ندارم درباره قیام شما آنچه را از آن حضرت شنیده‌ام به شما بازگویم.
فرمود: مرا از مرگ می ترسانی! و تبسمی کرد (یعنی من از مرگ نمی‌ترسم) بگو آنچه شنیده‌ای.
به او گفتم که امام چنین فرمود که تو نیز مانند پدرت زید به دست بنی‌امیه شهید می‌شوی و بر سر دار می‌روی. چون این سخن را شنید رنگ رخسارش متغیر شد و این آیه‌ی مبارکه از قرآن را تلاوت کرد (یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب) آنگاه فرمود: ای متوکل خدای متعال امر خلافت و حفاظت دین اسلام را به ما موید خواهد فرمود و خدا علم و شمشیر هر دو به ما عطا کرده و پسر عموهای ما به علم تنها اختصاص یافتند. آنگاه من گفتم: فدایت گردم آنچه از مردم مشاهده می‌کنم، مردم به امامت و پیشوائی پسر عمویت حضرت صادق (ع) مایلترند از شما و پدرت.
یحیی فرمود: البته بدین سبب است که عمویم محمد بن علی و فرزندش

جعفر بن محمد (ع) مردم را به زندگانی دعوت می‌کنند ولی ما مردم را به موت دعوت می‌کنیم. من عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا آیا آنها عالم‌ترند یا شما؟ او در پاسخ مدتی به حال تفکر سر به زیر افکند، آنگاه سر بلند کرد و فرمود: همه ما دارای علمیم، جز آنکه آنها
[صفحه 21]
(یعنی امام باقر و امام صادق (ع)) همه‌ی آنچه ما می‌دانیم می‌دانند و ما تمام آنچه آنها می‌دانند نمی‌دانیم.
سپس یحیی گفت: چیزی از کلمات و علوم پسر عمویم نوشته‌ای؟
گفتم: آری. گفت: به من ارائه ده، (یادداشتهایی که همراه داشتم) بیرون آوردم و هم دعائی که به املاء امام صادق (ع) با خود داشتم بر او عرضه نمودم و گفتم که آن بزرگوار حدیث کرد مرا که این دعا را پدر بزرگوار من حضرت باقر (ع) بر من املاء کرد و فرمود: این دعایی از صحیفه‌ی کامله پدرم امام سجاد (ع) است. یحیی گرفت و از اول تا آخرین دعا را مطالعه فرمود و گفت: به من اجازه می‌دهی که از این دعا نسخه بردارم؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، این نعمت که از خود شما خاندان رسالت است محتاج به اجازه است؟ آنگاه فرمود: ای متوکل اینک برای تو کتابی کامل و صحیفه‌ای تمام بیرون می‌آورم که آن صحیفه را پدر بزرگوارم از پدرش حفظ کرده و به من سپرده و سفارش اکید فرموده که از غیر اهلش محفوظ دارم و منع کنم.
عمیر گفت، پدرم متوکل گفت: وقتی آن صحیفه را حضرت یحیی به دست من داد، برخاستم سر مبارکش را بوسیدم و عرض کردم: به خدا قسم ای فرزند رسول‌الله من دین و ایمانم به خدا با محبت شما و طاعت شما خاندان رسالت مقرون است و امیدوارم که خدا به دوستی شما مرا در دنیا و آخرت سعادتمند گرداند.
آنگاه یحیی صحیفه‌ی مرا (دعایی که به ایشان دادم) به دست خدمتکاری که با او بود داد و فرمود: این دعا را با خطی خوانا و خوش
[صفحه 22]
بنویس و به من باز ده تا شاید آن را حفظ کنم که من همین دعا را از پسر عمویم جعفر بن محمد (ص) که خدایش محفوظ دارد درخواست کردم و او منع کرد.
متوکل می‌گوید چون این کلام را از یحیی شنیدم پشیمان شدم که چرا دعا را به او دادم و نمی‌دانستم چه کنم ولیکن امام صادق (ع) مرا نفرموده بود که من دعا را به هیچ کس ندهم.
سپس یحیی صندوقچه‌ای را که قفل و مهر و موم بود بیرون آورد، به مهرش نظر کرد و بوسید و گریه کرد و مهر را شکست و قفل را گشود. سپس صحیفه را بیرون آورد و گشود و بر دیده نهاد و بر صورت مبارک

کشید و فرمود: ای متوکل به خدا اگر نبود سخنی که تو از پسر عمم راجع به شهادت و به دار زدن من ذکر کردی البته من این صحیفه مکرمه را به دست تو نمی‌دادم ولیکن من می‌دانم که آنچه او فرموده حق است و از پدران بزرگش اخذ کرده و به زودی واقع خواهد شد. لذا ترسیدم که پس از شهادتم این علم به دست بنی‌امیه افتد و از دسترس مردم پنهان دارند، پس ای متوکل این صحیفه را از من به رسم امانت بگیر و از آنکه نزدم بماند و به دست بنی‌امیه افتد نگهداری کن و منتظر باش تا آنگاه که کار من با بنی‌امیه آنچه قضای الهی و مشیت خداست پایان یافت، این امانت من نزد تو محفوظ باشد تا آن را به دست پسر عموهایم محمد و ابراهیم دو فرزند عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (ع) سپاری که البته آنها بعد از من به این امر قیام خواهند کرد.
متوکل گوید من آن صحیفه را از یحیی گرفتم و پس از آنکه او شهید شد، به مدینه رفته خدمت حضرت اباعبدالله (امام صادق)
[صفحه 23]
علیه‌السلام رسیدم و حکایت یحیی را بر او عرضه داشتم، حضرت گریست و سخت محزون گشت و فرمود: خدا رحمت کند پسر عمویم را و با پدران و اجدادش ملحق کند. به خدا ای متوکل این دعا را که من از او منع کردم سببی نداشت جز همین که او بر صحیفه‌ی پدرش ترسید (یعنی می‌ترسیدم دعا را به یحیی بدهم و پس از شهادتش به دست بنی‌امیه افتد اگر این مانع نبود البته دعا را به او می‌دادم). صحیفه‌ی یحیی اکنون کجاست؟ عرض کردم این است و تقدیم حضور مبارک امام (ع) نمودم. امام صحیفه را گشود و فرمود: به خدا همین خط عمویم زید است و دعای جدم علی بن الحسین (ع). آنگاه به پسرش اسماعیل فرمود برخیز و آن کتاب دعائی که تو را سفارش به حفظ و نگهبانی آن کردم بیاور. اسماعیل برخاست و صحیفه‌ای آورد که گوئی همان صحیفه‌ای است که یحیی بن زید به من داده بود. امام (ع) صحیفه را گرفته و بوسید و بر دو دیده نهاد و فرمود: این صحیفه خط پدرم (امام باقر (ع)) و املاء و انشاء جد بزرگوارم (امام سجاد (ع)) است. گفتم: اگر رای مبارک باشد من این صحیفه را با صحیفه‌ی زید و یحیی مقابله کنم. حضرت اجازه داد و فرمود: البته من تو را بر این کار شایسته دانستم. آنگاه من در مقابله‌ی آن دو صحیفه با دقت نظر کردم و هر دو را به کلی (و از هر جهت مطابق) یافتم که حتی یک حرف هم این دو صحیفه اختلاف نداشت. پس از امام (ع) اجازه خواستم که صحیفه یحیی را طبق امر ایشان به دو پسر عبدالله بن حسن تادیه کنم.
امام فرمود: ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها، آری صحیفه را به دو فرزند عبدالله بن حسن برسان.
[صفحه 24]

من برای دیدار آنها برخاستم بروم، امام فرمود: اینجا باش. و قاصد فرستاد تا محمد و ابراهیم حضور امام (ع) بیایند. طولی نکشید که آنها خدمت امام (ع) رسیدند. حضرت روی به آن دو کرد و فرمود: این صحیفه میراث پسر عم شما یحیی بن زید است که از پدرش زید به او رسیده و او به جای برادرانش شما را مخصوصا به حفظ این صحیفه شریفه برگزیده ما هم برای حفظ آن با شما شرطی داریم، عرض کردند بفرما شرط چیست، خدا رحمتش را به شما عطا کند. امام فرمود: آن شرط آن است که این صحیفه را از شهر مدینه بیرون نبرید. عرض کردند برای چه؟
حضرت فرمود: پسرعموی شما که این صحیفه را نزد شما فرستاد برای این بود که می‌ترسید این صحیفه به دست بنی‌امیه افتد من هم از این جهت بر شما می‌ترسم. محمد و ابراهیم عرض کردند: یحیی هنگامی که یقین کرد به شهادتش، از آن ترسید. امام صادق (ع) فرمود: شما هم ایمن از آن نباشید. به خدا سوگند من می‌دانم که شما هر دو بر علیه بنی‌امیه خروج خواهید کرد و به زودی مانند یحیی کشته خواهید شد. این سخن را که از امام (ع) شنیدند یک مرتبه برخاستند و گفتند: لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. وقتی محمد و ابراهیم بیرون رفتند، متوکل می‌گوید امام صادق (ع) به من فرمود: ای متوکل یحیی به تو چه گفت؟
گفتم، گفت: پسر عمویم حضرت محمد باقر (ع) و فرزندش حضرت صادق (ع) مردم را به زندگانی دعوت می‌کنند و ما مردم را دعوت به مرگ می‌کنیم. فرمود: آیا یحیی این سخن را به تو گفت؟
[صفحه 25]
عرض کردم آری خدا امور شما را اصلاح کند، بله چنین گفت.
سپس حضرت فرمود: خدا رحمت کند پسر عمم یحیی را. ای متوکل حدیث کرد مرا پدر بزرگوارم از جدش از حضرت امیرالمومنین که: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر بالای منبر خواب مختصری در ربود. در آن خواب دید که مردمی مانند میمون بر منبر او بالا رفته و پایین می‌جهند و مردم را به قهقرا به سمت کفر و شرک دعوت می‌کنند. رسول اکرم (ص) از خواب بیدار شده و راست بر منبر نشست و آثار حزن و اندوه بر چهره‌ی مبارکش پدیدار شد. در آن حال جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و این آیه را آورد:
و ما جعلنا الرویا التی اریناک الا فتنه للناس و الشجره الملعونه فی القرآن و نخوفهم فما یزیدهم الا طغیانا کبیرا، (حضرت رسول (ص) آگاه شد که در این آیه شجره‌ی ملعونه، شجره‌ی خبیثه‌ی بنی‌امیه است که بوزینه‌وار بر منبر نبوت آن بزرگوار می‌جهند و فرود می‌آیند)
فرمود: ای جبرئیل در دوران من و در زمان حیات من این قصه خواهد شد (واقع می‌شود). جبرئیل عرض کرد: نه یا رسول‌الله (ص) از زمان هجرتت

تا ده سال و به صلاح آسیای اسلام همی می‌گردد و بعد از این ده سال باز تا سی سال این آسیا در گردش است تا آنگاه که سال هجرت به سی و پنج رسید، اول سی و پنج باز پنج سال گردش آرام و به صلاح می‌کند (که آن دوران خلافت علی (ع) است) از آن به بعد گردش این آسیا به ضلالت و گمراهی است و بر این قطب می‌گردد و ملک و شاهی
[صفحه 26]
فرعون عالم خواهد گردید. و خدا در سوره مبارکه (انا انزلناه فی لیله القدر، و ما ادریک ما لیله القدر، لیله القدر خیر من الف شهر) پیامبر (ص) را خبر داده و به این موضوع اشاره فرموده که هزار ماه حکومت و سلطنت بنی‌امیه خواهد بود که در آن لیله‌ی قدر نیست (یعنی تجلی نور خدا و اشراق انوار هدی وجود ندارد) در آن هزار ماه اگر کوه‌های عالم با آنها به مقاومت برخیزند مغلوب آنان می‌شوند تا وقتی که خدای متعال به زوال آنها فرمان دهد.
امام صادق (ع) فرمود: و در این هزار ماه حکومت بنی‌امیه، شعارشان دشمنی با اهل‌بیت پیامبر و بغض و کینه‌ی آل علی و دوستان و شیعیان آنهاست و در این آیه شریفه (الم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها و بئس القرار) به همین ظلم و طغیان بنی‌امیه اشاره فرموده زیرا «نعمت الله» وجود اقدس پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) اوست که دوستی و محبت آنها ایمان است و مومن مستحق بهشت شود و دشمنی و کینه آنها نفاق و کفر است و مستوجب آتش دوزخ گردد و این مطلب سری است که پیامبر اکرم (ص) به امیرالمومنین (ع) و اهل‌بیتش سپرد... امام صادق (ع) پس از این سخنان صحیفه‌ی جدش را بر من املاء فرمود...
البته اسناد و انتساب صحیفه سجادیه به امام چهارم نزد محققین و علمای امامیه قریب تواتر است.
[صفحه 29]

محتوای دعاهای صحیفه سجادیه

در حمد و ستایش خداوند

عنوان این دعا:
التحمید الله عز و جل یعنی در حمد و ستایش خداوند عزوجل است.
این دعا را امام (ع) با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌کند. و در قالب کلمات و عبارات گوناگون با مضامین عالی و عمیق به پرستش معبود خویش می‌پردازد. و از زبان دعا به بیان معارف الهی پرداخته و اعتقاد و بینش الهی انسان موحد را معرفی می‌کند. از آنجا که امام معلم الهی انسان در تمامی ابعاد است، لذا دعای امام نیز کلاس درس توحید است.
محتوای دعا
امام (ع) دعا را اینگونه آغاز می‌فرمایند:
الحمد لله الاول بلا اول کان قبله و الاخر بلا اخر یکون بعده. ستایش مخصوص خداست که هستی او اول در وجود و مبدء آفرینش است بی‌آنکه آن ذات ازلی را اول و ابتدائی باشد و آخر در وجود است بی‌آنکه آن حقیقت ابدی را آخر و انتهائی باشد. (یعنی چون خداوند
[صفحه 30]
هستی ذاتی و ازلی و موجود سرمدی ابدی است هستی او اول و آخر ندارد و آغاز و انجام برای او متصور نمی‌باشد) و موجودی قبل از او و بعد از او نمی‌تواند باشد. زیرا خداوند خالق و آفریننده‌ی زمان است و بر قبل و بعد جهان احاطه دارد.
سپس در ارتباط با عدم دیدن و مشاهده خداوند به وسیله حواس می‌فرماید:
قصرت عن رویته ابصار الناظرین، دیده بینندگان از دیدنش قاصر است. زیرا خداوند جسم نبوده و مکان ندارد که کسی بتواند ذات اقدس او را نظاره کند.
و آنگاه به آفرینش نظام هستی اشاره نموده و می‌فرماید:
ابتدع بقدرته الخلق ابتداعا و اخترعهم علی مشیته اختراعا. خداوند جهان آفرینش را بدون نمونه و مثال قبلی به قدرت کامل خویش با این نظم زیبا بیافرید، سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید.
جهان آفرینش فعل خداست. و این همه نقش عجب که بر در و دیوار وجود به ید قدرت و اراده ذات الهی به وجود آمده، نشانه‌ها و آیات هویدای وجود او هستند. و سپس با بیان حاکمیت اراده خداوند بر جهان می‌فرماید:
ثم سلک بهم طریق ارادته و بعثهم فی سبیل محبته، سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت.

نظام آفرینش بر پایه‌ی محبت و عشق و اشتیاق حق که در فطرت
[صفحه 31]
موجودات به ودیعه گذاشته شده است آفریده شده و طبق مشیت الهی در تلاش و حرکت هستند. تنها یک اراده و خواست بر جهان حاکم است و آن اراده و خواست خداوند می‌باشد. و آنگاه با توجه به اینکه رزق همه‌ی موجودات به ید قدرت خداست اینگونه ادامه می‌فرماید:
جعل لکل روح منهم قوتا معلوما مقسوما من رزقه، لا ینقص من زاده ناقص، و لا یزید من نقص منهم زائد، و از رزقی که عطا فرموده برای هر جانداری روزی معلومی قرار داده است، به هر کس از آنان فراخی و فراوانی داده، کاهنده‌ای نمی‌کاهد، و هر که را کاسته، افزاینده‌ای نمی‌افزاید (جز خداوند کسی توانا نیست که آن را زیاد و کم گرداند).
و سپس به مساله حیات و مرگ اشاره نموده و می‌فرماید:
ثم ضرب له فی الحیوه اجلا موقوتا، و نصب له امدا محدودا، پس از آن برای او (هر یک از ایشان) در زندگی مدتی معلوم تعیین کرده و پایان معین قرار داده است. (معلوم کرده که هر یک از ایشان تا چه مدتی در دنیا زندگی خواهد کرد، که با روزهای زندگیش به سوی آن پایان گام برمی‌دارد.)
آنگاه به ذکر آیه 31 از سوره نجم پرداخته و می‌فرماید:
لیجزی الذین اساوا بما عملوا و یجزی الذین احسنوا بالحسنی، عدلا منه، تا کسانی را که با کردارشان بد کرده و آنان را که با رفتار شایسته نیکویی نموده‌اند جزا دهد، و این جزا (کیفر و پاداش) با عدالت و درستی از اوست.
سپس به آیه 23 از سوره انبیاء اشاره نموده و می‌فرماید:
[صفحه 32]
لا یسئل عما یفعل و هم یسئلون، از او نپرسند آنچه را که به جا می‌آورد و از (گفتار و کردار) دیگران باز پرسند.
حال اگر مروری بر آنچه گفته شد داشته باشیم، می‌بینیم امام سجاد (ع) در حین دعا به بیان معارف الهی و جهان‌بینی اسلامی می‌پردازد و اعتقاد حقیقی و راستین به خداوند را بیان می‌کند.
و در آن دوران اختناق و تحت حکومت فاسد یزید و دیگران که معارف اهل‌بیت (ع) فرصت گسترش و اشاعه کمتری داشت و دشمنان اسلام با به شهادت رساندن اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به حساب خود آخرین مقاومتهای علوی را از صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه محو کرده بودند. امام (ع) در قالب دعا معارف راستین الهی را بیان فرموده و توحید و خداشناسی را آموزش می‌دهد.
توحید، حاکمیت اراده خداوند بر جهان، نظام منظم و حساب شده‌ی هستی،

عدالت خداوند و حقیقت مرگ و حساب و کتاب پس از مرگ، از جمله موضوعاتی است که در فرازهای آغازین دعاء اول صحیفه بیان شده است.
امام (ع) در فرازهای دیگر دعا با ذکر نعمتهای زیر به حمد و ستایش خداوند می‌پردازد:
1- نعمت شناخت خدا: و الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه، و سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند.
2- اخلاص در توحید: و دلنا علیه من الاخلاص له فی توحیده، و بر اخلاص در یگانگی و توحیدش راهنمائی مان فرمود.
3- دوری از شک و الحاد: و جنبنا من الالحاد و الشک فی امره، و
[صفحه 33]
از عدول و کجروی و شک و دودلی در امر خود (معرفت ذات و صفات یا دین و احکامش) دورمان ساخت.
4- عطا کردن خلقت نیکو و روزی پاک: و الحمد لله الذی اختار لنا محاسن الخلق، و اجری علینا طیبات الرزق، سپاس خدای را که نیکوئی های آفرینش را برای ما برگزید و روزیهای پاکیزه (حلال) را برای ما روان (فراوان) گردانید.
5- هدایت به سوی توبه: و الحمد لله الذی دلنا علی التوبه، و سپاس خدای را که ما را به (حقیقت) توبه و بازگشت (از گناه) راهنمایی کرد. البته چنانکه می‌دانیم امام (ع) معصوم است و از گناه مبرا می‌باشد. اما از آنجا که امامان (ع) معلم ما در تمام ابعاد هستند، یعنی چه از نظر احکام و معارف و شناخت حلال و حرام و چه از نظر تعلیم شیوه زندگی و بیان دستورات خداوند، و چه از نظر شیوه دعا کردن و پرستش خداوند در تمام جهات روش صحیح را به ما آموزش داده‌اند، لذا امام سجاد (ع) به ما روش دعا کردن و راز و نیاز با خداوند را می‌آموزد. اینکه هنگام دعا، چگونه آغاز کنیم، چه بگوئیم، چگونه مدح و ستایش خداوند را بیان کنیم، چگونه اظهار عجز و بندگی کنیم و از خدا چه بخواهیم و چگونه بخواهیم. امام (ع) برای ما درس پرستش و بندگی خداوند را بیان می‌کند. و سپس در فرازی دیگر از دعا، به بیان معیار بدبختی و خوشبختی و هلاکت و سعادت پرداخته و می‌فرماید: فالهالک منا من هلک علیه، و السعید منا من رغب الیه، پس بدبخت (زیانکار و شایسته‌ی عذاب) از ما کسی است که خدا را نافرمانی کند، و نیکبخت و سعادتمند از ما کسی است که به او روی
[صفحه 34]
آورد (طبق اوامر و نواهیش رفتار نماید).
و در انتهای دعا، از خداوند درخواست می‌کند که حمدی را به او ارزانی دارد که پاداش و نتیجه آن، توفیق اطاعت و فرمانبرداری از خدا و دریافت مغفرت او و کسب خشنودی او و راه بهشت و پناه از عذاب او باشد.

و آنگاه در فراز آخر دعا، قرار گرفتن در زمره‌ی «سعداء» و «اولیاء» و «شهداء» را از خداوند درخواست نموده و می‌فرماید:
حمدا نسعد به فی السعداء من اولیائه، و نصیر به فی نظم الشهداء بسیوف اعدائه، انه ولی حمید.
حمد و سپاسی که ما به آن حمد سعادت یابیم تا در زمره‌ی اهل سعادت از اولیاء حق و دوستان خدا باشیم و در صف شهیدان به شمشیر دشمنان خدا محشور شویم (و ما به حمد و ثنای حق از لطف و کرمش تمام این حوائج را می‌طلبیم) که البته او ولی خلق و ستوده شده است.
امام (ع) در عبارت آخر این دعا، جهت‌گیری و جبهه گیری حق در برابر باطل را به وضوح ترسیم می‌کنند، و در قالب دعا موضعگیری خودشان را نشان می‌دهند و درخواست قرار گرفتن در جبهه‌ی حق یعنی جبهه‌ی اولیاء الله و مبارزان راه خدا را به ما آموزش می‌دهند.
امام (ع) شهادت با شمشیر، در راه خدا را بزرگترین سعادت شمرده و آن را از خداوند درخواست می‌کند. شهادتی چون پدر بزرگوارشان اباعبدالله الحسین علیه‌السلام که با فرزندان و یاران و اصحاب باوفایش در راه پاسداری از حریم دین به آن نائل شدند.
[صفحه 35]

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام بعد هذا التحمید فی الصلوه علی رسول‌الله صلی الله علیه و آله،
از دعاهای امام (ع) است، پس از این ستایش «در صلوات بر رسول خدا (ص)» و اهل‌بیت (ع). امام (ع) همواره در فرازهای گوناگون دعاها، بر رسول خدا و آل او درود می‌فرستد. و چنانکه مشاهده می‌کنیم عنوان دعاء دوم درود و صلوات بر رسول خدا (ص) می‌باشد.
برای صلوات، پاداش های متنوعی در روایات وارد شده است از جمله: از امام صادق (ع) روایت است که رسول خدا (ص) فرمود: ارفعوا اصواتکم بالصلوه علی فانها تذهب النفاق، صداهای تان را به درود بر من بلند کنید که نفاق و دورویی را از بین می‌برد.
و نیز از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: بر من درود بی‌دنباله نفرستید. گفتند یا رسول‌الله درود بی‌دنباله چیست؟ فرمود: اینکه می‌گوئید: اللهم صل علی محمد، بلکه بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد. و نیز امام صادق (ع) فرمود: هر که را به خدای عزوجل حاجتی باشد، هنگام شروع به درخواست بر محمد و آل او درود بفرستد پس حاجت خود را بخواهد و باز بر محمد و آل او درود بفرستد. زیرا خدا کریم‌تر و بخشنده‌تر است از اینکه دو طرف حاجت
[صفحه 36]
را بپذیرد و وسط را نپذیرد، چون درخواست درود بر محمد و آل او پذیرفته است. و نیز از رسول خدا (ص) رسیده که فرمود: هر که در کتابی بر من درود فرستد همواره فرشتگان برای او استغفار نموده و آمرزش می‌طلبند مادامی که نام من در آن کتاب است.
محتوای دعا
آغاز دعا چنین است: و الحمد لله الذی من علینا بمحمد نبیه- صلی الله علیه و آله- دون الامم الماضیه و القرون السالفه، و سپاس و حمد خدای را که به محمد (ص) پیامبرش بر ما منت نهاد. منتی که امتهای گذشته و مردم پیش از ما از آن بی‌بهره بودند.
یکی از ویژگیهای دعاهای صحیفه‌ی سجادیه و ادعیه‌ی دیگری که از رسول‌الله (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) نقل شده این است که مضامین و عبارات آن یا به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم برگرفته از آیات و معارف قرآن مجید است. چنانکه قرآن مجید در سوره اعراف، آیه 164 می‌فرماید:

و لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم، یعنی خدا بر اهل ایمان منت نهاد که فرستاده‌ای از خودشان در میان آنها مبعوث کرد. و امام (ع) با بیان این منت در فراز آغازین دعا، خداوند را در مقابل این نعمت بزرگ حمد و ستایش می‌نماید.
آن حضرت در فراز دیگر دعا، رسول خدا (ص) را اینگونه معرفی می‌کند:
1- امین وحی الهی، امینک علی وحیک، پیام‌آوری درستکار بود
[صفحه 37]
(و بی تغییر و تبدیل و کم و زیاد پیام خدا را به مردم رسانید).
2- برگزیده خدا، و نجیبک من خلقک، و برگزیده تو از میان آفریدگانت.
3- دوست خدا، و صفیک من عبادک، و دوست تو از بندگانت.
4- پیشوای رحمت و مهربانی، امام الرحمه.
5- پیشاهنگ خیر و نیکی، و قائد الخیر.
6- و کلید برکت و نیکبختی، و مفتاح البرکه.
و آنگاه به شرح اجمالی مبارزات پیامبر (ص) در راه دفاع از دین خدا و ترویج و تبلیغ آن می‌پردازد. و پیامبر (ص) را به عنوان الگو و اسوه‌ی مبارزه و جهاد در راه خدا معرفی می‌کند. و می‌فرماید:
1- کما نصب لامرک نفسه، همچنانکه او برای انجام فرمان تو خود را آماده نمود.
2- و عرض فیک للمکروه بدنه، و در راه (رساندن دین) تو تن خویش را آماج (هر گونه) آزار ساخت.
3- و کاشف فی الدعاء الیک حامته، و در دعوت (مردم) به سوی تو با خویشاوندانش (که زیر بار حق نمی‌رفتند) دشمنی آشکار نمود. برای برقراری رابطه‌ی دینی و برادری بر اساس ایمان و اعتقاد، روابط خویشاوندی صرف را با دشمنان دین خدا قطع کرد. این حرکت ایجاد یک انقلاب بنیادین در روابط انسانها بود.
4- و حارب فی رضاک اسرته، و در راه رضا و خشنودیت، با
[صفحه 38]
قبیله‌اش کارزار کرد.
5- و قطع فی احیاء دینک رحمه، و در زنده نگاه داشتن دین تو از خویشانش دوری گزید.
6- و اقصی الادنین علی جحودهم و قرب الاقصین علی استجابتهم لک، و نزدیکان (خویشان) را بر اثر انکارشان دور گردانید و دوران (بیگانگان) را بر اثر پذیرفتن‌شان نزدیک نمود.
در پرتو این انقلاب بزرگ الهی که در روابط اجتماعی انسانها به وجود آمد، رسول خدا (ص) از امثال ابولهب که با ایشان خویشاوندی داشت دور می‌شود و سلمان فارسی ایرانی، عنوان «سلمان محمدی» می‌گیرد. و

بلال حبشی سیاه‌پوست، موذن رسول‌الله می‌شود.
7- و اداب نفسه فی تبلیغ رسالتک، و در رساندن پیام تو، خود را خسته کرد. یعنی نهایت تلاش و کوشش و توان خود را در راه تبلیغ دین خدا به کار برد.
8- و شغلها بالنصح لاهل دعوتک، و به نصیحت و پند کسانی که آنان را (به راه حق) دعوت کرده‌ای خود را مشغول داشت.
رسالت انبیاء و به ویژه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، تربیت و انسان‌سازی بوده لذا، پیامبر (ص) همواره در مسیر هدایت و دعوت مردم به دین خدا از طریق نصیحت و اندرز و تقویت فطرت خداجویی آنان گام بر می‌داشتند.
با توجه به تاریخ اسلام، تا اینجا، امام (ع) ظاهرا به بیان دوران (سیزده سال) مکه، که رسول خدا (ص) به دعوت نهان و آشکار مردم
[صفحه 39]
می‌پرداختند اشاره فرموده‌اند. زیرا فراز بعدی دعا در زمینه هجرت و موضوعات مربوط به آن می‌باشد، که به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود:
9- و هاجر الی بلاد الغربه، و (از مکه معظمه) هجرت و دوری نمود به شهرهای غریب.
10- اراده منه لاعزاز دینک، و استنصارا علی اهل الکفر بک، و هدف آن حضرت از هجرت، اقتدار و ارجمندی دین تو و یاری خواستن (برای غلبه‌ی) بر اهل کفر بود.
سپس به نبردهای رسول خدا (ص) با یهود و مشرکین اشاره‌ی اجمالی می‌فرماید و نوید پیروزی دین خدا را بر کفر بیان کرده و می‌فرماید:
حتی ظهر امرک، و علت کلمتک، و لو کره المشرکون، تا امر و دین تو آشکار شد، و کلمه‌ات (دعوت به اسلام) بلند گردید (افزایش یافت) هر چند مشرکین نمی پسندیدند (و پیروزی اسلام را خوش نداشتند).
آنگاه دعا کرده می‌فرماید:
اللهم فارفعه بما کدح فیک الی الدرجه العلیا من جنتک، بار خدایا به رنجی که آن حضرت در راه دین تو کشید، او را به بالاترین درجه و مقام بهشت خود برآور.
چنانکه مشاهده می‌کنیم، امام چهارم (ع) در قالب این دعا و در کنار مناجات و پرستش خداوند که بهترین حالات برای پذیرش پیامهای الهی می‌باشد، درس اسلام‌شناسی و مراحل بعثت و سیر مبارزات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مکه و مدینه را تشریح
[صفحه 40]
می‌کنند. لذا دعا علاوه بر حمد و ستایش خداوند، که آنهم بیان توحید و موضوعات مربوط به آن است، دربرگیرنده‌ی معارف الهی در تمامی ابعاد

آن می‌باشد.
کسی که با شناخت، به خواندن این دعا می‌پردازد، علاوه بر نیایش پروردگار، از کلاس دعا درس می‌آموزد، درس ایمان و اعتقاد، درس فداکاری و مبارزه در راه استقرار دین خدا، درس پیروی از رسول خدا و اولیاء الله. و در پرتو مضامین و عبارات عمیق دعا با روحیه‌ای قویتر و عزمی جزم‌تر به پیروی از رسول خدا (ص) در راه دین خدا و اطاعت از فرامین الهی و عمل به آنها گام برمی‌دارد. و اگر قرآن و سنت ما را دعوت به خواندن دعا می‌کنند، به خاطر تاثیراتی است که از جهت معنوی و بیان معارف الهی، علاوه بر نیایش و پرستش خداوند در محتوای ادعیه نهفته می‌باشد.
[صفحه 41]

در درود بر نگهداران عرش و تمام فرشتگان مقرب الهی

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الصلوه علی حمله العرش و کل ملک مقرب، از دعاهای امام (ع) در درود بر نگهداران عرش و تمام فرشتگان مقرب الهی است.
محتوای دعا
ملائکه و فرشتگان، موجودات و مخلوقات خداوند هستند که هر کدام متناسب با موقعیت و مقام و منزلتی که دارند در نظام آفرینش به فرمان خالق هستی وظائفی را انجام می‌دهند. و در انجام ماموریت خویش هیچگاه دچار سستی و خستگی نشده و همواره در خدمت ذات مقدس الهی هستند.
و از آنجا که بخشی از مخلوقات نظام هستی، مستقیم و غیرمستقیم با کارها و امور مربوط به انسانها ارتباط دارند. و انسانها در حیات دنیوی و یا پس از مرگ به نوعی با این فرشتگان برخورد خواهند داشت، لذا بارزترین زمان ملاقات انسان با ملائکه می‌تواند هنگام مرگ باشد که فرشته‌ی مرگ (عزرائیل) و یا ماموران الهی برای گرفتن جان انسانها حاضر می‌شوند. با توجه به این حقیقت امام سجاد (ع) در قالب دعا توجه ما را به این مامورین الهی که شب و روز در کار و ماموریت هستند، و در پهنه‌ی هستی، و عالم غیب و شهود رسالتهایی را انجام می‌دهند جلب می‌کند. و با الهام از آیات قرآن و
[صفحه 42]
علم امامت، پاره‌ای از آنان را نام می‌برد و به کار و ماموریت آنها اشاره می‌فرماید. و با بیان ارزشهای والای ملائکه ما را به اطاعت و فرمانبرداری از خداوند دعوت می‌کند.
دعای سوم اینگونه آغاز می‌شود: اللهم و حمله عرشک الذین لا یفترون من تسبیحک، بار خدایا و نگهداران عرشت، که از تسبیح و منزه نمودن تو سست نمی‌شوند.
ارزشهایی را که امام (ع) برای ملائکه در این دعا برمی‌شمارد عبارتند از:
1- لا یفترون من تسبیحک، از تسبیح گفتن خداوند سست نمی‌شوند.
2- لا یسئمون من تقدیسک، از تقدیس و مبری گردانیدن تو (خدا) به ستوه نمی‌آیند.
3- لا یستحسرون من عبادتک، از پرستش تو مانده نمی‌شوند.
4- لا یوثرون التقصیر علی الجد فی امرک، و تقصیر و کوتاهی بر کوشش در(باره‌ی) امر و فرمان تو اختیار نمی‌نمایند.

5- لا یغفلون عن الوله الیک، و از شیفتگی، به سوی تو غفلت و فراموشی ندارند.
بیان این صفات و ویژگیهای ملائکه و فرشتگان الهی، در جهت ترغیب انسانها به سوی عبادت و اطاعت از خداوند می‌تواند باشد. امام (ع) با توصیف فرشتگان به این صفات در حقیقت ما را به سوی بندگی و عبودیت دعوت می‌کند که رمز تکامل و تعالی و تربیت الهی انسان و ساخته شدن جامعه‌ی انسانی است.
[صفحه 43]
سپس در فرازهای دیگر این دعا اینگونه به معرفی ملائکه الهی می‌پردازد:
و 1- اسرافیل صاحب الصور...، و اسرافیل، صاحب صور (چیزی که در آن دمیده می‌شود) که چشم گشوده و بر هم نمی‌نهد، منتظر دستور و فرمان تو است تا با دمیدن (در صور) مردگان را زنده نماید.
2- و میکائیل ذو الجاه عندک...، و میکائیل که نزد تو دارای منزلت و صاحب مقام بلند است.
3- و جبریل الامین علی وحیک...، و جبرئیل امین و درستکار بر وحی، و پیروی شده‌ی در آسمانها و ارجمند در پیشگاه و مقرب در نزد تو است. جبرئیل فرشته وحی است.
4- و الروح الذی هو علی ملائکه الحجب، و روح (نام فرشته‌ای است) که موکل و گماشته بر فرشتگان حجابها است. گفته شده «حجب» در اینجا انواری است بالاتر از آسمانها که از علم مخلوقین به ماوراء آنها پنهان است.
5- و الروح الذی هو من امرک، و روح (نام فرشته‌ی بسیار بزرگ)، که از عالم امر (اسرار) تو است.
پس دو فرشته با عنوان «روح» وجود دارد، که هر کدام ماموریتی ویژه را به عهده دارند.
سپس امام (ع) می‌فرماید بر این فرشتگان ارجمند الهی درود فرست و نیز بر فرشتگانی که پائینتر از آنان هستند، و علی الملائکه
[صفحه 44]
الذین من دونهم، و سپس فرشتگان دیگر را در ادامه معرفی می‌نماید:
6- خزان المطر و زواجر السحاب، (فرشتگان) خزانه‌داران باران و به حرکت در آورندگان ابر.
قرآن مجید در سوره صافات آیه 2 می‌فرماید: فالزاجرات زجرا، قسم به رانندگان، که احتمالا منظور فرشتگان گماشته شده بر ابرها هستند.
ظاهرا باران تحت یک سری قوانین و مقررات فیزیکی و شیمیایی از آسمان می‌بارد. این ظاهر بارش باران است، اما از آنجا که یک قطره باران جز به اراده خداوند نمی‌بارد. این ملائکه هستند که به اراده‌ی خداوند

ماموریت نزول باران را به عهده دارند. این منافاتی با علم ندارد. زیرا آنچه ما از نظام آفرینش، مخصوصا آسمانها می‌دانیم، نسبت به آنچه در این باره نمی‌دانیم مانند قطره در برابر اقیانوس است. گذشته از این، ساختمان وجودی فرشتگان بر ما پوشیده است و ما نمی‌دانیم که خلقت آنها چگونه است. پس اینگونه نباید تصور کرد که فرشتگان در آسمان نشسته‌اند و با ظرف، آب بر روی زمین می‌ریزند. هر چه هست تحت قوانین و سنتهای الهی است آنان هر چه هستند کنترل کننده‌ی پدیده‌ی باران و نزول آن می‌باشند. و این ماموریت، تضادی با قوانین طبیعی جهان نداشته. و هماهنگ و همسوی آن است. و نشان دهنده‌ی مدیریت گسترده خدای حکیم بر جهان هستی می‌باشد.
7- الذی بصوت زجره یسمع زجل الرعود، فرشته‌ای که از صدای زجر و راندنش بانگ رعدها شنیده می‌شود، و چون
[صفحه 45]
ابر خروشان با صدای راندن او به شنا درآید (رفت و آمد نماید)، شعله‌های برقها بدرخشد.
قرآن مجید می‌فرماید: و یسبح الرعد بحمده، رعد تسبیح خدا می‌گوید.
8- و مشیعی الثلج و البرد...، فرشتگانی که همراه برف و تگرگ هستند.
9- و الهابطین مع قطر المطر اذا نزل، و فرشتگانی که با دانه‌های باران که می‌بارد فرود می‌آیند.
معرفی این فرشتگان و حدود ماموریت و کارهایی که به عهده دارند، نشان دهنده قدرت و تدبیر خالق جهان است، و مدیریت خداوند را بر نظام هستی بیان می‌کند، بطوری که در این نظام منظم و حساب شده و دقیق، حتی یک قطره باران رها شده نیست، و مامورین الهی از زمان پیدایش تا هنگام نزول آن را دنبال کرده و تا حصول نتیجه و رسیدن به جایگاهی که برای آن در نظام آفرینش تعیین شده پیگیری می‌کنند. یعنی ای انسان وقتی یک قطره باران، اینگونه دارای حساب و کتاب است، مواظب اعمال و رفتار و گفتار خویش باش و هماهنگ با نظام هستی و طبق سنتهای الهی در زندگی حرکت کن.
10- و القوام علی خزائن الریاح، و فرشتگانی که بر خزانه‌های بادها، زمامداران هستند.
11- و الموکلین بالجبال فلا تزول، و فرشتگانی که بر کوه‌ها گماشته شده‌اند، تا از هم نپاشند.
12- و الذین عرفتهم مثاقیل المیاه...، و فرشتگانی که سنجش آبها
[صفحه 46]
و پیمانه‌ی بارانهای سخت و رگبارها را به آنان شناسانده‌ای.
13- و رسلک من الملائکه الی اهل الارض بمکروه ما ینزل من البلاء و

محبوب الرخاء، و فرشتگان فرستاده شده بر اهل زمین که گرفتاریهای ناگوار و گشایش خوشایند (بلا و رحمت) می‌آورند.
14- و السفره الکرام البرره، و سفراء گرامی نیکوکار.
15- و الحفظه الکرام الکاتبین، و نگهبانان بزرگوار نویسنده.
16- و ملک الموت و اعوانه، و ملک‌الموت (فرشته مرگ به نام عزرائیل) و یارانش.
17- و منکر و نکیر، و منکر و نکیر (دو فرشته بازپرس در قبر)
18- و رومان فتان القبور، و رومان آزمایش کننده‌ی (اهل) قبر
19- و الطائفین بالبیت المعمور، و طواف کنندگان بیت المعمور.
20- و مالک، و بر مالک
21- و الخزنه، و زمامداران دوزخ
22- و رضوان، و بر رضوان
23- و سدنه الجنان، و کلید داران بهشت
24- و الذین لا یعصون الله ما امرهم، و یفعلون ما یومرون، و فرشتگانی که خدا را در فرمانهایش نافرمانی نمی‌نمایند، و به آنچه به آن مامورند عمل می‌کنند. این فرشتگان با توجه به آیه 6 سوره تحریم، ملائکه‌ی «غلاظ» و «شداد» هستند.
25- و الذین یقولون سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار، و
[صفحه 47]
فرشتگانی که (به اهل بهشت) می‌گویند: درود بر شما باد به آنچه که شکیبایی نمودید (از بجا آوردن طاعات و دوری از گناهان)، پس عاقبت نیکویی در دنیا دارید.
26- و الزبانیه الذین اذ قیل لهم: خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه، و فرشتگانی که پاسبانند، هرگاه به ایشان گفته شود: او را بگیرید و در غل کشید و به دوزخ اندازید، به شتاب به او رو آورده و مهلتش نمی‌دهند.
27- و سکان الهواء و الارض و الماء و من منهم علی الخلق، و فرشتگانی که در هوا و زمین و آب جا دارند، و بر آنان که بر خلق (همه آفریده شدگان در آسمان و زمین) گماشته شده‌اند. روایت شده: خدا چیزی را نیافریده جز آنکه فرشته‌ای بر آن گماشته شده است.
28- سائق و شهید، قرآن در آیه 21 سوره ق می‌فرماید:
و جاءت کل نفس معها سائق و شهید، و هر کس می‌آید و با او دو فرشته است یکی او را (به معاد و بازگشت) می‌راند و یکی (به عمل او) گواه است.
29- و قبائل الملائکه الذین اختصصتهم لنفسک، و اصناف گوناگون فرشتگانی که برای خود اختصاص داده‌ای، و آنان را با تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی‌نیاز کرده‌ای، و در درون طبقه‌های آسمانهایت جا

داده‌ای.
و در انتهای دعا امام علیه‌السلام می‌فرماید: (خداوندا) بر آنان درود فرست درودی که کرامت و مقامی بر مقامشان و پاکیزگی و تقربی بر تقربشان بیافزاید.
[صفحه 48]

در درود بر پیروان پیامبران و ایمان آورندگان به ایشان

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الصلوه علی اتباع الرسل و مصدقیهم، از دعاهای امام (ع) در درود بر پیروان پیامبران و ایمان آورندگان به ایشان می‌باشد.
محتوای دعا
پیش از این توضیح دادیم که عناوین ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، از محتوای دعاها گرفته شده است. و موضوعی از دعا به عنوان شاخص گرفته شده و عنوان دعا قرار داده شده است. مثلا عنوان دعاء چهارم، درود بر پیروان پیامبران می‌باشد. گر چه مطالب متنوع دیگری نیز در این دعا وجود دارد، ولی علت انتخاب این عنوان شاید به این دلیل باشد زیرا دعا با این مطلع آغاز می‌شود:
اللهم و اتباع الرسل و مصدقوهم...، بار خدایا و پیروان پیامبران و ایمان آورندگان به ایشان از اهل زمین که از روی غیب و پنهانی ایمان آوردند.
امام (ع) جریان بعثت انبیاء را از آدم تا حضرت محمد (ص) بیان فرموده و برای پیروان و رهروان راه آنان درخواست آمرزش و خشنودی می‌کند. و سپس اصحاب رسول خدا (ص) را اینگونه معرفی می‌کند:
1- اصحاب محمد خاصه الذین احسنوا الصحابه، اصحاب و یاران مخصوص محمد (ص)، آنان که همراه بودن (با آن حضرت) را
[صفحه 49]
نیکو به پایان بردند. امام (ع) با قید «احسنوا الصحابه» آن یاران و اصحابی را ذکر می‌کند که حقیقتا از رسول‌الله (ص) پیروی کردند.
2- و الذین ابلوا البلاء الحسن فی نصره، و آنان که برای یاری او در جنگ، شجاعت و دلاوری برجسته‌ای از خود نشان دادند.
3- و کانفوه، و او را یاری کردند.
4- و اسرعوا الی وفادته، و به ایمان آوردن به او شتافتند.
5- و سابقوا الی دعوته، و در پذیرفتن دعوتش (به دین اسلام) از دیگران سبقت گرفتند.
6- و استجابوا له حیث اسمعهم حجه رسالاته، و دعوت او را آن هنگام که برهان رسالتهای خود را به گوششان رساند پذیرفتند.
7- و فارقوا الازواج و الاولاد فی اظهار کلمته، و در راه آشکار ساختن دعوت او، از زنان و فرزندان دوری کردند.
8- و قاتلوا الاباء و الابناء فی تثبیت نبوته، و در تحکیم نبوت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند.

9- و من کانوا منطوین علی محبته، و آنان که محبت و دوستی آن بزرگوار را در دل داشتند.
امام (ع) با توصیف اصحاب راستین رسول خدا (ص) به صورت غیرمستقیم وظائف ما را نسبت به دین و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بیان می‌کند. و اجمالا خصوصیات و ویژگیهای اصحاب واقعی پیامبر (ص) را اینگونه برمی‌شمارد:
1- همراه پیامبر بودن 2- در جنگ و جهاد دلاورانه شرکت کردن 3- رسول خدا را یاری کردن 4- پذیرفتن دعوت پیامبر (ص)
[صفحه 50]
5- دوری از دشمنان دین، اگر چه زن و فرزند آنان بود.
6- جنگ با دشمنان، اگر چه پدران و فرزندان بودند.
7- داشتن محبت پیامبر (ص) در دل، و دوست داشتن ایشان.
سپس در معرفی «تابعین» یعنی پیروان اصحاب رسول خدا (ص)، کسانی که پیامبر را ندیدند و با صحابه‌ی بزرگوار ایشان همعصر بودند، چنین می‌فرماید:
1- الذین قصدوا سمتهم، آن تابعین و پیروانی که طریقه و راه ایشان (صحابه) را قصد کردند و رفتن راه آنان را هدف خود قرار دادند.
2- و تحروا وجهتهم، و به آنجا که آنان رو آوردند رو نمودند.
3- و مضوا علی شاکلتهم، و بر روش آنها رفتار کردند (در عقائد و گفتار و کردار پیرو آنها بودند).
4- لم یثنهم ریب فی بصیرتهم، آنان را در بینائی (عقاید و ایمان)شان شکی برنگردانید. دچار شک و تردید نشدند.
5- و لم یختلجهم شک فی قفو آثارهم، و در پیروی آثار و اقتداء به نشانه‌های هدایت و رستگاری صحابه، دودلی آنها را نگران نساخت.
امام (ع) در این دو بخش از دعا، خط راستین مکتب توحیدی اسلام را ترسیم می‌کند و به معرفی پیامبر (ص)، و صحابه به عنوان پیروان حقیقی پیامبر (ص) و تابعین به عنوان پیروان حقیقی صحابه، زمان و موقعیت خودشان را در استمرار حرکت رسول‌الله (ص) و صحابه و تابعین بیان می‌کنند. در حقیقت امام (ع) در قالب دعا درس اسلام‌شناسی می‌دهد. و کسی که این کتاب پربار و عمیق را به دست
[صفحه 51]
می‌گیرد تا با خداوند راز و نیاز کند، علاوه بر نیایش، درس دین‌شناسی نیز می‌آموزد و باید با دقت نظر در فرازهای این دعا، بداند چه می‌گوید و چه می‌خواهد و کجاست و خدا از او چه می‌خواهد. و او باید چگونه باشد. و این است یکی از راز و رمزهای سازنده بودن دعا، و سفارش بزرگان دین به دعا خواندن.

سپس امام سجاد، ایستاده بر جایگاه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم، به عنوان خلیفه مسلمین و امام و هادی برگزیده‌ی خدا، و وصی رسول‌الله، برای تابعین زمان خودشان و پیروان رسول‌الله تا قیامت دعا می‌کند. و با این دعا استمرار حرکت رسول خدا و صحابه و تابعین را تا روز قیامت بیان می‌فرماید:
اللهم و صل علی التابعین من یومنا هذا الی یوم الدین...، بار خدایا از امروز ما تا روز قیامت، بر تابعین و زنان و فرزندانشان و بر هر کدام از ایشان که تو را اطاعت نموده درود فرست.
[صفحه 52]

عنوان دعاء چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام لنفسه و لاهل و لایته، از دعاهای امام (ع) درباره‌ی خود و دوستانش می‌باشد.
محتوای دعا
دعاهای صحیفه‌ی سجادیه، معمولا با مدح و ستایش خداوند و بیان صفات الهی شروع می‌شود. در این قسمت امام (ع) درسهایی از خداشناسی را بیان می‌کند. و متناسب با بیان صفات الهی درخواستهایی را در پیشگاه مقدس خداوند مطرح می‌نماید و حقیقتا درک و بیان این تناسب و بیان صفات خداوند و توصیف ذات اقدس الهی جز از زبان معصومین برنمی‌آید.
دعاء پنجم از ترکیبی خاص برخوردار است، که تا انتهای دعا رعایت شده، یعنی امام (ع) ابتدا به مدح و ثنای الهی می‌پردازد و سپس بر پیامبر و آلش درود می‌فرستد و سپس درخواستهای خود را بیان می‌کند.
فراز اول این دعا چنین است: یا من لا تنقضی عجائب عظمته، صل علی محمد و آله، و احجبنا عن الالحاد فی عظمتک، ای آنکه شگفتیهای بزرگی او پایان ندارد، بر محمد و آل او درود فرست، و ما را از ستم در عظمت خود بازدار (چون ارتکاب گناه و عدول از حق، یک نوع جور نسبت به عظمت خالق است).
[صفحه 53]
اینکه انسان در پیشگاه خداوند چه چیزی را درخواست کند، و از خدا چه بخواهد، موضوع مهمی است و امام (ع) به ما آموزش می‌دهد که از خدا چه بخواهیم. بخشی از درخواستهایی که در این دعا مطرح شده عبارتند از:
1- و اعتق رقابنا من نقمتک، و گردنهای ما را از عذاب و کیفر (دوزخ) آزاد فرما.
2- و اجعل لنا نصیبا فی رحمتک، و برای ما در رحمت خود بهره‌ای قرار ده،
3- و ادننا الی قربک، و ما را به قرب خود نزدیک نما.
4- و کرمنا علیک، و ما را نزد (احسان) خود گرامی بدار.
5- و لا تفضحنا لدیک، و ما را (روز رستاخیز) نزد خود (به آنچه می‌دانی) رسوا مگردان.
6- اللهم اغننا عن هبه الوهابین بهبتک، بار خدایا به بخشش خود ما را از بخشش بخشندگان بی‌نیاز گردان.
7- و ادل لنا و لا تدل منا، و ما را (بر دشمنان دین) پیروز گردان و (آنها را) بر ما پیروز مگردان.
8- و قنا منک و احفظنا بک، و اهدنا الیک، و ما را از خشم خود نگهدار، و به

لطف خود حفظ فرما و به راه راست به سوی خود راهنمائی کن.
9- و لا تباعدنا عنک، و ما را از (رحمت) خود دور مگردان.
10- و اکفنا حد نوائب الزمان، و شر مصائد الشیطان، و مراره صوله السلطان، و ما را از سختی پیشامدها و اندوه‌های روزگار، و بدی
[صفحه 54]
دامهای شیطان، و تلخی غلبه‌ی پادشاه حفظ فرما.
11- و اکفنا، و ما را بی‌نیاز گردان
12- و اعطنا، و به ما عطا فرما
13- و اهدنا، و ما را هدایت کن
14- و امنعنا بعزک من عبادک، و ما را به قدرت و توانائی خود از (زیان) بندگانت دور ساز.
15- و اغننا عن غیرک بارفادک، و به بخشش خود از دیگری ما را بی‌نیاز گردان.
16- و اسلک بنا سبیل الحق بارشادک، و به راهنمائی خود ما را به راه حق راهنمائی کن.
17- و اجعل سلامه قلوبنا فی ذکر عظمتک، و سلامتی دلهای ما را در یاد عظمت و بزرگی خود قرار بده.
18- و فراغ ابداننا فی شکر نعمتک، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود قرار بده.
19- و انطلاق السنتنا فی وصف منتک، و شیرینی زبانهای ما را در بیان نعمت خود قرار بده.
نگاهی گذرا بر درخواستهای امام (ع) در مقام دعا، از پیشگاه الهی، بیانگر این حقیقت است که درخواستها برگرفته از تعالیم قرآن و همگی در جهت رشد و کمال الهی انسان است. و آنجا هم که امام (ع) درخواست امکانات مادی می‌نماید در جهت حفظ دین و حرمت و شخصیت و کرامت انسان است. و نمی‌خواهد دست و زبان و اندیشه‌اش جز به راه خدا و جز به سوی خدا در جهتی دیگر مشغول
[صفحه 55]
شود، و مشکلات روزمره‌ی زندگی او را از پیمودن راه کمال بازدارد.
گذشته از این، درخواستهای امام (ع) در قالب دعا، فرمولها و محورهای اساسی رسیدن به کمال را معرفی می‌کند. و به شیوه‌ای دقیق شرایط مساعد و مناسب فردی و اجتماعی را برای تکامل انسانها یادآور می‌شود.
علاوه بر این در تمامی دعاها، با به کار بردن ضمیر جمع رسیدن به کمال را برای همه درخواست می‌کند.
و امام (ع) به ما می‌آموزد که از خدا بخواهیم در زمره‌ی افراد زیر قرار بگیریم:

1- الداعین، دعوت کنندگان به سوی خدا
2- الدالین، راهنمایان به سوی خدا
3- الخاصین، از نزدیکان به (رحمت) خدا
[صفحه 56]

از دعاهای آن حضرت به هنگام بامداد و شب است این دعا با حمد و ثنای خداوند آغاز می‌شود

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام عند الصباح و المساء، از دعاهای آن حضرت به هنگام بامداد و شب است این دعا با حمد و ثنای خداوند آغاز می‌شود.
محتوای دعا
الحمد لله الذی خلق اللیل و النهار بقوته، سپاس خدای را که به قدرت خود شب و روز را آفرید. در این بخش از دعا به نکات زیر اشاره شده است.
1- آفرینش شب و روز و اینکه هر کدام دارای حدود و مرز بندی معینی است.
2- آمدن شب و روز از پی یکدیگر و به وجود آمدن شرایط مناسب برای حیات و پرورش انسان و تغذیه او.
3- هدف از آفرینش شب و روز، و بیان اینکه خداوند شب را برای این آفرید تا انسان از جنبشهای رنج آور و دشواریهای خسته کننده (روز) بیارامد. و روز را برای آنان قرار داده تا در آن فضل و احسان خداوند را بطلبند و وسیله روزی خویش را به دست آورند.
4- انسان همواره در بوته‌ی آزمایش قرار دارد. و صحنه‌ی زندگی دنیا برای او جایگاه امتحان و آزمایش می‌باشد.
5- بیان اینکه همه چیز در جهان تحت اراده‌ی خداوند قرار دارد،
[صفحه 57]
چنانکه امام (ع) می‌فرماید: اصبحنا فی قبضتک یحوینا ملکک و سلطانک،... به صبح درآمدیم در پنجه‌ی (قدرت) تو که پادشاهی و توانائیت ما را فرا می‌گیرد و اراده و خواست تو ما را گرد می‌آورد. و از روی امر و فرمان توست که در کارها دست می‌بریم و در تدبیر تو رفت و آمد می‌کنیم.
سپس امام (ع) اشاره به روزی که در آن قرار دارد می‌نماید و می‌فرماید: و هذا یوم حادث جدید، و هو علینا شاهد عتید، ان احسنا ودعنا بحمد، و ان اسانا فارقنا بذم، و این روز (روز) نو آمده و تازه‌ای است، و آن بر ما گواه آماده‌ای است، اگر نیکی کنیم با سپاسگزاری ما را بدرود می‌نماید، و اگر بدی کنیم با نکوهش از ما جدا خواهد شد.
روزهایی که ما در زندگی سپری می‌کنیم، همواره این سخنان را با ما دارند، که چگونه آنها را به پایان می‌رسانیم. آیا شب که به بستر خواب می‌رویم، روز را بگونه‌ای گذرانده‌ایم که با سپاسگزاری و درود گویان از ما جدا شده باشد؟
این فراز از دعای امام (ع) ما را به «محاسبه‌ی» ایام زندگی دعوت می‌کند. و آنگاه در جهت بهره‌گیری از آن روز و ایام دیگر درخواست هایی

را بیان می‌فرماید که به گوشه‌هایی از آن درخواستها اشاره می‌کنیم.
1- و ارزقنا حسن مصاحبته، و نیک همراه بودن با این روز را روزی ما گردان.
2- و اجزل لنا فیه من الحسنات، و اخلنا فیه من السیئات، و املالنا ما بین طرفیه حمدا و شکرا و اجرا و ذخرا و فضلا و احسانا، و در این روز
[صفحه 58]
برای ما نیکیها را بیفزا، و از بدیها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی پر گردان.
سپس از خداوند می‌خواهد که بر انجام کارهای زیر توفیق پیدا کند. و در حقیقت به ما آموزش می‌دهد که از خداوند چه چیزی را درخواست کنیم:
1- لاستعمال الخیر، برای انجام نیکی.
2- و هجران الشر، و دوری از بدی.
3- و شکر النعم، و سپاسگزاری از نعمتها.
4- و اتباع السنن، و پیروی از سنتها.
5- و مجانبه البدع، و دوری از بدعتها.
6- و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، و امر به معروف و نهی از منکر.
7- و حیاطه الاسلام، و حفظ و نگهداری اسلام.
8- و انتقاص الباطل و اذلاله، و نکوهش باطل و خوار نمودن آن.
9- و نصره الحق و اعزازه، و یاری حق و گرامی گردانیدن آن.
10- و ارشاد الضال، و راهنمائی گمراه.
11- و معاونه الضعیف، و کمک به ناتوان.
12- و ادراک اللهیف، و رسیدن به فریاد ستم‌دیده.
اگر گذری دوباره بر درخواستهای امام (ع) داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم که آنچه امام بیان می‌فرماید همگی درخواستهای کلیدی و اساسی، برای تکامل و تعالی مسلمانان و امت اسلامی است. و توفیق یافتن بر انجام آنها راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را
[صفحه 59]
برای فرد و جامعه هموار می‌کند.
در حقیقت امام سجاد (ع) برنامه‌ی روزانه‌ی یک مسلمان را تنظیم می‌کند، و وظائف او را نسبت به مکتب و جامعه‌اش به وی نشان می‌دهد. انجام کارهای «خیر» یعنی کارهایی که طبق دستور مکتب باشد و «شکر» در مقابل نعمتها و استفاده از امکانات و توان و استعداد در مسیر صحیح، که از معانی شکر است و بازرسی و نظارت عمومی و همگانی که «امر به معروف و نهی از منکر» می‌باشد. و دفاع نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی از حریم اسلام، و یاری کردن حق و نشان دادن نقصها و نارسائی

های اندیشه‌های باطل و مبارزه فرهنگی با مظاهر گوناگون باطل در جهت هدایت گمراهان و ساده اندیشانی که فریب توطئه‌های فرهنگی دشمنان را می‌خورند و حمایت مستمر از ناتوانان جامعه.
[صفحه 60]

هرگاه کار دشوار و دل آزاری به او روی می‌آورد و یا پیشامد سختی رخ می‌داد و به هنگام غم و اندوه می‌خواند

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام، اذا عرضت له مهمه او نزلت به ملمه و عند الکرب، از دعاهای امام (ع) است هرگاه کار دشوار و دل آزاری به او روی می‌آورد و یا پیشامد سختی رخ می‌داد و به هنگام غم و اندوه می‌خواند.
محتوای دعا
انسان در زندگی فردی و اجتماعی همواره ممکن است با مشکلات و سختی هایی روبرو شود. زیرا حوادث و گرفتاریها و ناملایمات همانند تیرهایی هستند که به سوی انسانها روان می‌شوند و او ناگزیر است با آنها برخوردی شایسته و صحیح داشته باشد. و آن مشکلات و غم و اندوه و سختی را وسیله‌ای برای رشد و کمال خویش تبدیل نماید.
امام علی (ع) می‌فرماید: هرگاه ترس و بیم (از بلاء) سخت شد پس پناهگاه (انسان) به سوی خدا رفتن است. و از امام موسی بن جعفر (ع) نقل است که فرمود: بلا و آفتی نیست که به بنده‌ی مومن رو آورد و خداوند توفیق دعا را به او بدهد، جز آنکه بلا به زودی از بین برود.
انسان اگر در مشکلات و سختیها به خدا روی آورد، و خودش را به خدا بسپارد، و با استعانت و نیرو گرفتن از ذات الهی به مصاف آنها
[صفحه 61]
برود، گذشته از اینکه پیشامدها و غم و اندوه را از خود دور می‌گرداند، رشد روحی و معنوی پیدا کرده و از سختیها پیروز بیرون می‌آید.
امام (ع) برخورد با مشکلات و سختیها را به ما آموزش می‌دهد. و اینکه در آن شرایط از خداوند چه بخواهیم و چگونه درخواست خود را بیان کنیم.
دعا هفتم اینگونه آغاز می‌شود:
یا من تحل به عقد المکاره، ای آنکه گره‌های ناگوارائی ها به وسیله‌ی او بازمی‌گردد.
و از آنجا که تمامی گرفتاریها در محدوده دنیایی به وقوع می‌پیوندد، و سررشته‌ی همه‌ی اسبابها و علتها و رویدادهای آن در ید قدرت مطلقه خداوند است، لذا امام (ع) به ما تعلیم می‌دهد که حل مشکلات را تنها از خدا بخواهیم. و در قالب مدح و ثنای الهی، به ما درس خداشناسی داده و می‌فرماید:
ذلت لقدرتک الصعاب، کارهای دشوار به قدرت و توانائی تو آسان شده است.
سپس وضعیت و موقعیت خویش را در پیشگاه خداوند بیان می‌کند و می‌فرماید: و قد نزل بی یا رب ما قد تکادنی ثقله، و خدایا بر من (از بلا و

گرفتاری) چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است. و آنگاه در ادامه می‌فرماید: و بقدرتک اوردته علی، و خدایا تو به قدرت خود آن را بر من رسانیده‌ای.
زیرا همه چیز در دست خداست. حتی یک قطره‌ی باران بی اذن
[صفحه 62]
خداوند اجازه ندارد از آسمان فرود آید.
سپس در فراز دیگر با اشاره به اینکه تنها خداست که می‌تواند مشکلات و سختیها را از انسان دور کند می‌فرماید:
فلا مصدر لما اوردت، و لا صارف لما وجهت، (خدایا) پس برای آنچه به من رسانده‌ای برگرداننده و برای آنچه متوجه (من) ساخته‌ای دفع کننده‌ای نیست...،
امام (ع) به ما آموزش می‌دهد که اگر مشکلات و سختیها به شما رو می‌آورد، به یقین بدانید که خداوند رفع کننده آنهاست، پس به سوی خدا بروید، و برای رهایی از آنها خود را به پناهگاه الهی نزدیک کنید.
آنگاه درخواست خود را از خداوند اینگونه بیان می‌فرماید:
و افتح لی یا رب باب الفرج بطولک، خدایا در آسایش را به فضل خود به روی من باز کن.
و از آنجا که مشکلات و سختیها ممکن است سبب شوند که انسان از پرداختن به انجام وظائف خود نسبت به مکتب دور بماند، امام (ع) با توجه به این نکته می‌فرماید: و لا تشغلنی بالاهتمام عن تعاهد فروضک، و استعمال سنتک، (خدایا) مرا به سبب غم و اندوه از رعایت و حفظ واجبات و به کار بستن سنت خود باز مدار.
[صفحه 63]

در پناه بردن به خدای تعالی از سختی ها و بدی اخلاق و کردارهای نکوهیده

عنوان دعاء چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الاستعاذه من المکاره و سیئی الاخلاق و مذام الافعال، از دعاهای امام (ع) در پناه بردن به خدای تعالی از سختیها و بدی اخلاق و کردارهای نکوهیده است.
محتوای دعا
دعاء هشتم اینگونه آغاز می‌شود:
اللهم انی اعوذ بک من هیجان الحرص، خدایا از حرص و آز (بر دنیا) به تو پناه می‌برم.
در این دعا امام سجاد (ع) به ما آموزش می‌دهد که از بیماریهای اخلاقی و روانی و نتایج و اثرات آنها به خدا پناه ببریم و به پاره‌ای از آنها اشاره می‌فرماید:
1- هیجان الحرص، حرص و آز
2- سوره الغضب، تندی غضب و خشم
3- غلبه الحسد، تسلط حسد و رشک
4- ضعف الصبر، سستی صبر و شکیبایی
5- قله القناعه، کمی قناعت
6- شکاسه الخلق، سوء خلق و بدخوئی
7- الحاح الشهوه، افراط (بی‌حد) خواهش نفس
[صفحه 64]
8- ملکه الحمیه، غلبه‌ی حمیت (طرفداری از ناحق)
9- متابعه الهوی، پیروی از هوا و هوس
10- مخالفه الهدی، مخالفت با هدایت و رستگاری
11- سنه الغفله، خواب غفلت
12- تعاطی الکلفه، اقدام بر تکلف و کار با مشقت (که انسان را به رنج آورد و خسته و بیزار نماید)
13- ایثار الباطل علی الحق، برگزیدن باطل بر حق
14- الاصرار علی الماثم، اصرار و مداومت بر گناه.
15- استصغار المعصیه، کوچک شمردن گناه و معصیت.
16- استکبار الطاعه، بزرگ دانستن اطاعت و بندگی خدا.
17- مباهات المکثرین، از به خود نازیدن ثروتمندان.
18- الازراء بالمقلین، خوار شمردن فقراء و نیازمندان
19- سوء الولایه لمن تحت ایدینا، بدرفتاری با زیردستان (زن، فرزند، شاگرد، خدمتگزار و پیروان...)

20- ترک الشکر لمن اصطنع العارفه عندنا، بجا نیاوردن شکر و سپاسگزاری نسبت به کسی که به ما نیکوئی کرده است.
21- او ان نعضد ظالما، یا اینکه ستمگری را کمک کنیم.
22- او نخذل ملهوفا، یا اینکه ستم‌دیده‌ای را خوار گردانیم.
23- او نروم ما لیس لنا بحق، یا آنچه حق ما نیست بطلبیم.
24- او نقول فی العلم بغیر علم، در علم (اصول و فروع دین...) از روی نادانی سخن بگوئیم.
25- ان ننطوی علی غش احد، از اینکه غش با کسی را قصد کنیم
[صفحه 65]
(فریب دادن دیگران)
26- ان نعجب باعمالنا، از اینکه به کردارهایمان خودپسند باشیم.
27- نمد فی آمالنا، آرزوهایمان را دراز کنیم.
28- من سوء السریره، از بدی راز نهفته در دل (پندار بد)
29- و احتقار الصغیره، و از کوچک شمردن گناه کوچک
30- ان یستحوذ علینا الشیطان، از اینکه شیطان بر ما مسلط شود.
31- او ینکبنا الزمان، یا شرایط زمان، ما را بدبخت گرداند.
32- او یتهضمنا السلطان، یا حاکم و سلطان بر ما ستم نماید. (یا شاید به این معنا باشد که در فساد و تباهی حاکمان ستمگر هضم شویم و شخصیت الهی خود را از دست بدهیم).
33- من تناول الاسراف، از اقدام بر اسراف کردن
34- من فقدان الکفاف، از نیافتن روزی به اندازه نیازمندی
35- من شماته الاعداء، از سرزنش دشمنان
36- من الفقر الی الاکفاء، از نیازمندی به امثال خود.
37- من معیشه فی شده، از زندگی در سختی
38- و میته علی غیر عده، و مردن بی ساز و سامان (بدون توشه‌ی سفر مرگ).
39- من الحسره العظمی، از بزرگترین تاسف و افسوس (در آخرت به دلیل نداشتن اعمال صالح)
40- و المصیبه الکبری، و بزرگترین مصیبت
41- و اشقی الشقاء، و بدترین بدبختی (دخول در آتش و گرفتار شدن به عذاب الهی)
[صفحه 66]
42- و سوء الماب، و بدی بازگشت (به سوی خدا و جهان آخرت)
43- و حرمان الثواب، و نومیدی از پاداش (بهشت)
44- و حلول العقاب، و رسیدن کیفر (در قیامت)
امام (ع) در قالب دعا فهرست‌وار به آنچه که مانع سعادت دنیوی و اخروی

انسان می‌شود پرداخته و آنها را بیان فرموده است.
این موانع، متن همه‌ی نارسائی های فردی و اجتماعی و ریشه‌ی تمامی بدبختی‌هاست. چنانکه در زمینه‌ی بیماریهای اخلاقی مواردی چون حرص، حسد، نا شکیبایی، غضب، شهوت‌رانی و... را برمی‌شمارد.
و در زمینه مسائل اقتصادی به مواردی چون عدم قناعت، اسراف، فقدان تعادل دخل و خرج، فقر و تکلف اشاره می‌نماید.
و در زمینه روابط انسانی مسائلی چون، حمیت (در مسیر باطل)، مباهات ثروتمندان بر فقرا، کوچک شمردن مستمندان، بدرفتاری در حوزه مسئولیت، غش، یاری ستمگر، خوار شمردن ستمدیده، و درخواست آنچه حق انسان نیست را برمی‌شمرد.
و در قالب کوتاهترین عبارات، بزرگترین و کلیدی ترین مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را به صورت دعا بیان می‌فرماید. و به حق این معارف الهی جز از سرچشمه‌ی زلال کوثر امامت جاری نمی‌شود.

عنوان دعاء چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الاشتیاق الی طلب المغفره من الله جل جلاله
از دعاهای امام (ع) در اشتیاق به درخواست آمرزش از خداوند جل جلاله است.
محتوای دعا
در این دعا امام سجاد (ع) پس از درود فرستادن بر رسول خدا (ص) و آل او، درخواست هایی را به پیشگاه اقدس خداوند عرضه می‌کند. این درخواستها به ما می‌آموزند که از خداوند چه بخواهیم و خواسته‌ی خودمان را چگونه بیان کنیم. درخواست هایی که مطرح شده در زمینه‌های مختلفی از جمله توبه، دوری از اصرار بر گناه، کسب رضای خدا و توجه دادن به آفرینش انسان و... می‌باشد. که در اینجا به فرازهایی از آن اشاره می‌شود:
1- و صیرنا الی محبوبک من التوبه، و ما را به توبه (از گناه) که محبوب تو است بازگردان.
2- اللهم و متی وقفنا بین نقصین فی دین او دنیا، فاوقع النقص باسرعهما فناء...، خدایا و هرگاه بین دو زیان (دو کیفر بر اثر دو تقصیر و نافرمانی) قرار گرفتیم: یکی در دین و دیگری در دنیا، (و یکی را می‌بخشی) پس زیان (کیفر) را در آن که زود می‌گذرد (دنیا) و عفو و
[صفحه 68]
بخشش را در آنکه مدتش طولانی است (دین) قرار بده.
3- و اعم ابصار قلوبنا عما خالف محبتک، و دیده‌ی دلهایمان را از آنچه خلاف دوستی تو است کور گردان.
4- و اجعل همسات قلوبنا، و حرکات اعضائنا، و لمحات اعیننا، و لهجات السنتنا فی موجبات ثوابک، و رازهای دلها و حرکات اندامها و نگاههای پنهانی چشمها و سخنان زبانهای ما را در آنچه باعث ثواب تو گردد قرار بده.
امام در کلاس درس این دعا به ما می‌آموزد که برای رسیدن به سعادت ابدی، تمام توان خود را در جهت رضای الهی و کسب ثواب و پاداش اخروی صرف کنیم و قلب و اعضاء و چشم و زبان را در خدمت به آرمان الهی و مکتب توحید و در راه خدا به کار گیریم.
به راستی که اگر انسانها تحت تربیت تعالیم آسمانی قرآن و رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام قرار بگیرند و

دل و جان به مکتب توحید بسپارند، و آنگونه شوند که جز رضای الهی چیزی در دل نداشته باشند و آخرت را بر دنیا برگزینند و روح و روان و فکر و اندیشه و دل و جان خود را در پرتو انوار الهی قرار دهند، آیا جوامع بشری به زیباترین و انسانی‌ترین حیات فردی و اجتماعی نمی‌رسند؟ مسلما تنها در پرتو تعالیم انسان‌ساز قرآن و عترت بشریت می‌تواند به «حیات طیبه» الهی و در دنیا و آخرت نائل شود.
[صفحه 69]

در پناه بردن به خدای تعالی

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی اللجا الی الله تعالی، از دعاهای امام (ع) در پناه بردن به خدای تعالی است.
محتوای دعا
امام سجاد (ع) اراده‌ی خداوند را حاکم بر همه چیز معرفی می‌کند، لذا در فراز اول دعا می‌فرماید:
اللهم ان تشاتعف عنا فبفضلک، و ان تشاتعذبنا فبعدلک، خدایا اگر بخواهی ما را عفو کنی از فضل و احسان تو است (نه شایستگی ما) و اگر بخواهی ما را به کیفر برسانی از عدل و دادگری تو است (نه ستم بر ما)
سپس از خداوند جل جلاله بخشش او را درخواست می‌کند و می‌فرماید:
یا غنی الاغنیاء، ها نحن عبادک بین یدیک و انا افقر الفقراء الیک، فاجبر فاقتنا بوسعک، ای بی‌نیاز بی‌نیازان، اینک ما بندگان تو و در اختیار توایم، و من نیازمندترین نیازمندان به تو هستم، پس به بی‌نیازی و عطای خود نیازمندی ما را برطرف فرما.
و در فراز دیگر دعاء می‌فرماید:
و الی این مذهبنا عن بابک، و از درگاه تو به کجا برویم؟ (جز تو کسی و جز درگاهت پناهی نداریم).
امام سجاد (ع)، ایستاده بر قله‌ی عرفان، درس پرستش حقیقی و
[صفحه 70]
نیایش خالصانه و خاضعانه را در زیباترین عبارات و کلمات بیان می‌کند. در حقیقت این دعا چگونه پناه بردن به خدا را آموزش می‌دهد. و آنگاه که انسان همه‌ی درها را بسته می‌بیند، تنها یک در همیشه به روی او گشوده است و آن درگاه خداوند کریم است، درگاهی که هیچکس از آن محروم باز نمی‌گردد. و امام (ع) راه بهره بردن از این نعمت بزرگ را می‌آموزد، تا بدین وسیله روح های تشنه را از قطرات حیاتبخش دعا و پرستش سیراب کرده و دریچه‌ای نو بر آنها گشوده، و نهال امید و آرامش را در دلهای آنان بکارد.
آنچه امام سجاد علیه‌السلام در این دعا و دعاهای دیگر صحیفه در مقام نیایش و پرستش خداوند جل جلاله بیان می‌کند، برگرفته از معرفت و شناخت و عشق و محبت ایشان به خداوند است. گویی کلمات و واژه‌ها پاره‌هایی از وجود نورانی اوست که به پیشگاه اقدس الهی عرضه می‌شود، و زیباترین و ژرفترین و متعالی ترین ارتباط انسان کامل را با خداوند و معبود خویش نشان می‌دهد. زیرا عبادت امام معصوم علیه‌السلام، امام

عبادت ها و نیایش ایشان امام نیایش‌ها است، و هیچ انسانی نمی‌تواند بر قله‌ی رفیع معرفت و عشق و محبت امام معصوم علیه‌السلام نسبت به خداوند دست پیدا کند. و آنچه ما می‌توانیم از بیانات و کلمات و عبارات نورانی ائمه‌ی معصومین (ع) و فرازهای ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه کسب کنیم، به قدر توان و استعداد و قابلیت خود، تنها قطره‌ای، ذره‌ای و نمی از این اقیانوس مواج معرفت الهی است. و این قطره نیز اگر نصیب گردد همه‌ی ما را بس.
[صفحه 71]

در درخواست عاقبت بخیری

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام بخواتم الخیر، از دعاهای امام (ع) در درخواست عاقبت بخیری‌هاست.
(اینکه انسان نهایت کارش نیکو گردد و سعادتمند شود، امری است که مورد علاقه‌ی همه است، و اصولا تمامی فعالیتها و تلاشها به نوعی برای رسیدن به آن است. حتی کسانی که راه را گم کرده‌اند و به بیراهه می‌روند، گمان می‌کنند به سوی سعادت و نیکبختی گام برمی‌دارند. در حقیقت دعا برای عاقبت به خیر شدن، و قبولی در پیشگاه خداست، که بالاترین سعادت و خوشبختی است.
محتوای دعا
دعای یازدهم اینگونه آغاز می‌شود: یا من ذکره شرف للذاکرین، و یا من شکره فوز للشاکرین، و یا من طاعته نجاه للمطیعین، ای آنکه یاد او برای یاد کنندگان موجب شرافت و بزرگی است، و ای آنکه شکر او برای شکرگزاران موجب پیروزی است، و ای آنکه اطاعت او برای اطاعت کنندگان موجب رهائی است. با توجه به دعا شاید بتوان گفت «شرف» و «فوز» و «نجات» به وسیله «ذکر» و «شکر» و «اطاعت» از خداوند به دست می‌آید.
سپس امام (ع) جایگاه هر کدام را اینگونه بیان می‌فرمایند:
1- و اشغل قلوبنا بذکرک عن کل ذکر، و دلهای ما را به یاد خودت
[صفحه 72]
از هر یادی مشغول کن.
2- و السنتنا بشکرک عن کل شکر، و زبانهای ما را به سپاس خود از هر سپاسی (مشغول کن).
3- و جوارحنا بطاعتک عن کل طاعه، و اندامهای ما را به اطاعت خودت از هر اطاعتی (به کار آر).
و در فرازهای آخر دعا به ما می‌آموزد که برای پایان حیات خویش از خداوند چه چیزی را درخواست کنیم.
و اجعل ختام ما تحصی علینا کتبه اعمالنا توبه مقبوله، و پایان آنچه نویسندگان کردارهایمان برای ما (روز قیامت) می‌شمارند، توبه‌ی پذیرفته شده قرار بده.
نتیجه اینکه در دنیا قلب ذاکر و زبان شاکر و اعضای بدن، مطیع فرمان خدا باشد، و در آخرت پذیرفته‌ی درگاه خدا گردیده و به «توبه‌ی مقبوله» دست یابد.

اینکه انسان به این درجه از شناخت برسد که بداند در حیات دنیا دنبال چه چیز باشد و چه بخواهد، یکی از نعمتهای بزرگ خداوند است امام سجاد علیه‌السلام به ما در این دعا می‌آموزد تا در حیات دنیوی این هدف را دنبال کنیم که با گفتار و کردار شایسته و مورد رضای خداوند به این سعادت بزرگ نائل شویم و ابلاغ توبه‌ی مقبوله را از پیشگاه خداوند متعال کار دریافت کنیم. (انشاءالله).
[صفحه 73]

به ما شیوه‌ی اقرار به گناه و درخواست توفیق برای توبه و بازگشت از معصیت، به سوی اطاعت از خدای تعالی را آموزش می‌دهد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الاعتراف و طلب التوبه الی الله تعالی، از دعاهای امام (ع) (که به ما) شیوه‌ی اقرار به گناه و درخواست (توفیق برای) توبه و بازگشت (از معصیت) به سوی (اطاعت) از خدای تعالی را آموزش می‌دهد.
امام محمد باقر (ع) فرمود: به خدا قسم، خدا از مردم جز دو خصلت و خوی نخواسته است اول آنکه به نعمتها اعتراف کنند که برای ایشان می‌افزاید، دوم آنکه به گناهان اقرار نمایند که آنها را از آنان می‌آمرزد.
البته پیش از این نیز توضیح دادیم که امامان (ع) معصوم هستند، و نه تنها گناه نمی‌کنند، بلکه فکر گناه هم نمی‌کنند. اما در پیشگاه خدا و هنگام عبادت و دعا چنان سر بر آستان الهی می‌گذارند و ابراز بندگی و خشوع می‌کنند، که جز ذات اقدس الهی چیزی را نمی‌بینند، چنانکه مولا و مقتدای عارفان علی (ع) در حال عبادت و دعا و راز و نیاز شبانه با معبود، از خود بی‌خود گردیده و از حال می‌رفتند.
محتوای دعا
امام سجاد (ع) در این دعا به ما می‌آموزد که چگونه عرض تقصیر به پیشگاه خداوند ببریم و چگونه از او درخواست بازگشت و توبه کنیم.
[صفحه 74]
فرازهای اول دعا را، ایستاده بر درگاه حق، به زیبایی اینگونه بیان می‌فرمایند: اللهم انه یحجبنی عن مسالتک خلال ثلاث، و تحدونی علیها خله واحده، بار خدایا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی‌دارد و یک خصلت مرا بر آن می‌دارد. و سپس آن سه خصلت را معرفی می‌کنند:
1- یحجبنی امر امرت به فابطات عنه، بازمی‌دارد مرا امری که به آن فرمان دادی و من از بجا آوردن آن درنگ کردم (کوتاهی کردم)
2- و نهی نهیتنی عنه فاسرعت الیه، و نهیی که از آن جلوگیری کردی (دستور انجام ندادن آن را دادی) و من به سوی آن شتافتم.
3- و نعمه انعمت بها علی فقصرت فی شکرها، و نعمتی که به من بخشیدی و من در سپاسگزاریش کوتاهی نمودم.
امام (ع) بطور غیرمستقیم به ما آموزش می‌دهد که برای رسیدن به رضای الهی باید اوامر و فرمانهای خدا، یعنی دستورات مکتب را انجام دهیم و از آنچه خداوند نهی کرده و خلاف دستور مکتب است دوری کنیم و با بکارگیری صحیح نعمتها و امکانات الهی که به ما ارزانی داشته شکر وی را بجا آوریم.

سپس آن خصلتی که وامی‌دارد که از خداوند درخواست نماید را اینگونه معرفی می‌کند: و یحدونی علی مسالتک تفضلک علی من اقبل بوجهه الیک، و وامی‌دارد تا به درخواست از تفضل تو به کسی که رو به تو آورد. و ادامه می‌فرماید: و با گمان نیک به سویت آید.
مسلما کسی که به پیشگاه خداوند روی می‌آورد و توبه و بازگشت می‌کند و در حقیقت تصمیم می‌گیرد که انسان دیگری شود و
[صفحه 75]
گذشته را جبران کند، بازگشت و توبه‌ی او باید دارای ویژگیها و علائمی باشد، که حالت بازگشت را در او نشان بدهد، امام سجاد (ع) حالات و ویژگیهایی که انسان تائب (توبه کننده) باید داشته باشد و با آن حالت به پیشگاه خداوند روی آورد را چنین برمی‌شمرند:
1- تلقاک بالانابه، به وسیله‌ی توبه به تو روی آورد.
2- و اخلص لک التوبه، و توبه را برای تو خالص گرداند.
3- فقام الیک بقلب طاهر نقی، پس با دلی پاک به سوی تو برخیزد. (از درون و برون حالت بازگشت و توبه داشته باشد)
4- ثم دعاک بصوت حائل خفی، سپس با صدای تغییر یافته (زمزمه‌وار) آهسته تو را بخواند.
5- قد تطاطالک فانحنی، و در حالیکه برای تو فروتنی کرده و خم گشته.
6- و نکس راسه فانثنی، و سرش را به زیر افکنده و کج کرده.
7- قد ارعشت خشیته رجلیه، به راستی که ترس پاهایش را به لرزه انداخته.
8- و غرقت دموعه خدیه، و اشک گونه‌هایش را غرق کرده باشد.
چنانکه ملاحظه می‌کنیم، امام (ع) حالات جسمی و روحی انسان توبه کننده‌ی واقعی را دقیقا ترسیم می‌کند. و این جز از امام معصوم (ع) که طبیب الهی انسان است و به همه‌ی زوایای وجود او به علم الهی آگاهی دارد، از کس دیگری برنمی‌آید.
سپس در بخش دیگر دعا، و در حین مناجات و نیایش، به یکی از مهمترین و اساسی‌ترین ارزشهای الهی یعنی دوری از «استکبار» اشاره
[صفحه 76]
کرده و می‌فرماید:
و ان احب عبادک الیک من ترک الاستکبار علیک، و جانب الاصرار، و لزم الاستغفار، و محبوبترین بندگان تو نزدت کسی است که بر تو سرکشی و استکبار ننماید، و از اصرار (بر گناه) دوری گزیند، و همواره آمرزش طلبد.
یعنی از حالت استکبار که باعث می‌شود انسان به سوی نافرمانی و در نتیجه گناه روی آورد، دور شود و اگر گناهی کرد، بر آن اصرار نکند و آن را پیگیری ننماید و به وسیله «استغفار» در پی جبران گناه و اثرات آن برآید و

از خداوند طلب بخشش کند. کسی که این حالات را داشته باشد، همیشه در خط و راه خداوند گام برمی‌دارد لذا از کسانی است که به فرمایش امام سجاد (ع) خداوند او را از همه بیشتر دوست دارد.
[صفحه 77]

در درخواست حاجت ها از خداوند متعال

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی طلب الحوائج الی الله تعالی، از دعاهای امام (ع) در درخواست حاجت ها از خداوند متعال است.
محتوای دعا
در این دعا امام (ع) ابتدا به ما شناخت و معرفت صحیح نسبت به خدایی که می‌پرستیم را آموزش می‌دهد. و در این باره نکات زیر را برمی‌شمرد:
1- نهایت حاجات و درخواستها به خدا بازمی‌گردد و وسایل و اسباب کار به دست اوست.
2- بخششهای الهی بی‌منت و بدون عوض، به انسانها داده می‌شود.
3- همه‌ی موجودات نیازمند و محتاج بخشش‌های خداوند هستند.
4- خزائن رحمت الهی فنا ناپذیر و لبریز از بخشش است.
5- جز خداوند متعال، همه محتاج و فقیر و نیازمند به او هستند. این دعا اینگونه آغاز می‌شود:
اللهم یا منتهی مطلب الحاجات، خدایا، ای نهایت درخواست حاجتها (زیرا بندگان وقتی از همه جا ناامید شدند به تو روی می‌آورند، یا آنکه
[صفحه 78]
بازگشت انجام خواسته‌ها به دست بندگانت در نهایت به اراده‌ی توست، زیرا اسباب کار به دست توست) انسان باید همواره به این نکته توجه داشته باشد که هیچ کاری در نظام آفرینش بدون خواست و اراده خداوند انجام نمی‌شود. و اگر خدا نخواهد هیچ کس نمی‌تواند به او کمک کند. و اگر کمکی هم از طرف شخصی به او صورت می‌گیرد، به خواست و اراده‌ی خداوند بوده است، امام سجاد (ع) در فراز دیگری از دعا در این باره می‌فرماید:
و من توجه بحاجته الی احد من خلقک او جعله سبب نجحها دونک فقد تعرض للحرمان، و استحق من عندک فوت الاحسان، و کسی که برای حاجت و درخواست خود به یکی از آفریدگانت رو آورد یا جز تو را سبب برآمدن آن حاجت قرار دهد به درستی که به نومیدی گرائیده، و سزاوار نیافتن احسان از تو گردیده است.
باید به این حقیقت روشن، از صمیم قلب ایمان بیاوریم که کسب موفقیت و گشایش در کارها و رفع مشکلات، به اراده‌ی خداوند است و کسی که موفقیت را در جهتی غیر از جهت الهی بجوید، حتما محروم باز خواهد گشت. این یک اصل مسلم است، یک قانون و سنت خداوند است، و قوانین و سنتهای الهی تغییرناپذیرند. و امام سجاد (ع) به عنوان امام و

مقتدا و راهنما، و به عنوان کسی که از جانب خدا و رسول (ص) برای هدایت انسانها برگزیده شده است، در کلاس درس این دعا، این حقیقت بزرگ که رمز موفقیت در زندگی دنیوی و اخروی است را آموزش می‌دهد.
سپس بر محمد (ص) و آلش درود می‌فرستد و درخواستهای
[صفحه 79]
خود را به پیشگاه مقدس الهی عرضه می‌دارد.
البته این نکته قابل ذکر است که در دعاهای صحیفه‌ی سجادیه همواره پیش از درخواست و پس از آن صلوات بر رسول‌الله (ص) و اهل‌بیت طاهرینش آورده می‌شود. زیرا درخواستی که قبل و بعد آن به صلوات مزین باشد، از پیشگاه خداوند رد نمی‌شود. و امام (ع) در ضمن دعاها این سنت را به ما آموزش می‌دهد. و در فرازی از این دعا پس از صلوات بر پیامبر (ص) و آل پاک او می‌فرماید:
و اجعل ذلک عونا لی و سببا لنجاح طلبتی، و آن را (صلوات را) کمک من و وسیله‌ای برای برآورده شدن حاجتم قرار ده.
فرستادن صلوات از سویی نشان دهنده عشق به رسول‌الله (ص) و اهل‌بیت پاک (ع) اوست و از سوی دیگر نشانه‌ی پذیرفتن دعوت رسول خدا (ص) و جانشینی امامان (ع) و تجدید بیعت در استمرار راه پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) می‌باشد.
آنگاه در پایان دعا آمده است که دعا کننده حاجت خودش را بیاورد و به سجده رود و در سجده این عبارات زیبا و آرامش بخش و سازنده را بیان کند: فضلک انسنی، و احسانک دلنی، فاسالک بک و بمحمد و آله، صلواتک علیهم، ان لا تردنی خائبا، فضل و بخشش تو مرا (از گرفتاریها) آرام نموده، و احسان تو مرا (به درگاهت) راهنمائی کرده، پس از تو درخواست می‌کنم به حق خودت و به حق محمد و آل او، درودهای تو بر آنان باد، که مرا ناامید بر مگردانی.
امام صادق (ع) می‌فرماید: چیزی که بنده را به پروردگارش نزدیکتر می‌نماید هرگاه او را بخواند، آن است که در سجده باشد.
[صفحه 80]

هنگامی که ستمی به آن حضرت می‌رسید، یا از ستمکاران چیزی می‌دید که خوش نداشت

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا اعتدی علیه او رءا من الظالمین ما لا یحب،
از دعاهای امام (ع) است، هنگامی که ستمی به آن حضرت می‌رسید، یا از ستمکاران چیزی می‌دید که خوش نداشت.
محتوای دعا
«ظلم» امری زشت و ناپسند است و خداوند ظالمین را دوست ندارد. لذا امام (ع) موضعگیری و شیوه‌ی برخورد و اعتقاد یک مسلمان را نسبت به ظلم در قالب دعا به او آموزش می‌دهد. در بخش اول دعا، به خداشناسی پرداخته و به این موضوع اشاره می‌کنند که خدا همواره یار مظلومین و دشمن ظالمین است. ایشان ابتدا می‌فرماید:
یا من لا یخفی علیه انباء المتظلمین، ای آنکه خبرهای شکوه کنندگان از ستم، بر او پنهان نیست.
و یا من قربت نصرته من المظلومین، و یا من بعد عونه عن الظالمین، و ای آنکه یاری او به ستمدیدگان نزدیک است (به زودی آنها را یاری خواهد نمود)، و ای آنکه کمک او از ستمگران دور است (ایشان را یاری نمی‌کند).
این مطالب را امام (ع) در شرایطی بیان می‌فرمایند که دشمنان اسلام، همواره اینگونه تبلیغ می‌کردند که این اراده‌ی خداوند است که
[صفحه 81]
حکام ظالم و ستمگری چون معاویه و یزید بر امورات مسلمین حاکم شوند، و آن همه ظلم و فساد و جنایت را روا دارند! امام (ع) در آن شرایط خفقان و استبداد در قالب دعا، به پیروان خود و دیگران آموزش می‌دهد که خداوند نه تنها ظلم نمی‌کند که دشمن ظالمین و یار مظلومین است، و همواره در جبهه‌ی ستمدیدگان علیه ستمگران قرار دارد.
سپس در فراز دیگر دعا، امام (ع) دفع ظالمین را از خداوند درخواست می‌کند و به ما می‌آموزد که چگونه دفع ظالم و ستمگر را از خداوند طلب کنیم.
چنانکه پیش از این نیز توضیح داده شد، دعا در فرهنگ اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و در روایات با تعبیرات عمیق و زیبایی توصیف شده است. گاهی به سلاح مومن و زمانی به سپر مومن تشبیه گردیده است. در نتیجه امام (ع) به ما شیوه‌ی استفاده از این سلاح برنده و کارساز و نیز سپر نگهدارنده و محافظت کننده در مقابل دشمنان را آموزش می‌دهد. و در فراز دیگری از دعا در این باره و در جهت دفع ستمگر در پیشگاه خداوند می‌فرماید:

و خذ ظالمی و عدوی عن ظلمی بقوتک، و افلل حده عنی بقدرتک، و اجعل له شغلا فیما یلیه، و عجزا عما یناویه، و ستم کننده و دشمن مرا به قدرت خود از ستم بر من بازدار و با توانائی خود برندگی او را (دشمن) از من بشکن، و برای او کاری که درخور اوست قرار ده (تا به آن مشغول شده از من چشم بپوشد) و او را در برابر کسی که با او دشمنی می‌کند ناتوان گردان (دشمن مرا به وسیله دشمنش ناتوان گردان).
[صفحه 82]
سپس می‌فرماید: اللهم فکما کرهت الی ان اظلم، فقنی من ان اظلم، بار خدایا همچنان که بر من ناپسند گردانیدی که ستم ببینم، مرا از اینکه (به دیگری) ستم کنم نگهدار.
و از آنجا که آلوده شدن به ستم در برابر ستمگر، انحراف از مکتب و تعالیم الهی است، امام (ع) در این باره چنین می‌فرماید: و اعصمنی من مثل افعاله، و لا تجعلنی فی مثل حاله، و مرا از انجام کارهایی مانند کارهای او (دشمن) نگهدار، و در مانند حال او قرار مده (مرا از ستم به دیگران و متصف شدن به خوی های ناپسندیده‌ی مانند او حفظ فرما).
و آنگاه به ما می‌آموزد که از خصلتهای ناپسند زیر به خدا پناه ببریم:
1- و اعذنی من سوء الرغبه، و از خواهش و خواسته‌ی بد مرا پناه ده.
2- و هلع اهل الحرص، و از حرص آزمندان و حریصان به دنیا. (مرا پناه ده).
زیرا «سوء رغبت» و «حرص» از خصلتهایی می‌باشند که می‌توانند منشاء ظلم و ستم شوند. و انسان را از راه حق و عدالت دور کنند.
انسان حریص به دنیا، زیاده طلب است، و چشم به حق دیگران دارد و به دارایی خود قانع نیست. لذا برای رسیدن به آنچه اضافه می‌خواهد اسیر گرداب نابود کننده‌ی ستم می‌شود. و امام زین‌العابدین (ع) با این بیانات شیوا روان‌شناسی ظلم و ستم را تبیین کرده و در فراز دیگر دعا یکی از عوامل باز دارنده‌ی ظلم و ستم به دیگران را
[صفحه 83]
اینگونه از خداوند درخواست می‌فرماید:
و صور فی قلبی مثال ما ادخرت لی من ثوابک، و اعددت لخصمی من جزائک و عقابک،... و در دل من نمونه‌ی پاداشی که برایم (در آخرت) اندوخته‌ای و کیفری که برای دشمنم آماده ساخته‌ای را بنگار. و آن را وسیله‌ی خوشنودی من به آنچه مقدر فرموده‌ای (قناعت) و اطمینانم به آنچه برگزیده‌ای قرار ده.
[صفحه 84]

هنگامی که بیمار می‌شد یا اندوه و گرفتاری به آن حضرت رو می‌آورد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا مرض او نزل به کرب او بلیه، از دعاهای امام (ع) هنگامی که بیمار می‌شد یا اندوه و گرفتاری به آن حضرت رو می‌آورد.
محتوای دعا
جهان مادی، دنیای اصطکاک و برخورد است. در نتیجه همواره انسان در معرض بیماری، گرفتاری و مشکلات مختلف قرار دارد. اما اینکه انسان با این مشکلات چگونه برخورد کند مهم است. برای مومن هر چه پیش آید خیر است، زیرا مومن خودش را همواره زیر چتر رحمانیت و رحیمیت خداوند می‌بیند.
و به مدد ایمان به خدا و عقیده‌ی توحیدی، از آنها در جهت رشد و کمال بهره می‌گیرد. و در مصاف با مشکلات، از خداوند متعال با دعا و نیایش یاری می‌جوید. این خود راه کمال معنوی او را هموارتر می‌سازد، زیرا دعا بهترین عبادت است و عبادت خداوند به معنای عام، هدف هستی و آفرینش انسان می‌باشد. لذا در ادعیه‌ی اسلامی به طور کلی و در صحیفه‌ی سجادیه‌ی برای مواقع گرفتاری و مشکلات، در جهت تقویت انسان، و یافتن راه حل مناسب، دعاهایی بیان شده است.
در فراز آغازین این دعا امام (ع) در برخورد با سلامت و بیماری
[صفحه 85]
چنین می‌فرماید: اللهم لک الحمد علی ما لم ازل اتصرف فیه من سلامه بدنی، و لک الحمد علی ما احدثت بی من عله فی جسدی، فما ادری، یا الهی، ای الحالین احق بالشکر لک، و ای الوقتین اولی بالحمد لک، اوقت الصحه التی هناتنی فیها طیبات رزقک، و نشطتنی بها لابتغاء مرضاتک و فضلک، و قویتنی معها علی ما وفقتنی له من طاعتک؟ ام وقت العله التی محصتنی بها، و النعم التی اتحفتنی بها، تخفیفا لما ثقل به علی ظهری من الخطیئات، و تطهیرا لما انغمست فیه من السیئات، و تنبیها لتناول التوبه، و تذکیرا لمحو الحوبه بقدیم النعمه؟
خدایا تو را سپاس می‌گویم بر تندرستی تن من که (پیش از این) همیشه در آن بسر می‌بردم، و تو را سپاس بر بیماری که (اینک) در بدنم پدید آورده‌ای.
پس نمی‌دانم، ای خدای من، کدامیک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری تو شایسته‌تر و کدامیک از این دو هنگام برای ستایش تو سزاوارتر است؟ آیا هنگام تندرستی که در آن روزیهای پاکیزه‌ات را بر من

گوارا ساخته و برای درخواست خوشنودی و احسانت شادمانی بخشیده و با آن بر طاعت خویش توفیقم داده و توانایم کرده بودی؟
یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و هنگام نعمتها، (دردهایی) که آنها را به من ارمغان دادی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید، و از بدی هائی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه آگاه نمودن، و برای از بین بردن گناه به نعمت پیشین (تندرستی) یادآوری باشد؟
[صفحه 86]
چنانکه خواندیم در این دعا امام (ع) به ما می‌آموزد که از هر دو حالت سلامتی و بیماری در جهت رشد و کمال استفاده کنیم، و هر دو وضعیت را به گونه‌ای که امام (ع) ترسیم فرمودند نعمت دانسته. و بر آن خدا را سپاس بگوئیم. و رستگاری و فلاح و سعادت را در هر دو حالت از خداوند متعال مسئلت کنیم. آنگاه در فرازهای آخر دعا به ما می‌آموزد که چه درخواست هایی را در این هنگام از خداوند داشته باشیم و می‌فرماید:
و حبب الی ما رضیت لی، بار خدایا آنچه برایم پسندیده‌ای را محبوب من بگردان. امام (ع) در حقیقت به ما می‌آموزد از خداوند توان و ظرفیت پذیرش خواست او را طلب کنم. اگر انسان به این موهبت بزرگ برسد به اوج عرفان و شناخت رسیده است. و امام سجاد (ع) به عنوان الگو و اسوه‌ی عرفان در قالب دعا شیوه دریافت این فیض بزرگ را به ما آموزش می‌دهد.
و در جهت رسیدن به موفقیت در این امتحان بزرگ، از خداوند اینگونه درخواست می‌نماید:
و یسرلی ما احللت لی، و آنچه که بر من فرود آورده‌ای برایم آسان فرما.
و سپس می‌فرماید: و اجعل مخرجی عن علتی الی عفوک...، و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و بخششت قرار ده...
[صفحه 87]

هنگامی که از گناهان، گذشت می‌طلبید، یا در درخواست بخشش از ناپسندیده‌ها تضرع می‌نمود

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا استقال من ذنوبه، او تضرع فی طلب العفو عن عیوبه:
از دعاهای امام (ع) هنگامی که از گناهان، گذشت می‌طلبید، یا در درخواست بخشش از ناپسندیده‌ها تضرع می‌نمود.
پیش از این توضیح داده شد که امام معصوم نه تنها نافرمانی خدا نمی‌کند بلکه فکر و اندیشه‌ی گناه نیز به دلش خطور نمی‌کند. و اگر در صحیفه عناوینی چون استغفار از گناه، طلب مغفرت و... آمده است در حقیقت آموزشی است به ما که چگونه از خداوند درخواست عفو و بخشش داشته باشیم، باید دانست امام (ع) به لحاظ شناخت و معرفت نسبت به مقام الهی، به هر میزان که خدا را عبادت می‌کند، باز معتقد است، که حق عبادت را در پیشگاه اقدس الهی بجا نیاورده است، لذا در نهایت عبودیت در پیشگاه عظمت خداوند جل و جلاله پیشانی بندگی بر زمین ساییده و طلب استغفار می‌کند. البته این استغفار، با استغفار برای بخشش از نافرمانی خدا تفاوت دارد. زیرا بندگی و عبودیت در پیشگاه اقدس الهی اقتضا می‌کند که انسان هر چه می‌تواند خاضع و خاشع باشد. و همواره در نهایت بندگی از خداوند درخواست کند. و چه لذتی برای مردان خدا مخصوصا اولیاء الله بیشتر و بهتر از این که خاضعانه با خداوند راز و نیاز کنند. مگر نه این است که بزرگترین افتخار رسول خدا (ص) عبد بودن ایشان است
[صفحه 88]
و ما همواره در تشهد نماز به این مطلب شهادت می‌دهیم و می‌گوئیم: اشهد ان محمدا عبده و رسوله.
محتوای دعا
دعاء شانزدهم اینگونه آغاز می‌شود: اللهم یا من برحمته یستغیث المذنبون، بار خدایا، ای آنکه گناهکاران به سبب رحمت او فریادرسی می‌جویند. در این دعا امام (ع) ابتدا در زمینه‌ی خداشناسی مطالبی را بیان می‌فرمایند، و با زیباترین عبارات و توصیفات، دیدگاه و اندیشه و اعتقاد به خدایی که می‌پرستیم را روشن می‌کنند. و در این زمینه به نکات زیر اشاره می‌فرمایند:
1- خداوند مونس و آرام بخش هر غریب است.
2- فرج و گشایش در کارها و مشکلات با خدا است.
3- رحمت الهی در تمامی پهنه‌ی هستی گسترده است.

4- خداوند فریادرس هر تنها مانده است.
5- خداوند برای نعمتهایی که به ما داده پاداش نمی‌طلبد.
6- خداوند در مجازات افراط نمی‌کند.
سپس امام (ع) به ما می‌آموزد که در مقام اقرار به خطاها و گناهان، خالصانه و با صداقت به بیان کاستیها و لغزشهای خود در پیشگاه خداوند بپردازیم. در این فراز از دعا امام (ع) می‌فرماید: و انا یا الهی عبدک الذی امرته بالدعاء فقال: لبیک و سعدیک، ها انا ذا، یا رب، مطروح بین یدیک، و من ای خدای من، بنده‌ی توام که او را به دعا امر فرمودی و گفت: لبیک و سعدیک یعنی اطاعت می‌کنم و فرمانت را به جا
[صفحه 89]
می‌آورم، اینک منم ای پروردگار، بنده‌ای که در پیشگاهت افتاده است.
آنگاه در فرازهای آخر دعا پس از صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیت طاهرینش علیهم‌السلام به ما می‌آموزد که چه درخواستهایی از خداوند داشته باشیم، و آنها را چنین برمی‌شمرد:
1- و قنی من المعاصی، و مرا از گناهان مصون بدار.
2- و استعملنی بالطاعه، و مرا به فرمانبرداری از خود مشغول بدار.
3- و ارزقنی حسن الانابه، و نیکی بازگشت از گناه را روزی‌ام فرما.
4- و طهرنی بالتوبه، و مرا به توبه پاک گردان.
5- و ایدنی بالعصمه، و مرا به نگهداری (از گناهان و گرفتاریها) کمک کن.
6- و استصلحنی بالعافیه، و با تندرستی آشتیم ده.
7- و اذقنی حلاوه المغفره، و شیرینی آمرزش را به من بچشان.
8- و اجعلنی طلیق عفوک، و مرا رها شده‌ی عفو خود گردان.
چنانکه ملاحظه می‌کنیم، تمامی درخواستها در زمینه اصلاح نفس و سازندگی شخصیت الهی انسان است، توفیق توبه و به دست آوردن غفران و بخشش الهی و موفق شدن به اطاعت از فرامین خداوند، محورهای اصلی هدایت و سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت انسان است، که امام (ع) در قالب دعا و در جهت ساختن و تربیت الهی انسان آنها را به زیبایی مطرح فرموده است.
[صفحه 90]

هنگامی که گفتگوی شیطان می‌شد، نامی از شیطان به میان می‌آمد پس از او و دشمنی و مکر او به خدا پناه می‌برد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا ذکر الشیطان فاستعاذ منه و من عداوته و کیده، از دعاهای امام (ع) هنگامی که گفتگوی شیطان می‌شد (نامی از شیطان به میان می‌آمد) پس از او و دشمنی و مکر او به خدا پناه می‌برد.
محتوای دعا
امام (ع) در این دعا از «نزغ» و «کید» و «مواعید» و «غرور» و «مصائد» شیطان به خداوند پناه می‌برد و می‌فرماید:
اللهم انا نعوذ بک من نزغات الشیطان الرجیم و کیده و مکائده، و من الثقه بامانیه و مواعیده و غروره و مصائده،
خدایا ما (خداپرستان) به تو پناه می‌بریم از تباهکاری ها (یا وسوسه‌های) شیطان رانده شده‌ی (از رحمت) و از حیله و چاره‌جوئی و مکرهای (گوناگون) او، و از اطمینان به آرزوها (یا دروغها) و وعده‌ها و فریب و دامهای او.
سپس دو چیز را برای دور کردن و ذلیل و خوار کردن شیطان معرفی می‌کند:
1- عبادت 2- محبت خدا
و می‌فرماید: اللهم اخساه عنا بعبادتک، و اکبته بدوبنا فی محبتک، بار خدایا او (شیطان) را از ما به سبب عبادت و بندگیت دور کن، و با کوشش ما
[صفحه 91]
در دوستیت ذلیل و خوار فرما.
و در ضمن درخواست از خداوند جهت محافظت در مقابل نقشه‌ها و توطئه‌های شیطان راههای نفوذ و نقشه‌های او را به ما شناسانده و راههای تسلط شیطان بر انسان را اینگونه برمی‌شمرد:
1- لا تجعل له فی قلوبنا مدخلا ورود در دلها: برای ورود او در دلهای ما جایی قرار مده.
2- و لا توطنن له فیما لدینا منزلا، پیدا کردن جایگاه در درون انسان: و در آنچه نزد ماست (برای او) جایگاهی مساز.
3- و ما سول لنا من باطل، آراستن باطل: و باطلی را که برای ما می‌آراید به ما بشناسان
4- و بصرنا ما نکائده به از راه فریب انسان: ما را به آنچه که او را بفریبیم بینا فرما.
5- و ایقظنا عن سنه الغفله بالرکون الیه، استفاده از غفلت انسان: و از خواب غفلتی که سبب اعتماد و میل به او است بیدارمان گردان.

امام (ع) با بکار بردن ضمیر (نا) عملا به ما آموزش می‌دهد که در مقام دعا برای دفع شیطان، همه را در نظر بگیریم، و از خداوند درخواست کنیم که به همه توفیق نجات از نیرنگ های شیطان را بدهد.
در نتیجه می‌فرماید:
و اجعل آباءنا و امهاتنا و اولادنا و اهالینا و ذوی ارحامنا و قراباتنا و جیراننا من المومنین و المومنات منه فی حرز حارز، و حصن حافظ، و کهف مانع، و پدران و مادران و فرزندان و قبیله‌ها (اهالی) و خویشان و
[صفحه 92]
نزدیکان و همسایگان ما را از مردان و زنان اهل ایمان از شر او شیطان در جای استوار و قلعه‌ی نگهدارنده و پناهگاه بازدارنده قرار ده.
و نیز از خداوند درخواست می‌کند که به آنها برای مقابله و مبارزه با شیطان «زره» و «اسلحه‌ی» مناسب عطا فرماید:
و البسهم منه جننا واقیه و اعطهم علیه اسلحه ماضیه، و ایشان را برای دور کردن از شر شیطان زره‌های حفظ کننده بپوشان، و برای مبارزه با او سلاحهای برنده عطا فرما.
امام (ع) در این دعا به ما می‌آموزد که در هر زمان، برای مقابله با نقشه‌های شیطان و اعوان و انصارش باید زره و اسلحه‌ی مناسب با شرایط آن زمان تهیه کرد، و برای رسیدن به تقوای فردی و اجتماعی با آنها به مبارزه با مظاهر فرهنگی شیطان شتافت، و در این راه از خداوند درخواست کمک نمود.
آنگاه در فراز آخر دعا به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم که ما را در جبهه‌ی علیه شیطان قرار بدهد و می‌فرماید:
اللهم اجعلنا فی نظم اعدائه، و اعزلنا عن عداد اولیائه، بار خدایا ما را در رشته‌ی دشمنان او قرار ده، و از شمار دوستانش برکنار فرما.
سپس به ما می‌آموزد از خداوند بخواهیم که ما را در درجات صالحین و مراتب مومنین قرار دهد:
و صیرنا بذالک فی درجات الصالحین و مراتب المومنین، و (به وسیله دوری از شیطان و توطئه‌های او) ما را در رتبه‌ی نیکوکاران و اهل ایمان قرار ده.
یکی از موضوعاتی که امام چهارم علیه‌السلام در این دعا به ما می‌آموزد «شیطان شناسی» است همراه با شناخت شیطان و ابزار و
[صفحه 93]
وسائل و سلاح هایی که او برای گمراه کردن انسانها به کار می‌گیرد نقطه ضعف هایی که در انسان وجود دارد و زمینه‌های تسلط شیطان را بر انسان آماده می‌سازد و نیز راههای مقابله با توطئه‌ها و نقشه‌ها و وسوسه‌های او.
[صفحه 94]

هرگاه از آن حضرت گرفتاری یا پیشامدی که از آن بیم داشت دفع می‌شد و یا خواسته‌ی ایشان زود روا می‌گشت

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا دفع عنه ما یحذر، او عجل له مطلبه، از دعاهای امام (ع) است هرگاه از آن حضرت (گرفتاری یا پیشامدی) که از آن بیم داشت دفع می‌شد و یا خواسته‌ی ایشان زود روا می‌گشت.
محتوای دعا
در دعاهای گذشته، امام (ع) به ما شیوه‌ی درخواست از خداوند جهت دفع مشکلات و گرفتاریها را آموزش دادند. ایشان در این دعا به ما می‌آموزد که هنگام رها شدن از مشکلات و زمانی که خداوند به رحمت واسعه‌ی خود گرفتاری ما را برطرف کرد و یا خواسته‌ای از خواسته‌های ما روا گردانید، چگونه در پیشگاه الهی شکر و سپاس آن را به جا آوریم. و در این زمینه می‌فرماید. اللهم لک الحمد علی حسن قضائک، و بما صرفت عنی من بلائک. بار خدایا شکر تو را بر نیکوئی آنچه مقدر نموده‌ای، و به آنچه آفت و بدی که از من دور ساختی.
و با توجه به اینکه «عافیت» یکی از بزرگترین نعمتهای خداوند می‌باشد و بزرگان دین همواره، در مواقع دعا سفارش کرده‌اند که از خداوند «عافیت» را درخواست کنیم، امام (ع) در فراز بعدی دعا توجه ما را به این مطلب معطوف داشته و در پیشگاه الهی می‌فرماید: فلا تجعل حظی من رحمتک ما عجلت لی من عافیتک فاکون قد شقیت بما
[صفحه 95]
احببت و سعد غیری بما کرهت،
پس بهره‌ی مرا از رحمت خود (تنها) تندرستی که اکنون بخشیده‌ای قرار مده که (در آخرت) به سبب آنچه دوست دارم بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه (در دنیا) پسند من نیست خوشبخت شود (منظور این است که عافیت و تندرستی از آفت و بدی که در دنیا نصیب می‌شود موجب نومیدی از پاداش صبر بر بلاء در آخرت نگردد) از این رو خواسته می‌شود که بهره‌ی از رحمت تنها عافیت در دنیا نباشد که در آخرت از پاداش صبر کنندگان بر بلاء بی‌بهره باشد.
امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر مومن چیزی را که در پاداش از مصائب و گرفتاریها برای اوست می‌دانست، آرزو می‌کرد که بدن او را با قیچی‌ها ببرند.
و نیز امام باقر (ع) می‌فرماید: گرفتارترین مردم به بلاء پیامبران هستند، پس از آن اوصیاء و پس از آن نیکان و کسانی که از دیگران برترند، سپس می‌فرماید: و اگر این تندرستی که روز را در آن به شب رسانده یا شب را

به روز برده‌ام در جلو من (یعنی آخرت) بلاء و گرفتاری همیشگی و بار سنگینی باشد که برطرف نشود، پس آنچه (گرفتاری آخرت) که برایم پس انداخته‌ای پیش انداز، و آنچه (عافیت در دنیا) که پیش انداخته‌ای پس انداز. امام (ع) به ما می‌آموزد که همواره دنیا را برای آخرت رها کنیم، و آخرت و نعمتهای ابدی آن را به امکانات زودگذر دنیا نفروشیم. و زندگی دنیوی خود را به گونه‌ای بخواهیم که سعادت آخرت را تامین کند.
[صفحه 96]
آنگاه در این زمینه یک فرمول کلی و شاخصه‌ی فراگیر را به ما آموخته می‌فرمایند: فغیر کثیر ما عاقبته الفناء، و غیر قلیل ما عاقبته البقاء، پس چیزی (خوشی) که پایانش نیستی است اندک است (هر چند در نظر بسیار آید) و چیزی (سودی) که پایانش همیشگی است بسیار است (هر چند آن را کم ببینند).
[صفحه 97]

هنگام درخواست باران پس از خشکسالی می‌باشد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام عند الاستسقاء بعد الجدب، از دعاهای امام (ع) هنگام درخواست باران پس از خشکسالی می‌باشد.
کلمه‌ی «استسقاء» به معنی درخواست آشامیدن آب است، و وقتی که نهرها خشک شوند و باران کم ببارد و آسمان به خاطر شیوع گناهان و کفران نعمتها و ندادن حقوق و کم‌فروشی و ظلم و حیله کاری و ترک امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از زکات و حکم نمودن به غیر آنچه خدا نازل فرموده، و غیر اینها از چیزهایی است که موجب خشم حضرت رحمان می‌شود و موجب نیامدن باران می‌گردد. کیفیت نماز استسقاء مانند نماز عید فطر و قربان دو رکعت است و در جماعت و فرادی خواندن آن به قصد رجاء اشکال ندارد. و بهتر است که دعای قنوت شامل طلب باران و بارش و طلب عطف و توجه حضرت رحمان باشد به این که درهای آسمان را به رحمت خود باز کند و باران را نازل کند. و قبل از دعا صلوات بر محمد و آل محمد (ع) بفرستد.
محتوای دعا
ابتدا امام (ع) در زمینه‌ی نزول باران می‌فرماید:
[صفحه 98]
اللهم اسقنا الغیث، و انشر علینا رحمتک بغیثک المغدق من السحاب المنساق لنبات ارضک المونق فی جمیع الافاق،
خدایا ما را به باران سیراب گردان، و رحمتت را به باران فراوان از ابری که برای رویانیدن گیاه زیبا در اطراف زمینت روان است بر ما بگستران.
سپس ضمن معرفی اثرات باران به پاره‌ای از نعمتهای خدا که به بارش باران ارتباط دارد و از تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن می‌باشد اشاره می‌فرماید، از جمله:
1- روئیدن گیاهان و زیبائی طبیعت
2- رسیدن میوه‌ها و شکفته شدن شکوفه و گل و گیاه
3- توسعه و گسترش روزی
4- جاری شدن جویبارها
5- ارزان شدن نرخها
6- نشاط و زندگی بخشیدن به انسانها و موجودات دیگر
7- رویش کشت و زرع
8- افزایش توانایی بر توانائیهای ما
سپس امام (ع) به نعمتهایی اشاره می‌فرماید که کمتر به آن توجه

می‌شود، مثل نعمت آب گوارا و شیرین، ابرهای پربار و سایه گستر، هوایی متعادل، بارش باران به صورت طبیعی، نه به صورت دردناک و کشنده، اینها نعمتهایی است که خداوند به ما ارزانی داشته و انسانها و همه موجودات از آن استفاده می‌کنند.
سپس امام در فراز آخر دعا بر محمد (ص) و آلش درود می‌فرستد و از خداوند درخواست می‌کند که برکات آسمانها و زمین را روزی گرداند.
[صفحه 99]

در درخواست توفیق برای اخلاق های ستوده و کردارهای پسندیده

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی المکارم الاخلاق و مرضی الافعال، از دعاهای امام (ع) در درخواست توفیق (برای) اخلاقهای ستوده و کردارهای پسندیده است.
محتوای دعا
تربیت انسان هدف تمامی ادیان و پیامبران الهی بوده است. و در دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین خدا، مکارم اخلاق، و خوی های پسندیده از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، چنانکه خداوند در قرآن کریم با عبارت (خلق عظیم)، پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی اخلاقی به انسانها معرفی می‌کند دین اسلام به تعبیری دین «اخلاق» و «تربیت» است. قرآن مجید به عنوان یگانه سند جاودانه الهی، همواره پیروان خود را به کسب ارزشهای اخلاقی و خوی های پسندیده دعوت می‌کند، «تقوا»، «ایثار»، «راستگویی»، «عمل صالح»، «عدالت»، و دیگر سجایای اخلاقی، پیوسته مورد سفارش قرآن و معصومین (ع) می‌باشد.
رفتار و گفتار پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) الگوهایی روشن و جاویدان از اخلاق اسلامی است. و آنان معلمین الهی انسان در جهت شناساندن مکارم اخلاق به او تا قیام قیامت می‌باشند.
امام سجاد (ع) به عنوان جانشین رسول خدا (ص) و معلم الهی
[صفحه 100]
انسان و الگوی اخلاق اسلامی، در قالب دعا مکارم اخلاق را به ما آموزش می‌دهد. زیرا ایشان برگزیده‌ی خدا و به علم الهی، به تمام زوایای وجود انسان آگاه است. و چون طبیبی حاذق، در کلاس دعا، به تشریح و توضیح و دسته‌بندی مباحث اخلاقی می‌پردازد و انسان را در حین نیایش آموزش می‌دهد یعنی در زیباترین و عمیقترین حالات با تعالیم و دستورات اخلاقی اسلام، که از چشمه‌ی جوشان و زلال علوم اهل‌بیت (ع) جاری می‌شود، به آموزش او می‌پردازد.
در این دعا امام (ع) ابتدا بر پیامبر (ص) و آلش درود می‌فرستد، که این شیوه، رمز پذیرش و استجابت دعاست. زیرا صلوات مرضی خداست. و چون چشمه‌ای گوارا کویر درون انسان را حیات و خرمی می‌بخشد.
سپس به ما می‌آموزد که در زمینه‌ی تعالی و رشد اخلاقی و معنوی چه درخواستهایی را به پیشگاه مقدس خداوند عرضه کنیم.
امام (ع) در ابتدای دعا یک افق بلند و جایگاه رفیع کمال را به انسانها نشان می‌دهد. جایی که انسان باید در سایه‌ی ایمان و عمل صالح به آن

برسد.
لذا می‌فرماید:
1- بلغ ایمانی اکمل الایمان، ایمان مرا به کاملترین ایمان برسان.
2- و اجعل یقینی افضل الیقین، و یقینم را بهترین یقین قرار ده.
3- و انته بنیتی الی احسن النیات، و نیت مرا به نیکوترین نیتها برسان.
4- و بعملی الی احسن الاعمال، و کردارم را به بهترین کردارها برسان.
[صفحه 101]
رسیدن به «اکمل الایمان» و «افضل الیقین» و «احسن النیات» و «احسن الاعمال» رسیدن به کمال اخلاقی، و سعادت دنیوی و اخروی است، و به نوعی دیگر سجایای اخلاقی به آنها بازمی‌گردد و مربوط می‌شود، و از آنجا که سرمایه‌ی عمر و توان و نیروی انسان در دنیا محدود بوده و زمانی به پایان می‌رسد. پس کسی سعادتمند است که سرمایه‌ی حیات و نیرو و استعداد و توان خود را در راهی که نتیجه و پاداش آن ابدی و همیشگی باشد صرف کند.
رسیدن به این سعادتمندی و خوشبختی هدف تمامی انبیاء و اوصیاء است. و فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی همگی برای این هدف بوده است که به انسانها بیاموزند که چگونه از عمر و توان و سرمایه‌ی وجودی خود در راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی استفاده کنند. قرآن و روایات برنامه و شیوه‌ی رسیدن به این خوشبختی، و پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) راهنمایان این راه هستند، و انسانها را راهنمایی می‌کنند که چگونه نیرو و توان و استعداد و سرمایه عمر خود را در راه رضای خداوند صرف کنند. و در این بازار دنیا کالای عمر و حیات خود را چگونه با خدا معامله کنند. و نیز چگونه عمل کنند تا فریب فریب کاران را نخورده و اسیر توطئه و نقشه‌های تباه کننده‌ی شیطان نشوند.
امام (ع) در فرازی از دعا در این باره، به ما می‌آموزد که از خداوند درباره‌ی بهره بردن از عمر اینگونه درخواست کنیم: و استفرغ ایامی فیما خلقتنی له، و روزهایم را در آنچه که برای آن مرا آفریده‌ای صرف نما. و با توجه به آیه 56 سوره ذاریات که هدف آفرینش انسان را «عبادت»
[صفحه 102]
معرفی می‌کند.
می‌توان به این برداشت از فرمایش امام (ع) رسید که به من توفیق عبادت خدا را عنایت کن. البته عبادت مفهومی گسترده دارد و تنها شامل عبادت خاص و ویژه مثل نمازهای واجب نمی‌شود بلکه هر کاری که برای اطاعت از فرمان خداوند انجام شود عبادت است. چنانکه خواب انسان روزه‌دار، تفکر در آثار خدا، نظر به چهره‌ی عالم الهی و ربانی و... عبادت است. پس اگر انسان در ایام زندگی برای خدا کار کند، و در جهت اطاعت

فرمان خداوند حرکت کند، همواره می‌تواند در عبادت و اطاعت خدا باشد و زندگی او الهی شود. امام (ع) با این تعبیر به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم که به ما زندگی الهی عطا فرماید.
آنگاه به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم که به خوی های ناپسندی چون «کبر» و «عجب»، «فخر» دچار نشویم. و از آنجا که درجات ظاهری دنیوی و عزت و ارجمندی زودگذر دنیا سد راه تکامل حقیقی انسان می‌شود، امام (ع) به ما می‌آموزد که در جهت رفع این نارسایی از خداوند اینگونه درخواست کنیم:
و لا ترفعنی فی الناس درجه الا حططتنی عند نفسی مثلها، و لا تحدث لی عزا ظاهرا الا احدثت لی ذله باطنه عند نفسی بقدرها، و مرا به درجه و مقامی سرافراز مفرما مگر آنکه پیش نفسم مانند آن پست نمایی، و عزت آشکار برایم پدید میاور مگر آنکه به همان اندازه پیش نفسم برای من
[صفحه 103]
خواری پنهانی پدید آوری.
و در تفسیر حیات و مرگ و تبیین آنها می‌فرماید: و عمرنی ما کان عمری بذله فی طاعتک، فاذا کان عمری مرتعا للشیطان فاقبضنی الیک قبل ان یسبق مقتک الی، او یستحکم غضبک علی، و تا هنگامی که عمرم در فرمانبرداری تو به کار می‌رود، به من عمر بده، پس هرگاه عمرم چراگاه شیطان شود (بر من تسلط یابد) مرا بمیران پیش از آنکه دشمنی سخت تو به من رو آورد، یا خشمت بر من استوار گردد. امام سجاد (ع) در این عبارت کوتاه بزرگترین و محکم ترین فرمول زندگی را آموزش می‌دهد. و آن این که اگر حیات و زندگی انسان در جهت اطاعت از خدا و مبتنی بر مکتب الهی باشد، انسان دارای حیات طیبه و نیکو و بابرکت همراه با سعادت ابدی پس اگر زندگی و حیات انسان و سرمایه‌ی عمر او در جهت مقاصد شیطان مصرف شود، این زندگی پر زرق و برق دنیا با تمام امکانات و ظواهر فریبنده‌اش بی‌ارزش می‌شود، زیرا در پی آن خشم و غضب خداوند قرار دارد. آنگاه در فراز دیگر دعا برای اصلاح روابط با انسانها از خداوند درخواست می‌کند که: دشمنی را به دوستی، حسد را به محبت، بدگمانی را به اطمینان و تلخی ترس از دشمنان را به امنیت تغییر دهد.
سپس پاره‌ای دیگر از خویها و ارزشهای اخلاقی را برمی‌شمرد و می‌فرماید: و حلنی بحلیه الصالحین، و البسنی زینه المتقین، و مرا به زینت صالحین و شایستگان آراسته فرما، و زیور پرهیزگاران را به من بپوشان. و برای رسیدن به این مقام والا، امور اخلاقی زیر را از خداوند
[صفحه 104]
متعال درخواست می‌نماید:

1- فی بسط العدل (با توفیق برای) گسترش عدالت،
2- و کظم الغیظ و فرونشاندن خشم،
3- و اطفاء النائره و خاموش کردن آتش دشمنی،
4- و ضم اهل الفرقه، و گرد آوردن پراکندگان (دلهای از هم رنجیده)،
5- و اصلاح ذات البین، و اصلاح فساد بین مردم،
6- و افشاء العارفه و فاش کردن (گسترش) خیر و نیکی،
7- و ستر العائبه، و پنهان نمودن عیب و زشتی،
8- و لین العریکه، و نرم‌خوئی،
9- و خفض الجناح، و فروتنی،
10- و حسن السیره، و روش نیکو،
11- و سکون الریح و سنگینی،
12- و طیب المخالقه و خوشخویی (با مردم)،
13- و السبق الی الفضیله و سبقت گرفتن در فضیلت،
14- و ایثار التفضل و برگزیدن احسان (بی‌آنکه جزای احسانی باشد)،
15- و ترک التعییر، و سرزنش نکردن،
16- و الافضال علی غیر المستحق. و کمک نکردن به غیر مستحق،
17- و القول بالحق و ان عز، و گفتن حق اگر چه سخت باشد،
18- و استقلال الخیر و ان کثر من قولی و فعلی، و کم شمردن نیکی گفتار و کردارم اگر چه بسیار باشد،
[صفحه 105]
19- و استکثار الشر و ان قل من قولی و فعلی، و بسیار شمردن بدی گفتار و کردارم اگر چه کم باشد،
20- و لزوم الجماعه، و همیشه با جماعت (مومنین) بودن،
21- و رفض اهل البدع، و واگذاشتن بدعت‌گزاران،
22- و مستعمل الرای المخترع، و واگذاشتن مخترعین آراء (یعنی مدعیان باطل و دین‌تراشان جاهل)،
23- و اجعلنی علی ملتک اموت و احیی، و چنانم گردان که بر دین تو (اسلام) بمیرم و زنده گردم،
24- و توجنی بالکفایه، و سرم را به تاج بی‌نیازی بپوشان (تا در پیش غیر تو سر فرود نیاورم)،
25- و سمنی حسن الولایه، و مرا به نیکی در کارهایی که به آن قیام می‌کنم وادار،
26- وهب لی صدق الهدایه، و هدایت حقیقی را به من ببخش،
27- و لا تفتنی بالسعه، مرا به توانگری گمراه مفرما،
28- و امنحنی حسن الدعه، و زندگی آسوده که در آن رنج نباشد به من عطا فرما،

29- و لا تجعل عیشی کدا کدا، و سختی و دشواری در زندگیم قرار مده،
30- و لا ترد دعائی علی ردا، و دعا و درخواستم را به خودم باز مگردان،
31- و امنعنی من السرف، و مرا از زیاده‌روی و اسراف بازدار،
32- و حصن رزقی من التلف، و روزی‌ام را از تباه شدن مصون
[صفحه 106]
بدار،
33- و وفر ملکتی بالبرکه فیه، و دارائیم را به برکت و زیاد نمودن در آن افزون گردان،
34- و اکفنی مونه الاکتساب، و مرا از به دست آوردن روزی و کسب با رنج بی‌نیاز کن،
35- و ارزقنی من غیر احتساب،... و روزی‌ام را از جایی که هرگز گمان نمی‌برم عطا فرما، تا از عبادت و بندگی تو برای به دست آوردن روزی بازنمانم، و زیر بار سنگینی زیانها و بدی عواقب کسب (غیرمشروع) نروم،
36- و صن وجهی بالیسار، و آبرویم را به توانگری حفظ نما،
37- و لا تبتذل جاهی بالاقتار،... و ارجمندیم را به تنگدستی خوار مگردان، تا از روزی‌خوارانت روزی بخواهم...
38- و ارزقنی صحه فی عباده، و تندرستی در عبادت را روزی من کن.
39- و فراغا فی زهاده، و آسایش در زهد و دوری از دنیا،
40- و علما فی استعمال، و علم با عمل (روزی من کن)،
41- و ورعا فی اجمال، و پرهیزکاری از روی میانه‌روی (نه به اندازه‌ای که به وسواس بداندیشی و بدگمانی) کشد،
42- و سهل الی بلوغ رضاک سبلی، و راههایم را برای رسیدن به خشنودیت آسان فرما،
43- و حسن فی جمیع احوالی عملی، و کردارم را در هر حال نیکو گردان،
[صفحه 107]
44- و نبهنی لذکرک فی اوقات الغفله، و مرا در اوقات فراموشی به یاد خود آگاه ساز،
45- و استعملنی بطاعتک فی ایام المهله، و در روزگار مهلت (زندگانی دنیا) مرا به طاعت و بندگیت بگمار،
46- و انهج لی الی محبتک سبیلا سهله، و راهی هموار به سوی محبت و دوستیت (پیروی از اوامر و نواهیت) برای من آشکار نما،
47- اکمل لی بها خیر الدنیا و الاخره، به وسیله آن راه (یا آن محبت) نیکی دنیا و آخرت را برایم کامل بگردان.
چنانکه ملاحظه می‌کنیم، درخواست هایی که امام (ع) به ما می‌آموزد، در تمامی زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی... می‌باشد. و این به وضوح نشان می‌دهد که دعا در فرهنگ اسلام

کلاس سازندگی و تقویت انسان در جهت عمل به دستورات مکتب است. گذشته از این کلاس یادآوری وظایف انسان نسبت به خالق هستی است. در نتیجه دعا در مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام، نیایش عارفانه‌ی توام با شناخت و معرفت خداوند است.
[صفحه 108]

هنگامی که چیزی او را اندوهگین و خطاها نگرانش می‌کرد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا حزنه امر و اهمته الخطایا، از دعاهای امام (ع) هنگامی که چیزی او را اندوهگین و خطاها نگرانش می‌کرد.
محتوای دعا
حفظ تعادل روحی و روانی انسان و به بیان دیگر امنیت و آرامش و سکون درونی، یکی از اهدافی است که همه در جهت رسیدن به آن تلاش می‌کنند. و دعا تامین کننده‌ی تعادل و امنیت و آرامش در انسان است.
وقتی یک نارسایی اخلاقی و یا مشکل مادی و اقتصادی و معیشتی و یا یک مشکل فردی و اجتماعی به انسان روی می‌آورد، آدمی تعادل خویش را برای مدتی به طور شدید یا ضعیف از دست می‌دهد. و این بحرانها درون او را متلاطم می‌سازد. در این حالات دعا بهترین وسیله برای رسیدن به تعادل روحی و روانی است. گرچه عالیترین حالات انسان حالت نیایش و پرستش و اظهار خضوع و خشوع نسبت به معبود می‌باشد، اما از اثرات جانبی و موثر دعا نیز در بهبودی نارسائی های مختلف نباید غافل بود، که دعا یکی از بزرگترین و ارزشمندترین نعمتهایی است که خداوند به انسانها ارزانی داشته است.
در این دعا امام (ع) ابتدا مباحثی از خداشناسی را متناسب با نوع
[صفحه 109]
درخواست هایی که می‌خواهد به پیشگاه خداوند عرضه کند به ما آموزش می‌دهد. لذا با اشاره به دو صفت از صفات خداوند یعنی «کافی» و «وافی» می‌فرماید: اللهم یا کافی الفرد الضعیف، و واقی الامر المخوف، خدایا، ای کفایت کننده‌ی آنکه تنها و ناتوان است، و ای نگهدارنده (بندگان خود) از امر ترسناک،
امام (ع) ابتدا این باور را به انسان گوشزد می‌کند که خداوند وافی و کافی است، و یار و مددکار انسان نیازمند است. تا با قوت قلب خود، را به مشیت الهی بسپارد و زیر چتر امنیت خداوند قرار گیرد و با یقین به استجابت دعا به مناجات بپردازد. تقویت مبانی اعتقادی و پیدا کردن معرفت نسبت به خداوند جل جلاله، رمز لذت بردن از دعا و نیایش و پرستش اوست.
سپس در فراز دیگری از دعا به ما می‌آموزد که چه درخواست هایی را از خداوند داشته باشیم و در این باره می‌فرماید:
1- لا تجعلنی ناسیا لذکرک فیما اولیتنی، مرا نسبت به یاد کردن خود در آنچه عطایم کرده‌ای فراموشکار مگردان،

2- و لا غافلا لاحسانک فیما ابلیتنی، و به احسانت در آنچه به من بخشیده‌ای غافل مساز،
3- و لا آیسا من اجابتک لی و ان ابطات عنی، و در برآورده ساختن حاجتم اگر چه به کندی پیش رود نومیدم مفرما،
4- و اجعل ثنائی علیک، و مرا در هر حال به ستایش و نیایش خودت بگمار،
5- و اشعر قلبی تقواک، و شعار دلم را پرهیزکاری از خود بنما (تقوا
[صفحه 110]
و ترس از خدا را روش من بگردان)،
6- و استعمل بدنی فیما تقبله منی، و بدنم را در آنچه از من می‌پذیری (اطاعت و بندگی) به کار گیر،
آنگاه راه طی کردن مدارج عرفانی را توسط قلب با دعاهای مخصوص چنین بیان می‌فرماید:
1- فرغ قلبی لمحبتک، دل مرا برای محبت و دوستی خویش خالی ساز،
2- و اشغله بذکرک، و (قلب مرا) به یاد خودت مشغولش گردان،
3- و انعشه بخوفک و بالوجل منک، و (قلب مرا) به ترس و بیم از خودت بلندمرتبه فرما،
4- و قوه بالرغبه الیک، و (قلبم را) به رغبت به سویت توانا، فرما.
5- و امله الی طاعتک، و (قلب مرا) به فرمانبریت متوجه کن،
6- و اجر به فی احب السبل الیک، و (قلبم را) به بهترین راههای به سوی خود روانه فرما،
7- و ذلله بالرغبه فیما عندک ایام حیاتی کلها، و (قلب مرا) در تمام روزهای زندگیم به خواستن آنچه نزد توست رام نما.
آنگاه در بخشی از فراز آخر دعا می‌فرماید:
و امنن علی بشوق الیک، و به شوق و دلباختگی به خود بر من منت گزار،
محبت، ذکر، رغبت و رام شدن قلب در برابر فرامین الهی و طی مراحل و مدارج سیر الی الله از جمله مباحث عمیق عرفانی است که امام عارفان، و قرآن مجسم، امام زین‌العابدین علیه‌السلام در فرازهایی از این دعای شریف به ما می‌آموزد.
[صفحه 111]

هنگام سختی و رنج و کارهای دشوار

عنوان دعاء چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام، عند الشده و الجهد و تعسر الامور، از دعاهای امام (ع) است به هنگام سختی و رنج و کارهای دشوار.
محتوای دعا
در این دعا امام (ع) ضمن اشاره به قدرت خداوند درخواست هایی را از خداوند طلب می‌کنند، از جمله در زمینه فقر می‌فرمایند:
لا قوه لی علی الفقر، فلا تخطر علی رزقی، (خدایا) طاقت فقر را ندارم، پس روزیم را به خطر نینداز.
آنگاه بر محمد و آلش درود فرستاده و از خداوند درخواست رغبت در «عمل» برای آخرت، «زهد» در دنیا و «شوق» برای انجام عمل نیک کرده و سپس در ادامه به ما می‌آموزد که از خداوند امور زیر را بخواهیم:
1- وهب لی نورا امشی به فی الناس، و نوری (علم و دانشی) به من ببخش که با آن در بین مردم راه بروم (زندگی کنم).
2- و اهتدی به فی الظلمات، و (به آن نور) در تاریکیها (گمراهیها) هدایت یابم.
3- و استضیئی به من الشک و الشبهات، و (به وسیله‌ی آن شناخت) از شک و دودلی و شبهات (در هم شدن حق و باطل) روشنی یابم.
[صفحه 112]
معمولا اینگونه تصور می‌شود که «رزق» تنها مادی است و مربوط به مسائل معیشتی و اقتصادی است، در حالی که رزق شامل چیزهای دیگری هم می‌شود. که امام سجاد (ع) در ضمن دعا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌فرمایند از جمله: (خدایا روزیم کن)
1- الرغبه فی العمل، رغبت در عمل.
2- خوف غم الوعید، ترس و اندوه از عذاب قیامت.
3- شوق ثواب الموعود، شوق به پاداش آخرت.
4- الحق عند تقصیری، اعتراف به حق (راضی بودن به فرمانت).
5- السلامه الصدر من الحسد، سلامتی سینه از حسد.
6- التحفظ من الخطایا، حفظ شدن از لغزشها و گناهان.
با توجه به نمونه‌هایی که برشمردیم، رزق الهی همواره بر انسانها جاری است، و همه از آنها بهره‌مند می‌شوند. عبادت خدا و توفیق بر نماز اول وقت و نماز جماعت رزق است. سلامت بودن قلب از بیماریهایی چون حسد، رزق است. گرچه بهره‌مند شدن از امکانات مادی، خانه، وسیله‌ی نقلیه، ثروتهای گوناگون نیز اگر از راه حلال باشد رزق است.

آنگاه در فراز آخر دعا می‌فرماید: و اجعلنی ممن یدعوک مخلصا فی الرخاء دعاء المخلصین المضطرین لک فی الدعاء، و مرا از کسانی قرار ده که تو را هنگام خوشی از روی اخلاص می‌خوانند مانند کسانی که از روی اخلاص هنگام اضطرار و بیچارگی، در دعا از تو درخواست می‌کنند.
[صفحه 113]

هنگامی که تندرستی و سپاس بر آن را از خداوند درخواست می‌نمود

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا سال الله العافیه و شکرها، از دعاهای امام (ع) است هنگامی که تندرستی و سپاس بر آن را از خداوند درخواست می‌نمود.
محتوای دعا
عافیت و سلامتی یکی از نعمتهای بزرگ خداوند است. که انسان کمتر به آن توجه دارد و شکر آن را بجا نمی‌آورد و قدر آن را نمی‌داند تا اینکه به بیماری دچار می‌شود و آنگاه قدری به نعمت عافیت پی می‌برد. در این دعا امام سجاد (ع) بعد از فرستادن درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیتش (ع)، اینگونه به پیشگاه مقدس الهی درخواست عافیت می‌کند:
اللهم صل علی محمد و اله، و البسنی عافیتک، و جللنی عافیتک، و حصنی بعافیتک، و اکرمنی بعافیتک، و اغننی بعافیتک، و تصدق علی بعافیتک، وهب لی عافیتک، و افرشنی عافیتک، و اصلح لی عافیتک، و لا تفرق بینی و بین عافیتک فی الدنیا و الاخره.
بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و بر (تن و جان) من به لطف خودت لباس عافیت بپوشان، و عافیتت را بر تمام شئون وجودم شامل گردان، و مرا در سنگر و پناه عافیت و رستگاری خود محفوظ گردان، و به عافیت و رستگاری مرا گرامی بدار، و به عافیتت
[صفحه 114]
مرا مستغنی و بی‌نیاز گردان، و به من فقیر درگاهت عافیت را صدقه و موهبت فرما، و عافیت را بر من گسترده گردان و به آن عافیت، امور مرا اصلاح کن، و میان من و عافیت هرگز در دنیا و آخرت جدایی مینداز.
چنانکه ملاحظه می‌شود امام چهارم (ع) مساله‌ی «عافیت» و تاثیر آن را در زندگی انسان در دنیا و آخرت به طور مبسوطی تشریح می‌فرماید. و بدین وسیله اهمیت و جایگاه این نعمت بزرگ را به ما گوشزد می‌کند. در این فراز از دعا امام (ع) عافیت را به امور زیر تفسیر و توجیه کرده است:
1- لباس محافظ
2- پناهگاه امن و آرامش‌بخش
3- موجب کرامت
4- بی‌نیاز کننده از غیر
5- صدقه و موهبت الهی
6- موجب اصلاح
و اگر انسانها از این نعمت بزرگ یعنی «عافیت» به درستی بهره‌مند شوند

و از آن در مسیر کمال خود استفاده کنند، در دنیا و آخرت رستگار و سعادتمند خواهند شد.
آنگاه امام (ع) در فراز دیگر دعا صفات و ویژگیهای آن عافیتی را که از خداوند درخواست می‌کند تشریح می‌فرماید. و جهت‌گیری درخواست عافیت را به ما می‌آموزد. زیرا عافیتی موجب سعادت است که جهت‌دار و هدفدار باشد. یعنی در مسیر رضای الهی و رشد و تعالی معنوی انسان مورد استفاده قرار گیرد. و صرف وجود سلامتی (بدنی و جسمی) گرچه نعمت است، اما برای کمال انسان کافی نیست، بلکه سلامتی باید در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و
[صفحه 115]
جسمی و روحی باشد تا انسان را به سوی کمال رهنمون کند. امام (ع) خصوصیات «عافیت» را چنین معرفی می‌فرماید:
عافنی عافیه، به من عافیتی عطا کن که:
1- کافیه، بی‌نیاز کننده باشد (همه جانبه باشد هم ظاهری و هم باطنی).
2- شافیه، بهبوددهنده باشد.
3- نامیه، افزون شونده و رشد دهنده باشد.
4- تولد فی بدنی العافیه پیوسته در جسم (و جان) من سلامت و آسایش بیفزاید.
5- عافیه الدنیا و الاخره، (موجب) سلامتی دنیوی و اخروی باشد (زیرا عافیت دنیا به تنهایی معیار سعادت و خوشبختی نیست).
آنگاه در بخش دیگر دعا به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم به دادن نعمتهایش بر ما منت گذارد. در این باره می‌فرماید: و امنن علی، خدایا بر من منت گذار (به این نعمتها):
1- بالصحه، به سلامتی
2- و الامن، و امنیت و آرامش
3- و السلامه فی دینی و بدنی، و سلامتی در دین و بدنم.
4- و البصیره فی قلبی، و قدرت شناخت و بصیرت قلبی.
5- و النفاذ فی اموری، و پیشرفت در کارهایم.
6- و الخشیه لک، و ترس (توام با معرفت) از تو (برای تو).
7- و الخوف منک، و بیم و خوف از (مجازات) تو.
8- و القوه علی ما امرتنی به من طاعتک، و توانایی بر اطاعت و
[صفحه 116]
فرمانبرداری از تو.
9- و الاجتناب لما نهیتنی عنه من معصیتک، و دوری از معصیت و نافرمانیت که مرا از آن نهی کرده‌ای.
10- و امنن علی بالحج و العمره، و منت گذار به انجام حج و عمره.

11- و زیاره قبر رسولک، و زیارت مرقد پاک رسولت (ص). چنانکه ملاحظه می‌شود، درخواست هایی که امام (ع) به ما می‌آموزد همواره موجب سعادت دنیا و آخرت است، و عمل به آنها و تلاش در زمینه‌ی کسب آنها، دنیا و آخرت ما را تامین می‌کند. در حقیقت دعاهایی که پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) به ما آموخته‌اند، دستورات زندگی است. و آنها همچون طبیب که به بیمار خود دوا می‌دهد، برای سلامتی روحی و روانی و حفظ سلامتی و عافیت دنیا و آخرت نسخه‌هایی را در قالب دعا در اختیار ما قرار داده‌اند. و دقت در این دعاها و معرفت یافتن نسبت به آنها حقیقتا علاوه بر نیایش خدا، هدایتگر انسان در دنیا و آخرت می‌باشد.
امام (ع) در جهت استفاده‌ی هدفدار از عافیت، در فراز دیگر دعا می‌فرماید: و اشرح لمراشد دینک قلبی، و دلم را برای اهداف و مقاصد دینت بگشا (مرا شرح صدر و بصیرت کاملی در فهم اصول حقایق دین عطا فرما). سپس در فراز دیگر دعا خود و فرزندان و ذریه‌ی خویش را از امور زیر که می‌توانند به نوعی «عافیت» جسمی و روحی و دنیوی و اخروی انسان را به خطر بیاندازند، در پناه خداوند قرار می‌دهد:
1- از شر شیطان 2- از شر جانوران زهردار کشنده (مثل مار و غیره)
[صفحه 117]
نکشنده (مثل زنبور) و همه‌ی جانوران 3- چشم زخم 4- از شر سلطان و حاکم ستمگر 5- مترف (فرورفته در ناز و نعمت) 6- و از شر هر که برای پیامبر (ص) و خاندانش جنگی (دشمنی) برپا کرده و آشکار ساخته.
در مجموع از تمامی طبیعی و شیطان و همراهان و پیروانش به خدا پناه می‌برد. و به ما می‌آموزد اینگونه به خداوند پناه ببریم.
[صفحه 118]

دعا برای پدر و مادر خود

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام لابویه علیهماالسلام از دعاهای امام (ع) برای پدر و مادر خود (ع) است.
محتوای دعا
امام چهارم (ع) پس از درود فرستادن بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت ایشان (ع) به پدر و مادر بزرگوار خویش دعا کرده می‌فرمایند:
و اخصص، اللهم، والدی بالکرامه لدیک، و الصلوه منک، یا ارحم الراحمین، خدایا پدر و مادر مرا به گرامی داشتن نزد خود و احسان و نیکی از جانب خویش برتری بخش. ای بخشنده‌ترین بخشندگان.
آنگاه به طور غیرمستقیم به مقام پدر و مادر و حقوق آنها بر فرزندان اشاره کرده و از خداوند در جهت ادای حقوق و وظائف انسان نسبت به والدین استمداد می‌طلبد و می‌فرماید:
و الهمنی علم ما یجب لهما علی الهاما، و دانستن آنچه درباره‌ی ایشان بر من واجب است (حقوق آنها) را به من الهام نما و در دلم انداز.
البته گرچه می‌دانیم امام سجاد (ع) و پدر گرامیشان امام حسین (ع) هر دو معصوم هستند. اما در این دعا امام (ع) به ما رعایت حقوق پدر و مادر را گوشزد می‌کند. و علاوه بر اینکه جایگاه آنها را در مکتب اسلام نشان می‌دهد ما را با وظایفمان نسبت به آنها آشنا می‌کند.
[صفحه 119]
سپس در فراز دیگری از دعا درباره رعایت حقوق پدر و مادر از خداوند طلب کمک کرده می‌فرماید: اللهم خفض لهما صوتی، و اطب لهما کلامی، و الن لهما عریکتی، و اعطف علیهما قلبی، و صیرنی بهما رفیقا، و علیهما شفیقا. خدایا صدایم را در برابر ایشان آهسته، سخنم را خوشایند، خویم را نرم و دلم را بر آنان مهربان کن، و مرا با ایشان سازگار و بر آنان رحیم گردان.
به آرامی سخن گفتن، کلام نیکو به کار بردن، نرم‌خو بودن و با عاطفه و محبت بودن و در نتیجه رفیق و شفیق پدر و مادر بودن از وظایفی است که امام (ع) در این فراز از دعا به آنها اشاره فرموده‌اند.
سپس با اشاره‌ی غیرمستقیم به نقش تربیتی پدر و مادر می‌فرماید: اللهم اشکر لهما تربیتی، و اثبهما علی تکرمتی، خدایا آنان را به پرورش من جزا ده و در گرامی داشتنم پاداش ده، و در مورد زمان دعا کردن بر پدر و مادر می‌فرماید:
اللهم لا تنسنی ذکرهما فی ادبار صلواتی، و فی انا من آناء لیلی، و فی کل

ساعه من ساعات نهاری، خداوندا یاد ایشان را به دنبال نمازها و در وقتی از اوقات شب و در هر ساعتی از ساعات روزم از یادم مبر.
[صفحه 120]

دعا برای فرزندانش

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام لولده علیهم‌السلام، از دعاهای امام (ع) است برای فرزندانش (ع).
محتوای دعا
امام (ع) در فراز آغازین دعا برای فرزندان می‌فرماید:
اللهم و من علی ببقاء ولدی، و باصلاحهم لی، و بامتاعی بهم، بار الهی بر من منت گذار به این نعمت که فرزندانم را باقی بداری (و عمر طولانی و با عز به آنها عطا کنی) و آنها را برای من صالح گردانی، و مرا به وجود آنها بهره‌مند و کامروا سازی.
سپس در بخش دیگر دعا، درخواستهای زیر را در جهت طول عمر و اصلاح و سعادتمندی در دنیا و آخرت فرزندان بیان می‌فرماید:
1- طول عمر، الهی امدد لی فی اعمارهم، خدای من عمر آنها را طولانی گردان.
2- صحت بدن و دین و اخلاق، و اصح لی ابدانهم و ادیانهم و اخلاقهم، و بدنها و دینها و اخلاقشان را برای من نیکو گردان.
3- عافیت تن و جان، و عافهم فی انفسهم...، و تن و جانشان را عافیت ده.
4- زیادی رزق و روزی، و ادرر لی و علی یدی ارزاقهم، و روزیهایشان را برای من و به دست من فراوان گردان.
[صفحه 121]
5- نیکوکار و باتقوا و بابصیرت، و اجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء، و آنان را نیکوکاران و پرهیزکاران و بینایان بابصیرت قرار ده.
6- شنونده و فرمانبردار، سامعین مطیعین لک، و شنوندگان (سخن راست و حق) و فرمانبرداران خودت قرار ده.
7- دوستدار دوستان خدا و دشمن دشمنان او، و لاولیائک محبین مناصحین، و لجمیع اعدائک معاندین و مبغضین، و (آنان را) دوستداران پنددهنده برای دوستانت، و دشمنان و کینه‌دار برای همه‌ی دشمنانت قرار بده. سپس با اشاره به اهمیت تربیت فرزندان به ما می‌آموزد از خداوند درخواست کنیم که ما را در تربیت آنان یاری و کمک فرماید: و اعنی علی تربیتهم و تادیبهم و برهم، و مرا در تربیت و تادیب (راه پسندیده را به آنها نشان دادن) و نیکی کردن به ایشان یاری فرما. آنگاه با اشاره به نقشه‌ها و توطئه‌های شیطان، به ما می‌آموزد که برای حفظ شدن از وسوسه‌های شیطان دعا کنیم، و از خداوند بخواهیم که شیطان را بر ما غالب نکند.
اللهم فاقهر سلطانه عنا بسلطانک حتی تحبسه عنا بکثره الدعاء لک، خدایا

به توانایی خود او (شیطان) را از تسلط بر ما مغلوب نما تا به وسیله‌ی دعا خواندن بسیار (برای تو) او را از ما بازداری.
یکی از نقشهای دعا در زندگی انسان، سپر بودن آن در برابر حملات مشکلات و وسوسه‌های شیطان است، به طوری که در برخی روایات از دعا به سپر مومن تعبیر شده است. و امام (ع) نیز می‌فرماید کثرت دعا، به اراده‌ی خداوند و خواست او نقش باز دارنده‌ی شیطان را دارد. زیرا دعا تقویت کننده‌ی انسان است.
[صفحه 122]
آنگاه به ما می‌آموزد که از خداوند درخواست کنیم در زمره‌ی افراد زیر قرار بگیریم:
1- کسانی که به پناه بردن به خدا خو گرفته‌اند.
2- و در معامله با خدا سود برده‌اند.
3- و به عزت و توانائی خدا پناه برده‌اند.
4- و از فضل و بخشش خداوند روزی حلال بر ایشان فراخ گردیده.
5- و به وسیله‌ی خدا از ذلت و خواری به عزت و بزرگواری رسیده‌اند.
6- و از ظلم و ستم، به عدل و داد خدا پناه برده‌اند.
7- و به رحمت و مهربانی خدا از بلا و گرفتاری بهبودی یافته‌اند.
8- و به بی‌نیازی از خداوند، از فقر و بی‌چیزی توانگر شده‌اند.
9- و به ترس از خدا، از گناهان و لغزشها و نادرستیها نگاه داشته شده‌اند.
10- و به پیروی از خدا، به نیکی و راه راست و درست توفیق یافته‌اند.
11- و به قدرت خداوند، میان ایشان و گناهان، مانعی پدیدار شده که همه‌ی گناهان را ترک گفته‌اند.
12- و در جوار و همسایگی (رحمت و لطف خدا) آرمیده‌اند. (الساکنین فی جوارک)
و در پایان آنچه را برای خود و فرزندان و ذریه‌ی خویش درخواست فرموده برای همه‌ی مردان و زنان مسلمان و مومن از پیشگاه
[صفحه 123]
خداوند طلب نموده و می‌فرماید: و اعط جمیع المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات مثل الذی سالتک لنفسی و لولدی فی عاجل الدنیا و اجل الاخره، و مانند آنچه از تو برای خود و فرزندانم در دنیا و آخرت خواستم به همه‌ی مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان ببخش.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: هر مومنی که برای مومنین و مومنات دعا کند خدای عزوجل از هر مومن و مومنه‌ای که از اول روزگار گذشته یا آنکه تا روز قیامت آینده است مانند آنچه را که او برای ایشان دعا کرده به او باز می‌گرداند.
[صفحه 124]

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام لجیرانه و اولیائه اذا ذکرهم، از دعاهای امام (ع) است درباره‌ی همسایگان و دوستانش هنگامی که آنها را یاد می‌نمود.
محتوای دعا
امام سجاد (ع) در این دعا پس از درود فرستادن بر رسول خدا و آل او در مورد همسایگان و دوستان خویش می‌فرماید:
و تولنی فی جیرانی و موالی العارفین بحقنا، و المنابذین لاعدائنا بافضل ولایتک، (خدایا) مرا به بهترین یاری نمودن درباره همسایگان و دوستانم که به حق ما عارف هستند (امامت ما را باور داشته و حقوق ما را رعایت می‌نمایند) و با دشمنان ما مخالفت می‌کنند همراهی فرما.
امام (ع) در این بخش از دعا توجه ما را به باور و عقیده همسایگان و دوستان جلب کرده و دو صفت و ویژگی برای آنان ذکر می‌فرماید:
1- عارف بودن به حق امام (ع) (عقیده به امامت)
2- مخالفت با دشمنان امام (ع)
سپس از خداوند درخواست می‌کند که همسایگان و دوستان را به انجام اعمال و کارهای زیر توفیق دهد:
[صفحه 125]
1- لاقامه سنتک، برپا داشتن سنت الهی.
2- و الاخذ بمحاسن ادبک، فراگرفتن اخلاق پسندیده‌ات.
3- فی ارفاق ضعیفهم، در سود رساندن به ناتوانانشان.
4- و سد خلتهم، و جلوگیری از فقر و نیازمندیشان.
5- و عیاده مریضهم، و عیادت از بیمارشان.
6- و هدایه مسترشدهم، و راهنمایی کسانی از آنها که نیازمند ارشاد هستند.
7- و مناصحه مستشیرهم، و اندرز دادن کسانی از آنها که نیازمند مشورت هستند.
8- و تعهد قادمهم، و دیدار کردن از سفر آمده‌هایشان.
9- و کتمان اسرارهم، و پنهان کردن رازهایشان.
10- و ستر عوراتهم، و پوشاندن عیبهایشان.
11- و نصره مظلومهم، و یاری ستمدیده‌هایشان.
12- و حسن مواساتهم بالماعون، و خوب کمک کردنشان در ابزار خانه (ماعون)
13- و العود علیهم بالجده و الافضال، و سود رساندنشان به بخشش

فراوان.
14- و اعطاء ما یجب لهم قبل السوال، و عطا کردن (به محتاجان) آنچه در نزدشان لازم و ضروری قبل از درخواست.
چنانکه ملاحظه می‌شود درخواستهای امام (ع) از خداوند در مورد همسایگان و دوستان در تمام زمینه‌ها و ابعاد می‌باشد. هم جنبه‌ی مادی و هم معنوی، هم موضوعات دنیوی و هم آنچه مربوط به
[صفحه 126]
سعادت آخرت است. به طوری که اگر انسان واقعا در انجام این دستورات موفق شود، تمامی نارسائیها برطرف می‌شود. در حقیقت امام زین‌العابدین (ع) در قالب دعا معارف الهی و وظایف فردی و اجتماعی ما را آموزش می‌دهد. به پا داشتن سنتهای الهی، فراگرفتن ادب در جهت تقویت روابط انسانی و از میان برداشتن نارسائی های رفتاری از جمله افشاء رازها و عیوب یکدیگر، همچنین یاری کردن مظلوم و عیادت مریض و رفت و آمد و بازدید به مناسبتهای گوناگون مثل از سفر آمدن و کمکهای اقتصادی و مالی به یکدیگر از جمله درس هایی است که در این فراز از دعا بیان شده است. و همگی تقویت کننده‌ی روابط اجتماعی مومنین و رشد و کمال معنوی آنان است.
آنگاه در فراز دیگر دعا امام (ع) برای خویش دعا می‌کند که در حق آنها رحمت و عفت و تواضع و مودت و نصیحت و رعایت و گذشت و احسان و حسن ظن و نیکی داشته باشد. و در حقیقت به ما می‌آموزد که در حق همسایگان، اینگونه برخورد و رابطه‌ی اسلامی داشته باشیم.
ایشان در قسمتی از بخش آخر دعا با اشاره به حق خویش (به عنوان امام و مقتدا) از خداوند درخواست می‌کند که شناخت و بینش آنها را نسبت به حق خویش به عنوان امام و پیشوای الهی، افزون فرماید:
و زدهم بصیره فی حقی، و معرفه بفضلی حتی یسعدوا بی و اسعد بهم، و به ایشان بینایی در حق من، و شناسایی به فضل و برتری من بیافزا تا به وسیله‌ی من نیکبخت شوند و من به وسیله آنان نیکبخت گردم.
[صفحه 127]
جمله آخر امام (ع) که می‌فرماید من به وسیله آنان نیکبخت شوم، با اینکه حضرت برگزیده‌ی خدا و امام معصوم است، اشاره به نقش روابط سالم اجتماعی در جهت سعادت و کمال انسانهاست. اگر روابط انسانها در هر سطحی که باشد بر اساس معیارهای الهی تنظیم شود، انسانها یکدیگر را در جهت کمال یاری می‌کنند. رشد و کمال مادی و معنوی در گرو رابطه‌ی صحیح و بر اساس تعالیم الهی اسلام تحقق می‌یابد.
[صفحه 128]

دعا برای مرزداران

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام لاهل الثغور، از دعاهای امام (ع) برای مرزداران (پاسداران مرزهای سرزمین اسلامی) می‌باشد.
محتوای دعا
امام سجاد (ع) در این دعا توجه ما را به کسانی جلب می‌کند که در پرتو نگهبانی و پاسداری آنها از حدود سرزمین اسلامی، امنیت و آرامش داخلی تامین می‌شود. امام (ع) در دعا به ایشان و نیز حفظ حدود و مرزهای اسلامی، عباراتی را بیان می‌کند و ابتدا جهت استجابت دعا، کلام خود را با صلوات بر پیامبر (ص) و آل او آغاز کرده می‌فرماید: و حصن ثغور المسلمین بعزتک، و اید حماتها بقوتک، و اسبغ عطایاهم من جدتک، و مرزهای مسلمانان را به عزت و جلال خود محفوظ بدار، و نگهبانان آن مرزها را به قوت و قدرت خود یاری فرما و عطایا و انعامشان را از توانگریت فراوان گردان. سپس در زمینه‌های زیر برای آنان (مرزداران) از خداوند درخواست یاری می‌کند:
1- افزایش تعداد آنها، و کثر عدتهم.
2- و برندگی اسلحه‌های ایشان، و اشحذ اسلحتهم.
3- و حفظ حدود و محل استقرار آنها، و احرس حوزتهم.
4- و محکم شدن اطراف لشکرگاه آنها، و امنع حومتهم.
[صفحه 129]
5- و پیوند دلها و هماهنگی و دوستی میان سپاهیان، و الف جمعهم.
6- و تدبیر امور ایشان، و دبر امرهم.
7- و تامین مستمر و پی‌درپی آذوقه‌ی ایشان، و واتر بین میرهم.
8- و به تنهایی، کارگزاری نمودن سختیهایشان، و توحد بکفایه مونهم.
9- و یاری کردن ایشان برای رسیدن به پیروزی، و اعضدهم بالنصر.
10- و نیرو دادن به آنها به وسیله‌ی صبر، و اعنهم بالصبر.
11- و اعطای دقت نظر به ایشان (در مقابل مکر و حیله دشمنان)، و الطف لهم فی المکر.
12- و آشنا کردن آنها به آنچه (از فنون و تدابیر جنگی و امور دین و دنیا) که نمی‌دانند، و عرفهم ما یجهلون.
13- و بصیرت دادن به سپاهیان به آنچه (مکر و فریب دشمنان) که نمی‌بینند، و بصرهم ما لا یبصرون.
آنگاه در فراز دیگر دعا برای هر یک از سپاهیان اسلام درخواستهای زیر را از خداوند بیان می‌فرماید:

1- فلقه الیسر، و هیئی له الامر، پس او را آسانی پیش آور و کار را برایش مهیا ساز.
2- و توله بالنجح، و پیروزی را برایش عهده‌دار شو.
3- و تخیر له الاصحاب، و بهترین یاران را برای او برگزین.
4- و استقوله الظهر، و به آنچه نیازمند است یاریش کن.
[صفحه 130]
5- و اسبغ علیه فی النفقه، و جیره‌اش را سرشار گردان.
6- و متعه بالنشاط، و او را به نشاط و خرمی بهره‌مند ساز.
7- و اطف عنه حراره الشوق، و گرمی آرزو را از او فرونشان.
8- و اجره من غم الوحشه، و او را از اندوه تنهائی برهان.
9- و انسه ذکر الاهل و الولد، و یاد زن و فرزند را فراموشش ساز.
10- و اثر له حسن النیه، و او را به حسن نیت راهنمائی کن.
11- و توله بالعافیه، و عافیت و تندرستی را برایش عهده‌دار شو.
12- و اصحبه السلامه، و سلامتی و رهائی از بلاها را همراهش گردان.
13- و اعفه من الجبن، و او را از ترس و سست‌دلی دور ساز.
14- و الهمه الجراه، و جرات و دلیری در دلش بیفکن.
15- و ارزقه الشده، و نیرومندی روزیش نما.
16- و ایده بالنصره، و با کمک و یاری (خود) او را یاری فرما.
17- و علمه السیر و السنن، و راهها (احکام جهاد) و روشها را به او بیاموز (سیرتها و سنتها را به او یاد بده).
18- و سدده فی الحکم، و در حکم کردن راه درست را به او بنما.
19- و اعزل عنه الریاء، و ریا و خودنمایی را از او دور کن.
20- و خلصه من السمعه، و او را از انجام کاری برای اینکه مردم بشنوند رها کن.
21- و اجعل فکره و ذکره و ظعنه و اقامته فیک و لک، و اندیشه و یاد و سفر کردن و ماندنش را در راه خود و برای (به دست آوردن رضا و خشنودی) خودت قرار بده.
[صفحه 131]
سپس امام (ع) برای سپاهیان اسلام آن هنگام که با دشمن روبرو می‌شوند دعا کرده و می‌فرماید:
1- فقللهم فی عینه، آنها را (دشمنان را) در پیش چشمش اندک نما.
2- و صغر شانهم فی قلبه، و مقام (دشمنان) را در دلش کوچک ساز.
3- و ادل له منهم، و او را بر آنان (دشمنان) پیروز گردان.
4- و لا تدلهم منه، و دشمنان را بر او چیره مگردان.
و در بخش دیگر دعا، امام (ع) برای افراد پشت جبهه دعا می‌کند، یعنی برای کسانی که با صرف مال و امکانات خود جبهه‌ی اسلام را یاری

می‌کنند، به یاری خانواده‌ی سپاهیان اسلام می‌روند، یا در تامین وسایل مورد نیاز جبهه همکاری می‌کنند، یا در راه تقویت جبهه‌ی اسلام تبلیغ کرده، دیگران را به پیوستن به سپاه اسلام ترغیب می‌نمایند. و یا برای پیروزی سپاه اسلام دعا می‌کنند...
امام (ع) برای تمامی این افراد که به نوعی به جبهه اسلام کمک می‌کنند از خداوند می‌خواهد که اجر و پاداش سپاهیان اسلام در جبهه را عنایت بفرماید. و در خاتمه بر محمد (ص) و آل طاهرینش درود می‌فرستد.
[صفحه 132]

هنگام پناه بردن از گرفتاریها به خدای عزیز و بزرگ

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام متفزعا الی الله عز و جل، از دعاهای امام (ع) هنگام پناه بردن (از گرفتاریها) به خدای عزیز و بزرگ است.
محتوای دعا
پیش از این توضیح داده شد که عناوین دعاها را یا از متن دعا استخراج کرده‌اند، و یا از عبارت اول دعا. در حالیکه موضوعاتی که در دعا مطرح شده است بیش از آن است که در عنوان دعا آورده‌اند. مانند اسامی سوره‌های قرآن، مثلا سوره بقره که دومین سوره‌ی قرآن است به این نام نامگذاری شده زیرا در این سوره درباره‌ی بنی‌اسرائیل و جریانات آنها و به ویژه داستان قربانی کردن یک گاو آمده است. و این سوره به نام بقره یعنی گاو ماده نامگذاری شده، در حالیکه موضوعات متنوع فراوانی در این سوره که بلندترین سوره‌ی قرآن نیز می‌باشد وجود دارد.
این دعا را امام (ع) اینگونه آغاز می‌فرمایند:
اللهم انی اخلصت بانقطاعی الیک، و اقبلت بکلی علیک، خدایا من خود را خالص (برای اطاعتت) کردم که از همه‌ی خلق منقطع و بریده شده و تنها به درگاه حضرتت روی آوردم، و از تمام خلائق که همه (در وجود و بقای خود) محتاج یاری و بخشش تو هستند به کلی روی گردانیدم
[صفحه 133]
(و با تمام وجود به تو روی آوردم).
«انقطاع الی الله» اوج قله‌ی عرفان است. و امام سجاد (ع) که الگو و اسوه‌ی عرفان حقیقی است، با آموزش توحید افعالی به ما می‌آموزد که غیر خدا هیچ کس نیست که بتواند خواسته و حاجت انسان را برآورده کند. زیرا غیر از ذات مقدس الهی همه‌ی موجودات محتاج و فقیر هستند و تنها خداست که بی‌نیاز مطلق و غنی است.
امام (ع) در این باره می‌فرماید: فکم قد رایت- یا الهی- من اناس طلبوا العز بغیرک فذلوا، و راموا الثروه من سواک فافتقروا، پس چه بسیار از مردم را دیدم- ای خدای من- که عزت و بزرگی را از غیر تو طلبیدند و خوار و ذلیل شدند، و از غیر تو دارائی خواستند و بی‌چیز و فقیر شدند. و در ادامه می‌فرماید:
و حاولوا الارتفاع فاتضعوا، و قصد بلندی کردند و پست گردیدند.
از پیامبر (ص) روایت شده که خداوند عزوجل فرمود: هر مخلوقی که به مخلوق پناه ببرد نه به من، وسایل آسمانها و زمین نزد او (برای او) قطع می‌شود، پس اگر مرا بخواند اجابتش ننمایم، و اگر از من بخواهد به او

ندهم. و هر مخلوقی که به من پناه برد و نه به خلق من، آسمانها و زمین، روزی او را ضمانت می‌کنند، پس اگر از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر مرا بخواند اجابتش می‌نمایم، و اگر آمرزش طلب کند او را می‌آمرزم.
سپس در فراز آخر دعا با ذکر پاره‌ای از صفات خداوند مانند: احد و صمد به توصیف ذات مقدس الهی پرداخته و درسهایی از توحید را بیان می‌کند.
[صفحه 134]

هنگامی که روزی بر آن حضرت تنگ می‌شد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا قتر علیه الرزق، از دعاهای امام (ع) هنگامی که روزی بر آن حضرت تنگ می‌شد.
محتوای دعا
علی (ع) فرموده: خداوند بنده را گرفتار می‌نماید و دوست دارد تضرع و زاریش را بشنود. پیش از این نیز توضیح داده شد که، برای مومن آسایش و گرفتاری، رزق کم و یا زیاد، سلامتی و یا بیماری، ثروت و فقر، هر دو نعمت است. زیرا او تربیت‌یافته‌ی مکتب پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) است. هنگام آسایش و رفاه و سلامتی و ثروت، در راه خدا تلاش می‌کند و امکانات خود را در جهت رضای الهی و حاکمیت دین خدا صرف می‌کند و شکر عملی به جا می‌آورد، در نتیجه در دنیا و آخرت سعادتمند می‌شود. و در هنگام مشکلات و گرفتاری یا بیماری و فقر، صبر و شکیبایی پیش می‌گیرد و ضمن تلاش در جهت رفع نارسائیها و مشکلات، همواره بر محور قوانین و فرامین خداوند حرکت می‌کند، در نتیجه به سعادت دنیا و آخرت دست می‌یابد.
از پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: پروردگارم به من نمایاند که مسیل وسیع مکه را برایم طلا کند (مسیل محل عبور آب سیل است)،
[صفحه 135]
گفتم: پروردگارا نمی‌خواهم. بلکه می‌خواهم روزی سیر باشم و روزی گرسنه، زیرا چون گرسنه باشم به سوی تو تضرع و زاری نموده و تو را یاد می‌نمایم، و چون سیر باشم سپاس تو را به جا می‌آورم.
امام سجاد (ع) دعای بیست و نهم را اینگونه آغاز می‌نماید:
اللهم انک ابتلینا فی ارزاقنا بسوء الظن، و فی آجالنا بطول الامل حتی التمسنا ارزاقک من عند المرزوقین، و طمعنا بامالنا فی اعمار المعمرین، خدایا تو ما را در روزیهایمان به بدگمانی و در مدت عمرمان به آرزوی دراز آزمایش نمودی، تا اینکه روزی های تو را از روزی خواران طلب کردیم، و به سبب آرزوهایمان در عمرهای آنان که عمر دراز نمودند طمع نمودیم (یعنی به آرزوهای دراز طمع کردیم که همچون آنها عمر نمائیم و این باعث شد که در دنیا فقط در طلب روزی و گردآوردن آن کوشش نمائیم).
امام (ع) در این فراز از دعا دو عامل انحراف انسان از راه حق را برمی‌شمرد که عبارتند از: 1- سوءظن به خدا 2- درازی آرزوها
سوءظن به خدا به این معنا است که انسان امید و باور نداشته باشد که رزق و روزی از جانب خداست، در نتیجه گرفتار بیماری یاس و ناامیدی از

رحمت خدای رحمان شده و رو به کسانی بیاورد که خودشان مخلوق و محتاج و فقیر هستند.
و درازی آرزو یا طول امل، انسان را از پرداختن به یک زندگی مبتنی بر واقعیت و حقیقت بازداشته و همواره انسان را بر بالهای خیال در آسمان اوهام و عدم واقعیت به این طرف و آن طرف می‌کشاند. و عمر طولانی پاره‌ای از انسانها، این باور خیالی را در او
[صفحه 136]
تقویت می‌کند که او نیز عمری طولانی خواهد داشت. لذا شروع به مال اندوزی و گردآوردن امکانات مالی از هر طریق ممکن می‌کند. در حالیکه انسان باید یقین داشته باشد خداوند روزی او را می‌رساند و در سایه تلاش و کوشش آن را کسب کند و اینکه همیشه آماده‌ی مرگ باشد، یعنی طوری زندگی کند که در هر لحظه اگر مرگ به سراغ او آمد، از هر جهت آماده باشد. حق کسی بر گردنش نباشد، دستورات خدا را انجام داده باشد، خودش و اموال و اعمالش را محاسبه و حسابرسی کرده باشد، پیش از آنکه مامورین الهی حساب او را رسیدگی کنند.
آنگاه امام (ع) به ما می‌آموزد که جهت گرفتار نشدن به سوءظن و طول آرزوها، از خداوند بخواهیم که به ما «یقین صادق» و «اطمینان خالص» بدهد.
1- هب لنا یقینا صادقا، ما را یقین و باور صادق عطا کن.
2- و الهمنا ثقه خالصه، و اطمینان خالص و پاک در دل ما بیفکن.
و در فراز آخر دعا با آوردن آیات 22 و 23 از سوره ذاریات به ما اطمینان می‌دهد که رزق و روزی انسان از خداست. زیرا قرآن در این باره می‌فرماید: و فی السماء رزقکم و ما توعدون، فو رب السماء و الارض انه لحق مثل ما انکم تنطقون.
و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می‌شوید (بهشت، دوزخ، پاداش و کیفر) در آسمان است، پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند که هرآینه آن حق و درست است مانند آنکه شما سخن می‌گوئید (یعنی چنانکه شک ندارید که سخن می‌گوئید باید شک
[صفحه 137]
نداشته باشید در اینکه روزی شما در آسمان است).
در حقیقت می‌فرماید رزق و روزی شما به اراده و خواست خداست، و از او باید درخواست رزق و روزی نمود.
[صفحه 138]

در کمک خواستن از خداوند برای پرداخت بدهکاری و وام مردم

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی المعونه علی قضاء الدین، از دعاهای آن حضرت در کمک خواستن (از خداوند) برای پرداخت بدهکاری و وام مردم است.
محتوای دعا
انسانها در روابط اجتماعی که دارند، گاهی اوقات به دلایلی نیازمند می‌شوند. و لذا از یکدیگر کمک می‌گیرند. در مورد قرض دادن به دیگران در قرآن و روایات بسیار سفارش شده است. اما کسی که پولی از کسی قرض می‌گیرد باید در موعد مقرر طبق وعده آن را به صاحبش پرداخت نماید. پرداخت به موقع قرض، دیگران را نیز به انجام این عمل خداپسندانه تشویق می‌کند و این سنت الهی که باعث تقویت و دوام روابط اجتماعی است گسترش می‌یابد. اما پرداخت نکردن قرض و خلف وعده کردن، مانع گسترش سنت قرض دادن می‌شود و طبیعتا اثرات بدی بر روابط اجتماعی خواهد گذاشت. لذا امام (ع) به ما می‌آموزد که برای ادای قرض خود از خداوند درخواست کمک کنیم.
در آغاز دعا، امام (ع) پس از درود فرستادن بر رسول خدا (ص) و آل او (ع) می‌فرماید: و هب لی العافیه من دین تخلق به وجهی، و یحار فیه ذهنی، و یتشعب له فکری، و یطول بممارسته شغلی، و مرا برهان از وامی که
[صفحه 139]
به سبب آن آبرویم را ببری، و هوشم در آن پریشان شود، و اندیشه‌ام به آن پراکنده گردد و کارم در چاره‌ی آن طول بکشد.
سپس در فراز دیگر دعا از اندوه قرض و فکر کردن به آن (که زندگی انسان را از مسیر تعادل خارج می‌کند) به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید: و اعوذ بک یا رب من هم الدین و فکره، و شغل الدین و سهره، و به تو پناه می‌برم ای پروردگار، از اندوه قرض و اندیشه‌ی آن و از کار وام و بی‌خوابیش.
آنگاه به ریشه‌ی گرفتن وام و احتیاج پیدا کردن به دیگران (در پاره‌ای موارد) اشاره می‌فرماید و در قالب دعا راه حل اینکه انسان محتاج دیگران نشود و قرض نگیرد را به او می‌آموزد. و با توجه به اینکه ریشه محتاج شدن به دیگران می‌تواند اسراف و تبذیر باشد می‌فرماید: و احجبنی عن السرف و الازدیاد، و مرا از اسراف و زیاده‌روی در صرف مال بازدار. و اقبضنی بلطفک عن التبذیر، و مرا به لطف خود از بیجا خرج کردن بازدار.

و سپس راه حل هایی را بیان می‌فرماید که عبارتند از:
1- میانه‌روی و اقتصاد، و قومنی بالبذل و الاقتصاد، و مرا به بخشیدن و میانه‌روی (در زندگی) مستقیم گردان.
2- به کار بردن روش نیکو در معیشت، و علمنی حسن التقدیر، و روش نیکو در معیشت و زندگی (صرف مال به اندازه توانایی) را به من بیاموز.
3- روزی حلال، و اجر من اسباب الحلال ارزاقی، و روزیهای مرا از وسایل حلال روان گردان.
[صفحه 140]
4- انفاق در راه خدا، و وجه فی ابواب البر انفاقی، و انفاق و خرج‌کردنم را در راههای خیر و نیکی متوجه گردان.
امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: علامت و نشانه مومن سه چیز است:
1- حسن تقدیر و نیک اندازه گرفتن در معیشت 2- شکیبایی بر مصیبت و سختی 3- آموختن احکام دین.
آنگاه امام سجاد (ع) توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که، اگر ثروت و مال و امکانات دنیایی برای ما فراهم نبود، بدانیم که خداوند به فقرا و تنگ دستان عنایت داشته و اگر بر آن صبر و شکیبایی نمایند تا در سایه‌ی گشایش خدا و تلاش خودشان به وضع بهتری برسند مورد رضای خدا خواهند بود.
ولی چه بسیار افرادی که خود را به آب و آتش می‌زنند تا زندگی دنیوی خود را از هر راهی که شده سر و سامان ببخشند و چه بسا که آلوده به معصیت شده و سعادت دنیوی و اخروی خود را از دست می‌دهند، در صورتی که آنچه در پیشگاه خداوند دارای ارزش بوده، تقوا و پرهیزکاری، و اطاعت از دستورات خداوند می‌باشد. مهم این است که انسان مورد رضای خدا واقع شود، می‌خواهد در وضعیت فقر باشد یا بی‌نیاز. لذا امام (ع) برای نشان دادن موقعیت فقرا در پیشگاه خداوند درخواست می‌کند که همنشینی با فقرا را محبوب او گرداند:
اللهم حبب الی صحبه الفقراء، و اعنی علی صحبتهم بحسن الصبر، خدایا همنشینی با فقرا را برایم محبوب گردان و مرا به صبر و شکیبایی نیکو بر همنشینی با ایشان یاری فرما.
[صفحه 141]
البته برنامه‌های اقتصادی اسلام همواره در جهت فقر زدایی از جامعه است. اما به هر حال عوامل مختلفی ممکن است باعث شود برای مدتی هر چند محدود انسان در فقر و تنگدستی قرار گیرد. در این شرایط بهترین شیوه‌ی مقابله با آن، صبر و شکیبایی و قناعت و راضی بودن به رضای الهی است.
پیروی از دستورات خدا و پیامبر اکرم (ص) و رهنمودهای ائمه‌ی معصومین

(ع) به انسان این توان را می‌دهد تا علاوه بر برنامه‌ریزی مناسب معیشتی، از رشد و کمال معنوی غافل نشده و اسیر ظواهر فریبنده نشود و تعادل نسبی را در زندگی خود و خانواده حفظ کند، و در نهایت یقین داشته باشد که اگر در آن شرایط سخت، صبر و شکیبایی بورزد و از خدا اطاعت کرده و به لطف و بخشش او امیدوار باشد مورد رضای او قرار خواهد گرفت. و گشایشی خواهد یافت و این بالاترین سعادت است.
و در فراز دیگر می‌فرماید:
و ازوعنی من المال ما یحدث لی مخیله او تادیا الی بغی او ما اتعقب منه طغیانا، و آن دارایی را که برای من گردنکشی و خودبینی آورد و یا مرا به ظلم و ستم کردن بکشاند، یا در پی آن گرفتار طغیان و سرکشی گردم از من بگیر.
در نتیجه فقر و تنگدستی که با صبر و تقوا و ایمان و اعتماد به خدا باشد، بسیار بهتر است از آن ثروتی که انسان را به خودبینی و ستم و سرکشی و طغیان دچار کند. اولی سعادت و دومی شقاوت و بدبختی را در پی خواهد داشت.
[صفحه 142]
آنگاه اشاره می‌فرماید که «داشتن» به تنهایی ارزش نیست. بلکه اگر ثروت و مال در راه خدا باشد ارزش پیدا می‌کند. و در این باره می‌فرماید:
و ما زویت عنی من متاع الدنیا الفانیه فاذخره لی فی خزائنک الباقیه، و آنچه از کالای دنیای نابودشدنی از من گرفتی پس (عوض و بجای) آن را در گنجینه خود (در آخرت) که همیشگی است برایم اندوخته نما.
[صفحه 143]

در بیان توبه و بازگشت به سوی خدا

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی ذکر التوبه و طلبها، از دعاهای امام (ع) در بیان توبه و بازگشت به سوی خداست.
محتوای دعا
پیش از این نیز در بعضی دعاهای گذشته، امام (ع) به مساله‌ی «توبه» اشاره کرده و شیوه درخواست توفیق بازگشت و توبه را بیان داشتند.
در این دعا امام (ع) ابتدا به مدح و ثنای الهی پرداخته و به موضوعاتی درباره‌ی خداوند خالق هستی اشاره می‌فرماید که عبارتند از:
1- همه انسانها از بیان وصف او عاجزند.
2- او امید همه‌ی امیدواران است.
3- او پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد.
4- او منتهای ترس عبادت کنندگان است.
5- او منتهای بیم پرهیزکاران است.
و سپس در فراز دیگری از دعا به ما می‌آموزد که این درخواستها را از خداوند داشته باشیم:
1- و القنی بمغفرتک، و به آمرزش خود به من رو آور.
2- و ارفعنی عن مصارع الذنوب، و مرا از لغزشگاههای گناه حفظ فرما.
[صفحه 144]
3- و استرنی بسترک، و مرا در پرده‌ی (رحمت) خود بپوشان (بیامرز).
4- و ثبت فی طاعتک نیتی، و نیت مرا در فرمانبری و اطاعتت پابرجا گردان.
5- و احکم فی عبادتک بصیرتی، و بینایی و بصیرتم را در بندگیت استوار فرما.
6- و وفقنی من الاعمال لما تغسل به دنس الخطایا عنی، و مرا توفیق ده به کارهایی که به وسیله‌ی آن چرکی (آثار) گناهان را از من بشویی.
7- و توفنی علی ملتک و مله نبیک محمد علیه‌السلام اذ توفیتنی، و هنگام مرگ مرا بر دین خود و آئین پیامبرت محمد (ص) بمیران.
آنگاه به تشریح توبه که «ندامت و پشیمانی» از «شرک و معصیت و گناه» است پرداخته می‌فرماید:
اللهم ان یکن الندم توبه الیک فانا اندم النادمین، و ان یکن الترک لمعصیتک انابه فانا اول المنیبین.
خدایا اگر پشیمانی به سوی تو، توبه است، پس من پشیمان‌ترین پشیمانهایم، و اگر بجا نیاوردن گناه، توبه و بازگشت (به سوی تو) است

پس من نخستین توبه کنندگانم.
در مجموع این دعا از بخشهای زیر تشکیل می‌شود:
1- مدح و ستایش ذات مقدس الهی.
2- تشریح و بیان ضعف و ناتوانی و عرض تقصیر و گناه بندگان به پیشگاه خداوند.
3- اقرار به گناه و معصیت در پیشگاه خداوند.
[صفحه 145]
4- بیان موقعیت توبه و توبه کنندگان و حالات تائب (توبه کننده).
5- امید به بخشش الهی و حسن‌ظن به خداوند.
6- درخواست بخشش و توفیق توبه و محو گناهان.
7- درخواست حرکت بر اساس تعالیم و دستورات خداوند و رسیدن به سعادت ابدی.
[صفحه 146]

پس از به جا آوردن نماز شب در اعتراف به گناهان

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام بعد الفراغ من صلوه اللیل لنفسه فی الاعتراف بالذنب، از دعاهای امام (ع) است پس از به جا آوردن نماز شب در اعتراف به گناهان (به ما می‌آموزد که در آن هنگام چگونه به گناهان اعتراف کنیم).
محتوای دعا
امام (ع) در ابتدای دعا به مدح و ثنای خداوند و توصیف او می‌پردازد و درسهایی را در زمینه‌ی توحید و خداشناسی بیان می‌کند. و به نکاتی اشاره می‌فرماید که عبارتند از:
1- ملک و اقتدار الهی جاویدان و ازلی است.
2- خداوند جل جلاله قائم به ذات خویش است و در اداره‌ی جهان کسی با او شریک نیست.
3- عزت و عظمت و بزرگی از آن خداست.
4- اندیشه‌ها در توصیف خدا حیران و سرگردان مانده است.
امام سجاد (ع) در بخشی از این دعا می‌فرماید:
فهذا مقام العائذبک، پس این جای من، جای پناه آورنده به تو است. و هذا مقام من استحیا لنفسه منک، و این (جای من) جای کسی است که درباره‌ی نفس خویش از تو شرمنده گشته (انسان باید حال لازم برای دعا را پیدا کند و مقام و جایگاهش حقیقتا جایگاه نیایش کننده باشد).
[صفحه 147]
سپس به ما می‌آموزد که در آن زمان، که هنگام استجابت دعاست، چه چیزهایی را از خداوند درخواست کنیم:
1- آسان به دست آوردن روزی و رزق، و سهل علی رزقی، و روزیم را بر من آسان گردان.
2- قناعت داشتن، و ان تقنعنی بتقدیرک لی، و مرا به اندازه‌ای که برایم تعیین فرموده‌ای قانع و خشنود نمایی.
3- راضی بودن به قسمت، و ان ترضینی بحصتی فیما قسمت لی، و به بهره‌ام در آنچه (روزی) من گردانیده‌ای خوشنودم فرمایی.
4- جسم و جان را در راه اطاعت خدا قرار دادن، و ان تجعل ما ذهب من جسمی و عمری فی سبیل طاعتک، و آنچه از تن و عمرم به کار رفته در راه اطاعت و فرمان بُرداریت قرار دهی. آنگاه در فراز دیگر دعا به توصیف عذاب الهی پرداخته و به ما می‌آموزد که از عذاب خدا به خدا پناه ببریم و درباره‌ی آتش دوزخ نکاتی را بیان می‌فرماید که عبارتند از:

1- و من نار نورها ظلمه، آتشی که نور آن تاریکی است.
2- و من نار یاکل بعضها بعض، و آتشی که پاره‌ای از آن پاره‌ی دیگر را می‌خورد.
3- و یصول بعضها علی بعض، و برخی از آن بر برخی حمله و یورش می‌آورد.
4- و من نار تذر العظام رمیما، و آتشی که استخوانها را می‌پوساند.
5- و تسقی اهلها حمیما، و به ساکنین خود آب جوش می‌دهد که بیاشامند.
[صفحه 148]
6- و من نار لا تبقی علی من تضرع الیها، و از آتشی که به هر کس که به سوی او زاری کند مهربانی نمی‌نماید.
7- و لا ترحم من استعطفها، و به کسی که از او مهربانی طلبد رحم نمی‌کند.
8- تلقی سکانها باحر ما لدیها من الیم النکال و شدید الوبال، ساکنین خود را با گرمترین عذاب و کیفر دردناک و گرفتاری سخت ملاقات می‌کند.
9- و اعوذ بک من عقاربها الفاغره افواهها، و به تو پناه می‌برم از عقربهای او (جهنم) که دهانهاشان گشوده است.
10- و حیاتها الصالقه بانیابها، و از مارهای آن که با نیشهاشان می‌زنند.
11- و شرابها الذی یقطع امعاء و افئده سکانها، و از نوشیدنی آن (جهنم)، که روده‌ها و دلهای ساکنینش را پاره می‌نماید.
12- و ینزع قلوبهم، و دلهای آنها را می‌کند.
چنانکه ملاحظه می‌کنیم، آتش قیامت، آتش ویژه‌ای است که نه تنها بدنها و جسمهای بدکاران را می‌سوزاند که بر دلهای آنها نیز نفوذ کرده و آن را هم می‌سوزاند و جسم و روح و ظاهر و باطن را می‌سوزاند.
[صفحه 149]

در استخاره و درخواست خیر و نیکی از خداوند

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الاستخاره، از دعاهای امام (ع) در استخاره و درخواست خیر و نیکی از خداوند است.
«استخاره» به معنی طلب خیر و نیکی از خداوند است. و درباره‌ی انجام آن روایات متعددی وجود دارد. و به شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد. مثل استخاره با قرآن مجید و استخاره با تسبیح و نیز به وسیله‌ی نوشتن کلماتی بر کاغذ در زمینه انجام و عدم انجام کاری و برداشتن یکی از آنها، و پیش از استخاره نیز، جهت آمادگی، خواندن نمازها و دعاهایی سفارش شده است. و اینکه در مورد چه اموری می‌شود استخاره کرد در اموری که انجام آن روا باشد می‌شود استخاره کرد. و در مورد واجبات و محرمات استخاره جایز نیست. مثلا کسی استخاره کند که نماز واجب را بخواند یا نه و یا اینکه استخاره کند، که روزه واجب خود را باطل کند، که در این امور استخاره صحیح نیست.
«استخاره» از نظر روانی به انسان آرامش می‌دهد، معمولا اگر انسان در مورد کاری دچار سرگردانی شود و سپس آن را انجام بدهد بعد از انجام آن یا در حین انجام، همواره دلهره دارد که نکند اشتباه کرده باشد، و با خود می‌گوید اگر انجام داده بودم بهتر بود. ولی وقتی به نوعی با خدا مشورت کند و از طریق استخاره، خیر و نیکی را از خداوند درخواست نماید، استخاره هر نتیجه‌ای که داشته باشد،
[صفحه 150]
انسان آرامش پیدا می‌کند، زیرا اگر پاسخ منفی باشد، انسان می‌پذیرد و می‌گوید خواست خدا بوده و اگر پاسخ مثبت باشد با دلگرمی و اطمینان آنرا انجام می‌دهد و مطمئن است نتیجه هر چه باشد خیر و خوبی است، لذا استخاره انسان را از تشویش و نگرانی بیرون می‌آورد و در دودلی و شک در امور، راهگشای او خواهد بود.
امام سجاد (ع) در دعای استخاره می‌فرماید:
اللهم انی استخیرک بعلمک، فصل علی محمد و آله، و اقض لی بالخیره، خدایا من به دانایی و علمت (به خیر و شر) از تو خیر و نیکی درخواست می‌نمایم، پس بر محمد و آل او درود فرست و خیر و نیکی را برایم مقدر فرما.
آنگاه به پاره‌ای از فوائد استخاره در قالب دعا اشاره می‌فرماید که عبارتند از:
1- الهام خیر و نیکی به انسان، و الهمنا معرفه الاختیار، و شناسایی اختیار

را به ما الهام کن.
2- شناخت آنچه خوشنودی خدا در آن است، و اجعل ذلک ذریعه الی الرضا بما قضیت لنا، و آن را وسیله‌ی خوشنودی به آنچه برای ما مقدر کرده‌ای قرار ده.
3- دوری از شک و دودلی، فازح عنا ریب الارتیاب، شک و دودلی را از ما دور کن.
سپس در فراز آخر دعا از خداوند درخواست حسن عاقبت کرده می‌فرماید: و اختم لنا بالتی هی احمد عاقبه، و اکرم مصیرا، و کار ما را به راهی که پایانش پسندیده‌تر و بازگشتش گرامی‌تر است به پایان برسان.
[صفحه 151]

هنگامی که گرفتار می‌شد یا شخص گرفتار شده به گناهی را می‌دید

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا ابتلی او رای مبتلی بفضیحه بذنب، از دعاهای امام (ع) است هنگامی که گرفتار می‌شد یا شخص گرفتار شده به گناهی را می‌دید.
محتوای دعا
دعا اینگونه آغاز می‌شود: اللهم لک الحمد علی سترک بعد علمک، و معافاتک بعد خبرک، خدایا تو را سپاس بر پوشاندنت (گناهان را) پس از علمت، و بر عافیت بخشیدنت (از گرفتاریها) پس از آگاهیت.
سپس به لطف خداوند در پوشاندن گناهان اشاره فرموده و به ما می‌آموزد که بر این نعمت بزرگ خداوند را شکرگزار باشیم.
امام (ع) در فراز دیگر دعا به ما می‌آموزد که درخواستهایی را از خداوند داشته باشیم، که عبارتند از:
1- فاجعل ما سترت من العوره، و اخفیت من الدخیله، و اعظا لنا، خدایا آنچه از عیبهای ما که مستور کردی و نواقصی که مخفی نمودی آن را واعظ ما قرار بده.
2- و قرب الوقت فیه، و زمان سعی و کوشش برای توبه را نزدیک گردان.
3- و لا تسمنا الغفله عنک، و ما را از یاد خود به دست غفلت مسپار (ما را به خودمان وامگذار تا به امور دنیوی پرداخته و از یاد تو و
[صفحه 152]
شوق دیدار تو غافل شویم).
و در فراز آخر دعا بر محمد (ص) و عترت پاکش درود فرستاده و به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم ما را مطیع و فرمانبردار آنان (چنانکه خداوند فرموده) قرار دهد.
و اجعلنا لهم سامعین و مطیعین کما امرت، و چنانکه امر فرمودی ما را در برابر آنان، شنوندگان (سخنانشان) و فرمانبردار (دستوراتشان) گردان.
[صفحه 153]

در رضا و خشنودی به آنچه داشت هنگامی که به دنیاداران و ثروتمندان نگاه می‌کرد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الرضا اذا نظر الی اصحاب الدنیا، از دعاهای امام (ع) در رضا و خشنودی (به آنچه داشت) هنگامی که به دنیاداران (ثروتمندان) نگاه می‌کرد.
محتوای دعا
امام (ع) در ابتدای دعا در مورد خشنودی از خدا و تقسیم معیشت میان انسانها می‌فرماید:
الحمد لله رضی بحکم الله، شهدت ان الله قسم معایش عباده بالعدل و اخذ علی جمیع خلقه بالفضل، ستایش خدای را که به حکم (قضا و قدرش) راضی و خشنودم و گواهی می‌دهم که خداوند نصیب و رزق خلق را از هر جهت به عدل تقسیم فرموده و (به جود و کرم ذاتی) بر همه‌ی خلق خود به فضل و احسان رفتار نموده.
راضی بودن به مشیت و خواست خدا، به انسان آرامش روحی و روانی می‌دهد، و زمینه را برای رشد و کمال و تلاش و کوشش او فراهم می‌کند. زیرا اگر انسان به تقسیم عادلانه خداوند راضی باشد، در روابط انسانی دچار بیماری حسد نمی‌شود. و به جای حسادت، تلاش می‌کند تا به مواهب و بخششهای الهی دست پیدا کند. چنین انسانی می‌داند و یقین دارد که همه‌ی هستی متعلق به خداست و خزائن الهی تمام‌شدنی نیست، و همانطور که به دیگری موهبتی را بخشیده
[صفحه 154]
و یا کسی به ظاهر دارای امکانات مادی و دنیوی بیشتری است به او هم می‌تواند عطا کند. لذا به جای حسادت به دعا و تلاش برای کسب نعمتهای خداوند می‌پردازد.
خداوند در سوره زخرف آیه 32 در این باره می‌فرماید: ... نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوه الدنیا... ما معیشت ایشان را در زندگانی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم.
امام (ع) در قالب دعا به ما می‌آموزد که با تفاوتهای مختلف میان انسانها به ویژه در تفاوتهای موجود از نظر زندگی مادی و دنیوی چگونه برخورد کنیم. و در این باره اینگونه از خداوند درخواست می‌کند:
1- و لا تفتنی بما اعطیتهم، خدایا مرا به آنچه به ایشان (ثروتمندان) داده‌ای مفتون و پریشان مکن (که گرفتار حسد... شوم).
2- و لا تفتنهم بما منعتنی، و آنان را بر اثر آنچه (دارایی) که از من بازداشته‌ای گرفتار مکن (که دچار غرور و تکبر به واسطه‌ی داشتن مال و

ثروت شوند).
امام سجاد (ع) برای هر دو طرف دعا می‌کند، برای فقیر که نکند فقر او را به گناه و بیماریهای مختلف دچار کند و از راه کمال باز بماند و برای ثروتمند که نکند مغرور شود و به وظائف الهی خود نسبت به فقرا عمل نکند و به واسطه‌ی ثروت از کمال باز بماند.
3- و طیب بقضائک نفسی، و مرا به قضا و قدر خود دلخوش گردان.
4- و وسع بمواقع حکمک صدری، و سینه‌ام را در چیزهایی که مقدر نموده‌ای فراخ گردان (مرا از آنها شاد و خشنود فرما)
4- و هب لی الثقه...، و اعتماد و تکیه‌گاهی به من ببخش تا با آن
[صفحه 155]
اقرار کنم که قضا و قدر تو جز به نیکی روان نمی‌گردد.
5- و اجعل شکری لک...، و شکر و سپاس مرا برای خود بر آنچه از من منع کرده‌ای بیشتر کن از آنچه به من عطا فرموده‌ای.
6- و اعصمنی من ان اظن بذی عدم خساسه، و مرا نگهدار از اینکه گمان کنم فقیران خوار و ذلیل هستند. او اظن بصاحب ثروه فضلا، یا گمان کنم که ثروتمندان صاحب فضیلت هستند (به خاطر ثروت و دارایی آنها). آنگاه امام (ع) معیار شریف و عزیز بودن را اینگونه بیان می‌فرمایند:
فان الشریف من شرفته طاعتک، و العزیز من اعزته عبادتک، پس به درستی که شریف کسی است که اطاعت از تو به او شرافت داده و کسی است که به عبادت تو عزت یافته است.
به عبارت دیگر معیار شرافت دو چیز است: 1- اطاعت از خدا 2- بندگی و عبادت خدا.
7- و متعنا بثروه لا تنفد، و به ما ثروتی ببخش که فانی نمی‌شود.
8- و ایدنا بعز لا یفقد، و به ما عزتی عطا کن که از دست نمی‌رود.
9- و اسرحنا فی ملک الابد، و به ما در ملک ابدی خود (عالم بقا) نعمت و عزت کامل عطا فرما.
ثروت و عزت حقیقی، دارایی و ثروت و مقام انسان در پیشگاه خداوند و در زندگی ابدی آن جهان است. عزیز واقعی کسی است که آنجا عزیز باشد و ثروتمند واقعی کسی است که در آن جهان از نعمتهای ابدی استفاده کند. زیرا ثروت و دارایی و مقام دنیوی زودگذر و تمام‌شدنی است.
[صفحه 156]

هنگامی که به ابر و برق آسمان نگاه می‌کرد، و غرش رعد را می‌شنید

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا نظر الی السحاب و البرق و سمع صوت الرعد. از دعاهای امام (ع) است هنگامی که به ابر و برق آسمان نگاه می‌کرد، و غرش رعد را می‌شنید.
محتوای دعا
پدیده‌های طبیعی، نشانه‌های عظمت خداوند هستند و قرآن مجید همواره انسانها را به دقت و توجه به آنها دعوت می‌کند. و تفکر و اندیشه کردن در آسمانها و زمین را سفارش می‌کند. امام (ع) در این دعا توجه به دو پدیده‌ی الهی را به ما می‌آموزد. دو پدیده که معمولا نوید رشد و نمو و خرمی و آبادانی برای انسانها هستند. و گاهی (بر اثر بی‌توجهی انسانها) خرابی و نابودی به دنبال دارد.
در این باره می‌فرماید:
اللهم ان هذین آیتان من آیاتک، و هذین عونان من اعوانک، یبتدران طاعتک برحمه نافعه او نقمه ضاره، بار خدایا این برق و رعد دو نشانه از نشانه‌های تو و دو خدمتگزار تو هستند که در فرمانبری از تو به رساندن رحمت سود دهنده یا عذاب زیانبار می‌شتابند.
آنگاه در رابطه با باران و تاثیرات آن درخواست هایی را از خداوند می‌نماید که عبارتند از:
1- فلا تمطرنا بهما مطر السوء، به سبب آن دو (رعد و برق) باران
[صفحه 157]
زیانبار بر ما مباران.
2- و لا تلبسنا بهما لباس البلاء، و رخت بلا و گرفتاری بر ما مپوشان (ما را به تنگی در زندگی گرفتار مکن).
3- و انزل علینا نفع هذه السحائب و برکتها، و سود این ابرها و برکت آنها را بر ما فرو فرست.
4- و لا ترسل علی معایشنا عاهه، و به آنچه زندگانی ما به آنها وابسته است آفتی مفرست.
5- الهم اذهب محل بلادنا بسقیاک، خدایا خشکی (زمینهای) شهرهای ما را به آب دادن (باران فرستادن) خود زایل گردان.
سپس به پاره‌ای از تاثیرات روحی و روانی باران و تامین رزق و روزی اشاره کرده می‌فرماید:
1- و اخرج وحر صدورنا برزقک، و اندیشه‌ی بد دلهایمان را با روزی دادن خود بیرون نما.

2- و لا تشغلنا عنک بغیرک، و ما را از غیر خودت به دیگری مشغول و سرگرم مکن.
مهیا نبودن اسباب رزق و روزی انسان و تشویش و نگرانی جهت تامین مایحتاج، فکر انسان را به خود مشغول می‌دارد و امام چهارم علیه‌السلام به ما می‌آموزد تا از خداوند بخواهیم تشویش و نگرانی تامین معیشت را از ما دور گرداند.
[صفحه 158]

هنگامی که به عجز و ناتوانی از به جا آوردن شکر و سپاس نعمتهای خدا اقرار می‌نمود

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا اعترف بالتقصیر عن تادیه الشکر، از دعاهای امام (ع) است هنگامی که به عجز و ناتوانی از به جا آوردن شکر و سپاس (نعمتهای) خدا اقرار می‌نمود.
محتوای دعا
امام (ع) در ابتدا درباره‌ی ناتوانی انسان از به جا آوردن شکر می‌فرماید:
اللهم ان احدا لا یبلغ من شکرک غایه الا حصل علیه من احسانک ما یلزمه شکرا، ای خدای بزرگ هیچ کس قادر نیست شکر و سپاست را به حد کمال به جا آورد چرا که بر هر شکری که کند آن شکر هم نعمت و احسان توست و شکری دیگر بر او لازم آید.
سپس می‌فرماید: فاشکر عبادک عاجز عن شکرک، و اعبدهم مقصر عن طاعتک، (پس ای خدای بزرگ) شکرگزار ترین بندگانت و از ادای حق شکر تو عاجز و عابدترین بندگانت در اطاعت و بندگی تو ناتوان است.
آنگاه با اشاره به اینکه هیچ کس خود استحقاق بخشش و مغفرت الهی را ندارد و اگر خداوند کسی را مشمول بخشش و غفران خود قرار می‌دهد از فضل و لطف اوست می‌فرماید:
لا یجب لاحد ان تغفر له باستحقاقه، و لا ان ترضی عنه باستیجابه، فمن
[صفحه 159]
غفرت له فبطولک، و من رضیت عنه فبفضلک، بر تو واجب نیست که شخصی را به سبب شایستگیش بیامرزی، و (واجب نیست) نه به سبب سزاواریش از او راضی و خشنود گردی، پس هر که را بیامرزی، از انعام و بخشش توست و از هر که راضی شوی از احسان توست.
و سپس به لطف و بخشش خداوند اشاره کرده می‌فرماید:
و اعددت ثوابهم قبل ان یفیضوا فی طاعتک، و ذلک ان سنتک الافضال، و عادتک الاحسان، و سبیلک العفو، و پاداششان را آماده نموده‌ای پیش از آنکه به فرمانبری و اطاعت از تو درآیند، و این برای آن است که طریقه‌ی تو انعام، و روش تو احسان و نیکی، و راه تو عفو و گذشت است.
و در فراز آخر دعا می‌فرماید:
فمن اکرم- یا الهی- منک، و من اشقی ممن هلک علیک؟ لا! من؟ کیست کریم و بزرگوارتر از تو- ای خدای من- و کیست که بدبخت‌تر باشد از کسی که برخلاف رضای تو تباه گردد؟ نه! کیست؟ زیرا تو بزرگوارتر هستی از اینکه جز به احسان و نیکی وصف شوی.
[صفحه 160]

در عذرخواهی از داد خواهی‌های مردم بر اثر ستمی که به آنها رسیده است و از کوتاهی در ادای حقوق بندگان و طلب رهایی از عذاب آتش می‌باشد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الاعتذار من تبعات العباد و من التقصیر فی حقوقهم و فی فکاک رقبته من النار، از دعاهای امام (ع) در عذرخواهی از دادخواهی‌های مردم بر اثر ستمی که به آنها رسیده است و از کوتاهی در ادای حقوق بندگان و طلب رهایی از عذاب آتش می‌باشد.
محتوای دعا
امام (ع) در قالب دعا پاره‌ای از حقوق مومنین نسبت به یکدیگر را بیان می‌فرماید: اللهم انی اعتذر الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره، و من معروف اسدی الی فلم اشکره، خدایا من به درگاه تو عذر می‌خواهم از این که در حضور من به ستمدیده‌ای ظلمی رسیده باشد و من او را یاری نکرده باشم، و از اینکه معروفی (یعنی خیر و احسانی) از کسی به من رسیده باشد و من شکر او را به جا نیاورده باشم.
و در مورد پذیرش عذرخواهی می‌فرماید:
و من مسیئی اعتذر الی فلم اعذره، و از اینکه کسی نزد من از کار بدی عذر خواه آمده باشد و من عذرش را نپذیرفته باشم. و در بخش دیگر در مورد برطرف کردن مشکل اقتصادی و کمک به حاجتمندان می‌فرماید:
[صفحه 161]
و من ذی فافه سالنی فلم اوثره، و از اینکه فقیر و نیازمندی از من درخواست چیزی کند و من بر او ایثار و اعطا نکرده باشم.
و در مورد رعایت حقوق مومن می‌فرماید:
و من حق ذی حق لزمنی لمومن فلم اوفره، و از اینکه حقی از حقوق مومنی بر من لزوم یافته باشد و من اداء آن حق به حد کمال نکرده باشم.
و در مورد پوشش عیب مومن چنین اشاره می‌فرماید:
و من عیب مومن ظهر لی فلم استره، و از اینکه عیب کسی بر من آشکار شود و من آن عیب را نپوشانیده باشم.
آنچه از حقوق مومنین بر یکدیگر در این دعا بیان شده عبارتند از:
1- دفاع از مومن
2- شکر کردن در برابر احسان مومن
3- پذیرش عذرخواهی مومن
4- کمک به فقرا و مستمندان مومن
5- اداء حق مومن
6- پوشاندن عیوب مومن
[صفحه 162]

در درخواست عفو و گذشت و رحمت و مهربانی از خدای تعالی

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی طلب العفو و الرحمه، از دعاهای امام (ع) در درخواست عفو و گذشت و رحمت و مهربانی از (خدای تعالی) است.
محتوای دعا
امام (ع) در فراز اول دعا به ما می‌آموزد که درخواستهای زیر را از خداوند داشته باشیم:
1- و اکسر شهوتی عن کل محرم، و قوای شهوانی مرا از هر کار حرام در هم شکن (هواهای نفسانی مرا مغلوب و مقهور خود گردان)
2- و ازو حرصی عن کل ماثم، و حرصم را از هر کار بد برکنار دار.
3- و امنعنی عن اذی کل مومن و مومنه و مسلم و مسلمه، و مرا از اذیت و آزار رساندن به هر مرد و زن مومن و مسلمان بازدار.
سپس از خداوند درخواست می‌کند بنده‌ای که درباره‌ی او ستمی مرتکب شده و یا حق ایشان را برده، اگر زنده است یا مرده، بیامرزد. (فاغفر له ما الم به منی)
و آنگاه می‌فرماید: و عوضنی من عفوی عنهم عفوک، و من دعائی لهم رحمتک حتی یسعد کل واحد منا بفضلک، و ینجو کل منا بمنک، و مرا از عفو و گذشتم از ایشان به عفوت، و از دعا و درخواستم (درباره آمرزش) برای آنان به رحمتت عوض (پاداش) عطا فرما، تا هر یک از ما به وسیله‌ی
[صفحه 163]
احسان تو (در دنیا و آخرت) نیکبخت شود، و هر کدام از ما به سبب نعمت (پاداش به من و آمرزش آنان، از بدبختی) رهایی یابد.
و در ادامه‌ی درخواستهای خود به ما می‌آموزد که از خدا بخواهیم:
و هب لنفسی علی ظلمها نفسی، و نفس مرا با اینکه به خود ستم کرده ببخش.
و وکل رحمتک باحتمال اصری، و رحمتت را به برداشتن بار گرانم بگمار.
و اجعلنی اسوه قد انهضته بتجاوزک عن مصارع الخاطئین، و مرا الگوی کسانی قرار بده که به گذشت خود آنها را از افتادنگاه های خطاکاران به پا داشته‌ای (نگهداری کرده‌ای).
[صفحه 164]

هنگامی که خبر مرگ کسی به ایشان می‌رسید و یا یاد مرگ می‌نمود

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا نعی الیه میت او ذکر الموت، از دعاهای امام (ع) هنگامی که خبر مرگ کسی به ایشان می‌رسید و یا یاد مرگ می‌نمود.
محتوای دعا
مرگ یکی از حقایق انکارناپذیر در زندگی انسان است، و دیر یا زود انسان باید از پل مرگ بگذرد و به حیات دیگر برسد. اما متاسفانه این حقیقت مسلم و حتمی، همواره مورد فراموشی قرار می‌گیرد. در حالی که یاد مرگ یکی از محورهای تربیتی است و در بینش اسلامی یاد مرگ کردن و همواره به فکر این حقیقت بودن از ارزشهای متعالی به حساب می‌آید. یاد مرگ و قیامت و حیات پس از مرگ نقش سازنده‌ای در شخصیت انسان دارد. لذا در قرآن مجید و روایات، مطالب فراوانی در این باره آمده است. امام سجاد (ع) در این دعا به این حقیقت انکارناپذیر اشاره می‌فرماید، و شیوه‌ی برخورد با آن و بهره بردن از این واقعیت را به ما می‌آموزد.
امام (ع) در ابتدای دعا پس از درود فرستادن بر رسول خدا (ص) و آل او (ع) در این باره درخواست هایی را از پیشگاه خداوند می‌نماید که محور آن دوری از آرزوهای دراز است:
1- و اکفنا طول الامل، و ما را از آرزوهای دراز بازدار (زیرا انسان
[صفحه 165]
را از یاد مرگ بازمی‌دارد)
2- و قصره عنا بصدق العمل،... و با کردار راست و درست آرزوهای (دراز) را از ما دور کن.
3- و سلمنا من غروره، و ما را از فریب آرزو سلامت بدار.
4- و آمنا من شروره، و ما را از بدیهای آن (آرزو) ایمن گردان.
5- و انصب الموت بین ایدینا نصبا، و مرگ را در مقابل ما برپا دار (آنی مرگ را از یاد ما مبر)
6- و لا تجعل ذکرنا له غبا، و یاد مرگ را برای ما چنان قرار مده که یک روز به یاد آن، و یک عمر غافل از آن باشیم.
آنگاه به ما می‌آموزد از خداوند درخواست کنیم که با عمل صالح مشتاق بازگشت به سوی خدا باشیم و می‌فرماید:
1- و اجعل لنا من صالح الاعمال عملا نستبطی معه المصیر الیک، و از اعمال شایسته عملی برای ما قرار ده که با آن، بازگشت به سوی تو را دیر شماریم. (در انجام آن عمل بکوشیم).

2- و نحرص له علی وشک اللحاق بک حتی یکون الموت مانسنا الذی نانس به، و به زود رسیدن (رحمت) تو حریص باشیم تا مرگ برای ما جای انس و آرامش باشد به طوری که با آن انس بگیریم.
3- و مالفنا الذی نشتاق الیه، و حامتنا التی نحب الدنو منها، و (مرگ) جای الفت و دوستی باشد که به سوی آن شوق داشته باشیم و خویشاوند نزدیکی (مانند زن و فرزند) باشد که نزدیک شدن به او را دوست بداریم.
آنگاه در مورد برخورد مرگ با ما، به ما می‌آموزد که این
[صفحه 166]
درخواستها را از خداوند داشته باشیم:
1- فاذا اوردته علینا و انزلته بنا فاسعدنا به زائرا، پس هرگاه آن را بر ما حاضر نمودی و به ما واقع ساختی ما را به آن نیکبخت گردان در حالیکه زیارت و دیدار کننده (آمدنش از روی مهربانی) باشد.
2- و انسنا به قادما، و ما را به آن انس ده، در حالیکه از راه رسد.
3- و لا تشقنا بضیافته، و ما را به مهمانی آن (مرگ)، بدبخت مکن.
4- و لا تخزنا بزیارته، و از دیدارش ما را خوار و رسوا مفرما.
5- و اجعله بابا من ابواب مغفرتک، و آن را (مرگ را) دری از درهای آمرزش خود قرار ده.
6- و مفتاحا من مفاتیح رحمتک، و (مرگ را) کلیدی از کلیدهای رحمت خویش گردان.
سپس به ما می‌آموزد از خداوند درخواست کنیم که اینگونه این جهان را وداع کرده و به سوی خدا بشتابیم:
1- امتنا مهتدین غیر ضالین، ما را با نور هدایت خود بمیران نه با ظلمت گمراهی.
2- طائعین غیر مستکرهین، با حال طاعت و اشتیاق به حضرتت بمیران نه به حال کراهت از ملاقاتت.
3- تائبین غیر عاصین و لا مصرین، توبه‌ی کامل (کرده) از گناهان (بمیران) نه به حال معصیت و اصرار بر گناه.
امام (ع) در این دعا در رابطه با مرگ سه محور را مورد اشاره قرار می‌دهند:
[صفحه 167]
اول: عواملی که موجب می‌شود انسان مرگ را فراموش کند. مانند داشتن آرزوهای دراز، که انسان را از عمل صحیح و واقع‌بینانه بازمی‌دارد و او را گرفتار غرور می‌کند.
دوم: دیدار انسان با مرگ، و پذیرش این حقیقت مسلم، که شامل همه‌ی انسانها می‌شود. و اینکه انسان چگونه باشد تا بتواند به خوبی پذیرای این حقیقت شود و مشتاق دیدار الهی گردد.

سوم: برخورد مرگ با انسان، اینکه مرگ چگونه به سراغ انسان بیاید، و او را چگونه زیارت کند.
و در نهایت وضعیت انسان از نظر عمل و اموری که در طول زندگی کسب کرده است، اینکه انسان با چه شخصیت و وضعیتی هنگام مرگ باشد. عاصی و متمرد یا عبد و بنده‌ی خدا.
[صفحه 168]

در درخواست پرده‌پوشی و حفظ و نگهداری از گناه

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی طلب الستر و الوقایه، از دعاهای امام (ع) در درخواست پرده پوشی و حفظ و نگهداری (از گناه) است.
محتوای دعا
در این دعا امام (ع) پس از درود فرستادن بر محمد (ص) و آل او به ما می‌آموزد که در جهت پوشش خطاها و عیبها و مصون ماندن از هجوم گناهان چگونه از خداوند استمداد و کمک بگیریم و می‌فرماید:
1- و لا تبرز مکتومی، و سوم را آشکار مگردان.
2- و لا تکشف مستوری، و پنهانم را هویدا مکن.
3- و لا تعلن علی عیون الملاء خبری، و پیش چشم مردم خبرم را فاش مساز (از احوال و افعال ناشایسته‌ام خلق را آگاه مکن).
4- اخف عنهم ما یکون نشره علی عارا، و آنچه نشر آن مایه‌ی سرشکستگی و ننگ و عار (من) است همه را (به کرمت) از چشم خلق پنهان دار.
5- و اطو عنهم ما یلحقنی عندک شنارا، و آنچه که نزد تو مرا رسوا می‌سازد از آنها بپوشان.
آنگاه به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم چنین عاقبتی را در آخرت نصیب ما فرماید:
[صفحه 169]
1- شرف درجتی برضوانک، به رضا و خشنودی خود درجه و پایه‌ی (مقام و منزلت) مرا بلند گردان.
2- و اکمل کرامتی بغفرانک، و به آمرزش خود گرامی داشتنم را کامل نما.
3- و انظمنی فی اصحاب الیمین، و مرا در زمره‌ی اصحاب یمین درآور.
4- و وجهنی فی مسالک الامنین، و (قلبم را) در راه و طریقه آنانکه ایمن هستند متوجه گردان.
5- و اجعلنی فی فوج الفائزین، و مرا در زمره‌ی رستگاران عالم قرار ده.
6- و اعمر بی مجالس الصالحین، و زندگانیم را به همنشینی با صالحان و نیکان آباد ساز.
[صفحه 170]

هنگام ختم قرآن

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام عند ختم القرآن، از دعاهای امام (ع) هنگام ختم قرآن است.
محتوای دعا
برای شروع تلاوت قرآن، دعای آغاز قرآن، و برای پایان یافتن آن تا انتها، دعای ختم قرآن، به طرق مختلف وارد شده است. امام (ع) در این دعا که هنگام ختم قرآن خوانده می‌شود در مورد عظمت و بزرگی و برکت وجود قرآن مجید و موضوعات دیگر درسهایی را به ما می‌آموزد و در آغاز دعا می‌فرماید:
اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک الذی انزلته نورا، خدایا تو مرا بر ختم کردن کتاب خود یاری کردی، همان کتابی که آن را نور و روشنایی فرستادی.
و در فرازهایی از دعا به نامها و صفات قرآن مجید اشاره کرده و پاره‌ای را معرفی می‌فرماید که عبارتند از:
1- نور: انزلته نورا، آن را نور و روشنایی فرستادی.
2- مهیمن: جعلته مهیمنا، و آن را گواه قرار دادی (بر کتابهای پیامبران گذشته).
3- فرقان: فرقانا فرقت به بین حلالک و حرامک، آن را جدا کننده (حق از باطل) گردانیده‌ای که به وسیله‌ی آن حلال و حرام خود را از هم
[صفحه 171]
جدا کرده‌ای.
4- قرآن: قرانا اعربت به عن شرائع احکامک، قرآن و خوانده شده‌ای که، با آن راههای احکامت را هویدا ساخته‌ای.
5- کتاب: و کتابا فصلته لعبادک تفصیلا، و کتاب و نوشته‌ای که آن را برای بندگانت تفصیل و شرح داده‌ای.
6- وحی: و وحیا انزلته علی نبیک محمد صلی الله علیه و آله و سلم تنزیلا، و وحیی که آن را بر پیامبرت محمد (ص) فروفرستادی.
7- شفاء: و شفاء لمن انصت بفهم التصدیق الی استماعه، و شفا و بهبودی برای کسی که فهمیدن آن را از روی تصدیق و باور نمودن خواسته است و برای شنیدن آن خاموش گشته.
8- میزان: و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه، و ترازوی عدلی که زبانه‌اش از حق و درستی برنمی‌گردد.
9- هدی: و نور هدی لا یطفا عن الشاهدین برهانه، و نور هدایتی که چراغ

حجت و برهانش بر اهل یقین تا قیامت خاموش نشود.
آنگاه اهداف تلاوت قرآن را اینگونه بیان می‌فرماید:
اللهم فاذا افدتنا المعونه علی تلاوته، پروردگارا وقتی که به یاری و اعانت خود ما را به تلاوتش بهرمند (بهره‌مند) کردی،
1- فاجعلنا ممن یرعاه حق رعایته، پس ما را از آنان قرار ده که رعایت عمل به آن و حفظ عهد و پیمانش هم کردند (و هدایت و سعادت کامل یافتند)
2- و یدین لک باعتقاد التسلیم لمحکم ایاته، و با دین و اعتقاد کامل تسلیم آیات محکم آن (آیاتی که معنی آن آشکار است).
[صفحه 172]
3- و یفزع الی الاقرار بمتشابهه، و موضحات بیناته، و به متشابهات و بیناتش که توضیح متشابهاتست با تواضع کامل اقرار و اعتراف کردند.
سپس در فرازهای مختلف دعا به ما می‌آموزد که در جهت بهرمند (بهره‌مند) شدن از تعالیم حیاتبخش قرآن این درخواستها را از خداوند طلب کنیم:
1- و اجعلنا ممن یعترف بانه من عندک. ما را از کسانی قرار بده که اعتراف دارند قرآن از جانب شما است.
2- و اجعلنا ممن یعتصم بحبله، و ما را از کسانی قرار بده که به رشته‌ی محکم آن قرآن چنگ زدند.
3- و یاوی من المتشابهات الی حرز معقله، و (از کسانی قرار بده که) در فهم متشابهات آیاتش به پناهگاه محکم و محکمات ماوی گرفتند.
4- و یسکن فی ظل جناحه، و از آنانکه در سایه‌ی پر و بال با عواطفش به سکونت (و اطمینان خاطر) رسیدند.
5- و یهتدی بضوء صباحه، و از آنان که به نور صبحگاهش هدایت یافتند.
6- و یقتدی بتبلج اسفاره، و از آنانکه به درخشیدن روشنایی آن اقتداء می‌کنند.
7- و یستصبح بمصباحه، و از آنان که از چراغ آن می‌افروزند (به وسیله‌ی قرآن به حقایق و علوم پی می‌برند).
8- و لا یلتمس الهدی فی غیره، و از آنان که هدایت و رستگاری را در غیر آن نمی‌طلبند.
[صفحه 173]
9- و اجعل القرآن وسیله لنا الی اشرف منازل الکرامه، و قرآن را برای ما وسیله‌ی رسیدن به گرامیترین منزلهای ارجمند قرار ده.
10- و سلما نعرج فیه الی محل السلامه، و (قرآن را) برای ما نردبانی قرار ده که به سوی جایگاه سلامت و بی‌گزند (بهشت) بر آن بالا رویم.
11- و سببا نجزی به النجاه فی عرصه القیامه، و (قرآن را) سبب پاداش ما

در عرصه‌ی قیامت قرار ده.
12- و ذریعه نقدم بها علی نعیم دار المقامه، و (قرآن را) وسیله‌ای که به آن بر نعمت فراوان سرای اقامت و ماندن (بهشت) درآئیم.
13- و احطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار، و به وسیله‌ی قرآن بار سنگین گناهان را از ما بیانداز.
14- و هب لنا حسن شمائل الابرار، (و به وسیله‌ی قرآن) اخلاق نیکوی نیکوکاران را به ما ببخش.
15- و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا، و به وسیله‌ی قرآن خیر و نیکی و آراستگی برون و ظاهر ما را ثابت و پابرجا بگردان.
16- و احجب به خطرات الوساوس عن صحه ضمائرنا، و ما را از خطرهای وسوسه‌های شیطان محفوظ بدار.
17- و اغسل به درن قلوبنا و علاق اوزارنا، (و به وسیله‌ی قرآن) چرکها و آلودگیهای قلبهای ما و علاقه‌ها و وابستگی گناهان را بشوی.
18- و اجمع به منتشر امورنا، و کارهای پراکنده شده ما را فراهم آور.
19- و اکسنا به حلل الامان یوم الفزع الاکبر فی نشورنا، و در روز ترس بزرگ (روز قیامت) هنگام زنده‌شدنمان ما را به جامه‌های امان (از آتش دوزخ) بپوشان.
[صفحه 174]
20- و اجبر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق، و به واسطه‌ی قرآن حوائج و نیازمندیهای ما را برآور، تا فقر به ما رو نکند.
21- و سق الینا به رغد العیش و خصب سعه الارزاق، و (به وسیله‌ی قرآن) زندگانی با وسعت و آسایش و نعمت فراوان و روزی وسیع به سوی ما روان ساز.
22- و جنبنا به الضرائب المذمومه و مدانی الاخلاق، و (به وسیله‌ی قرآن) ما را از اخلاق نکوهیده و پست دور نما.
23- و اعصمنا من هوه الکفر و دواعی النفاق، و ما را از دره‌ی گود کفر و چیزهایی که نفاق و دورویی را پیش می‌آورد نگاهدار.
24- و هون بالقرآن عند الموت علی انفسنا کرب السیاق، و به وسیله‌ی قرآن هنگام مرگ، اندوه جان کندن و سخت ناله کردن و پی در پی بودن ناله‌های وقت جان کندن را بر ما آسان فرما...
25- و اجعل القبور بعد فراق الدنیا خیر منازلنا، و قبرها را پس از مفارقت و جدایی از دنیا برای ما بهترین منزلها قرار ده، و تنگی لحدمان را به وسیله رحمت و مهربانیت گشاده گردان.
آنگاه بر محمد (ص) و آل او درود می‌فرستد و به ما می‌آموزد از خداوند بخواهیم که ما را به طریقه و روش رسول خدا (ص) زنده بدارد و بر دین او بمیراند و در راه آشکار او حرکت دهد و از فرمانبران او قرار دهد و در

گروه او گرد آورده و به حوض او وارد سازد و از جام آن حوض سیراب گرداند. و احینا علی سنته، و توفنا علی ملته و خذ بنا منهاجه، و اسلک بنا سبیله، و اجعلنا من اهل طاعته، و احشرنا فی زمرته، و اوردنا حوضه، و اسقنا بکاسه.
[صفحه 175]

هنگامی که به هلال ماه نو نگاه می‌کرد

عنوان دعاء چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام، اذا نظر الی الهلال، از دعاهای امام (ع) است هنگامی که به هلال ماه نو نگاه می‌کرد.
محتوای دعا
دیدن هلال ماه به ویژه هلال ماه مبارک رمضان سفارش شده و دعاهایی از معصومین (ع) در این باره نقل شده که بعضی ویژه‌ی هلال ماه رمضان و بعضی در مورد دیدن هلال ماه در هر ماهی می‌باشد.
امام (ع) در ابتدای دعا خطاب به ماه به عنوان آفریده‌ی خدا و مطیع و فرمانبردار فرمان خدا، و یکی از مخلوقات او می‌فرماید:
ایها الخلق المطیع، الدائب السریع، المتردد فی منازل التقدیر، ای آفریده شده‌ی فرمانبردار، ای همیشه در حرکت پرشتاب، ای آمد و شد کننده در منازل و جاهایی که (برای آن) قرار داده شده.
قرآن مجید در سوره یس آیه 39 درباره‌ی ماه می‌فرماید: و القمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم، و گردش ماه را در منزلهایی قرار دادیم تا اینکه مانند شاخه‌ی خرمای خشک شده‌ی کج گشته به منزل اول بازگردد.
آنگاه توجه ما را به این نکته جلب می‌فرماید که نورانیت ماه به اراده‌ی خداوند است، و اوست که به وسیله‌ی ماه تاریکیها را روشن می‌کند و می‌فرماید:
[صفحه 176]
آمنت بمن نور بک الظلم، و اوضح بک البهم، و جعلک آیه من آیات ملکه، و علامه من علامات سلطانه، ایمان آوردم به کسی (خدائی) که به وسیله‌ی تو تاریکیها را روشن کرد، و به سبب تو مشکلات امور را آشکار ساخت، و تو را از نشانه‌های استیلا و غلبه و پادشاهی خود و نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت و توانائیش (بر همه چیز) قرار داد.
سپس به ما می‌آموزد که در آغاز ماه جدید این درخواستها را از پیشگاه مقدس الهی داشته باشیم:
1- خشنودی: و اجعلنا من ارضی من طلع علیه، و ما را از خوشنودترین کسی که هلال بر او طلوع نموده قرار ده.
2- پاکیزگی: و ازکی من نظر الیه، و نیز از پاکیزه‌ترین کسی که به سوی او نگاه کرده است.
3- پرستش خدا: و اسعد من تعبد لک فیه، و از نیکبخت ترین کسی که تو را در آن ماه پرستش می‌کند.
4- توبه: و وفقنا فیه للتوبه، و به ما در این ماه توفیق توبه عطا کن.

5- دوری از گناه: و اعصمنا فیه من الحوبه، و ما را از گناه در آن حفظ فرما.
6- شکر کردن: و اوزعنا فیه شکر نعمتک، و سپاسگزاری از نعمت خود را در دل ما انداز.
7- عافیت و سلامتی روحی و جسمی: و البسنا فیه جنن العافیه، و در آن ما را با پوششهای عافیت بپوشان.
8- اطاعت از خدا: و اتمم علینا باستکمال طاعتک فیه المنه، و به وسیله کامل کردن طاعت و فرمانبری از تو در آن، نعمت (خود) را بر ما کامل فرما.
[صفحه 177]

هنگامی که ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام اذا دخل شهر رمضان، از دعاهای امام (ع) هنگامی که ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید.
محتوای دعا
امام (ع) در ابتدای این دعا در حمد و ثنای الهی چنین می‌فرماید: الحمد لله الذی هدانا لحمده، و جعلنا من اهله لنکون لاحسانه من الشاکرین، و لیجزینا علی ذلک جزاء المحسنین، سپاس خدایی که ما را برای سپاسگزاری خود راهنمایی نمود، و از اهل سپاس قرار داد تا برای احسان و نیکیش از سپاسگزاران باشیم.
سپس در فراز دیگر دعا ماه مبارک رمضان را اینگونه معرفی می‌نماید:
1- شهر رمضان، ماه رمضان (رمضان نامیده شده برای آنکه یرمض الذنوب، گناهان را می‌سوزاند.)
2- شهر الصیام، ماه روزه
3- شهر الاسلام، ماه اسلام (یا به دلیل فرمانبرداری خدا در این ماه، یا به واسطه اینکه روزه‌ی آن از ویژگیهای اسلام است)
4- شهر الطهور، ماه پاکیزگی.
5- شهر التمحیص، ماه تصفیه و پاک کردن (از گناهان) یا ماه اخلاص
[صفحه 178]
6- شهر القیام، ماه قیام و ایستادن (برای عبادت و اطاعت خدا)
آنگاه در فراز دیگر دعا معیارهای روزه‌دار واقعی بودن را اینگونه بیان می‌فرماید:
اعنا علی صیامه بکف الجوارح عن معاصیک، ما را بر روزه داشتن آن به وسیله‌ی بازداشتن اندام از گناهان (و به کار بردن آنها در آنچه تو را خشنود می‌گرداند) یاری فرما.
حتی لا نضغی باسماعنا الی لغو، و لا نسرع بابصارنا الی لهو، و حتی لا نبسط ایدینا الی محظور، و لا نحطو باقدامنا الی محجور، و حتی لا تعی بطوننا الا ما احللت، و لا تنطق السنتنا الا بما مثلث، تا با گوشهایمان سخن بیهوده گوش ندهیم، و با چشمهایمان به سوی بازی نشتابیم، و دستهایمان را به حرام دراز ننماییم، و با قدمهایمان به سوی آنچه منع و حرام گشته نرویم، و شکمهایمان جز از چیزهایی که حلال کرده‌ای گرد نیاورد، و زبانهایمان گویا نشود جز به آنچه تو خبر داده و بیان فرموده‌ای.
سپس در مورد نماز می‌فرماید: وقفنا فیه علی مواقیت الصلوات الخمس بحدودها التی حددت، و فروضها التی فرضت، و وظائفها التی وظفت، و

اوقاتها التی وقت، و ما را در آن (ماه مبارک رمضان) بر اوقات نمازهای پنجگانه با حدود و احکامش که مقرر نموده‌ای و واجباتش که واجب کرده‌ای و شروط و اوقاتش که شرط و تعیین گردانیده‌ای آگاه فرما.
و درخواستهای دیگری که امام (ع) به ما می‌آموزد که در این ماه مبارک از خداوند داشته باشیم عبارتند از:
[صفحه 179]
1- نیکی و بخشش به خویشاوندان
2- صله‌ی رحم
3- احسان و نیکی به همسایگان
4- پاک کردن اموال از مظالم و ظلم و ستم
5- زکات دادن
6- پیوند با کسانی که از ما بریده‌اند
7- رعایت عدل و انصاف
8- توبه و بازگشت به سوی خدا
و از آنجا که طاعات و عبادات و فرمانبرداری از خدا تنها مختص ماه مبارک رمضان نبوده، بلکه در همه ماهها باید در جهت خودسازی و اصلاح خود و جامعه تلاش نمود، لذا امام (ع) به منظور استمرار عبادات و طاعات ماه مبارک رمضان در ماههای دیگر سال می‌فرماید: اللهم و اجعلنا فی سائر الشهور و الایام کذلک ما عمرتنا، خدایا ما را در باقی ماهها و روزها تا زمانی که زنده داری، اینگونه (یعنی مانند حالی که در ماه مبارک رمضان داریم) قرار ده.
[صفحه 180]

درباره وداع و درود با ماه مبارک رمضان

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی وداع شهر رمضان، از دعاهای امام (ع) درباره وداع و درود با ماه مبارک رمضان است.
محتوای دعا
امام (ع) در ابتدای دعا به مدح و ثنای خداوند جل جلاله پرداخته و می‌فرماید: اللهم یا من لا یرغب فی الجزاء، و یا من لا یندم علی العطاء، و یا من لا یکافی عبده علی السواء،
خدایا ای آنکه (برای نعمتهایی که به خلقش داده) پاداش نمی‌خواهد، و ای آنکه بر عطا و بخشش پشیمان نمی‌شود، و ای آنکه جزای (کردار) بنده‌ی خود را یکسان و برابر نمی‌دهد (بلکه اگر نیک باشد چند برابر می‌دهد و اگر بد باشد می‌آمرزد).
سپس در فرازی از دعا اینگونه بر ماه مبارک رمضان سلام کرده می‌فرماید: السلام علیک یا شهر الله الاکبر، و یا عید اولیائه، سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا، و ای عید دوستان خدا.
السلام علیک یا اکرم مصحوب من الاوقات، سلام بر تو ای گرامیترین وقتهایی که مصاحب و یار بودی.
السلام علیک من شهر قربت فیه الامال، سلام بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک است (حاجتها روا می‌شود).
[صفحه 181]
السلام علیک من الیف آنس مقبلا فسر، سلام بر تو ای همدمی که انس و خو گرفت هنگامی که رو آورد و شاد گردانید.
السلام علیک من مجاور رقت فیه القلوب، سلام بر تو همسایه‌ای که دلها در آن نرم و فروتن گردید.
السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان، سلام بر تو یاری دهنده‌ای که (ما را) بر مغلوب ساختن شیطان یاری کرد.
السلام علیک من شهر هو من کل امر سلام، سلام بر تو ماهی که از هر چیز سلامت و بی‌گزند است.
و در فرازهای دیگر دعا به ما می‌آموزد از پیشگاه مقدس الهی این درخواستها را داشته باشیم:
1- و ابلغ باعمارنا ما بین ایدینا من شهر رمضان المقبل، و عمرهای ما را که در پیش است به ماه رمضان آینده برسان.
2- و اجبر مصیبتنا بشهرنا، و مصیبت و اندوه ما را به رفتن ماه ما (خیر و نیکی) عوض ده.

3- اللهم اسلخنا بانسلاخ هذا الشهر من خطایانا، خدایا با گذشتن این ماه از گناهان ما بگذر.
4- اللهم ارزقنا خوف عقاب الوعید، خدایا ترس از عذاب دوزخ را روزی ما گردان.
5- و شوق ثواب الموعود، و پاداش وعده داده شده (بهشت) را روزی ما گردان.
6- اللهم تجاوز عن آبائنا و امهاتنا و اهل دیننا جمیعا من سلف منهم و من غبر الی یوم القیامه، خدایا از پدران و مادران و همه‌ی همکیشان ما،
[صفحه 182]
هر که از ایشان درگذشته و هر که درنگذشته تا روز رستاخیز درگذر (آنان را ببخش).
[صفحه 183]

در روز فطر، اول ماه شوال

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی یوم الفطر اذا انصرف من صلوته قام قائما ثم استقبل القبله، و فی یوم الجمعه، فقال: از دعاهای امام (ع) در روز فطر (اول ماه شوال) است هنگامی که نماز آن را به جا می‌آورد آنگاه رو به قبله می‌ایستاد و (نیز) در روز جمعه، پس می‌فرمود:
محتوای دعا
امام (ع) در آغاز دعا به مدح و ثنای الهی پرداخته می‌فرماید:
یا من یرحم من لا یرحمه العباد، و یا من یقبل من لا تقبله البلاد، و یا من لا یحتقر اهل الحاجه الیه.
ای آنکه رحم می‌کند کسی را که بندگان به او رحم نمی‌کنند، و ای آنکه می‌پذیرد کسی را که اهل شهرها او را نمی‌پذیرند، و ای آنکه نیازمندانش را خوار نمی‌گرداند.
آنگاه در قالب دعا نکاتی را درباره‌ی خداشناسی به ما آموزش می‌دهد، که پاره‌ای از آن نکات عبارتند از:
- خداوند دست رد به سینه‌ی کسی که به محبت و دوستی او اعتماد دارد نمی‌زند.
- عمل اندک را می‌پذیرد و پاداش می‌دهد.
- به کسی که به او نزدیک شود نزدیک می‌شود.
[صفحه 184]
- هر بزرگی و بلندی در برابر خداوند کوچک، و هر ارجمندی در برابر او خوار است.
- در رحمت او به روی آنان که خواهانند باز است.
سپس به یکی از سنتهای الهی که در طول تاریخ جریان داشته و دارد اشاره کرده می‌فرماید: و سنتک الابقاء علی المعتدین حتی لقد غرتهم اناتک عن الرجوع، و صدهم امهالک عن النزوع، روش و سنت تو بر تجاوز کنندگان از حد، رحمت و مهربانی است، تا اینکه مهلت دادن به ایشان، آنها را از بازگشت (از باطل به سوی حق) مغرور ساخته و فریب داده، و شتاب نکردن تو (در کیفر) آنها را از دست برداشتن از (گناه) بازداشته «رحمت خدا برای آنان باعث غوطه‌ور شدن در گناهان و نافرمانی‌ها شده».
آنگاه سبب و دلیل مهلتی که خدا به آنها داده را چنین بیان می‌فرماید: و انما تانیت بهم لیفیئوا الی امرک، و امهلتهم ثقه بدوام ملکک، فمن کان من اهل السعاده ختمت له بها، و من کان من اهل الشقاوه خذلته لها، و (ایشان غفلت دارند از) اینکه آنان را مهلت داده‌ای برای آن است که به فرمان تو

بازگردند، و اینکه درباره‌ی (کیفر) آنها شتاب ننمودی از جهت اعتماد به دوام و همیشگی ملک و پادشاهی خود می‌باشد (چون کسی عجله و شتاب می‌نماید که از گذشتن وقت بترسد، ولی کسی که بر قدرت و تسلط خویش بر هر که بخواهد و هر وقت که بخواهد اعتماد داشته باشد سببی برای عجله و شتاب او نیست). پس هر که سزاوار نیکبختی بوده خاتمه و پایان کارش را نیکبخت گردانیدی، و هر که شایسته‌ی بدبختی بوده او را از جهت
[صفحه 185]
بدبختی خوار ساختی (کمک و یاری نکرده و به خود واگذاشتی.)
آنگاه در فراز آخر دعا به ما می‌آموزد این درخواستها را از خداوند داشته باشیم:
1- و اسمع نجوای، رازم را بشنو.
2- و استجب دعایی، دعایم را استجابت کن.
3- و لا تختم یومی بخیبتی، و روزم را به ناامیدی به پایان مرسان.
4- و لا تجبهنی بالرد فی مسالتی، و در خواهشم دست رد بر پیشانیم مزن (مرا ناامید مکن).
5- و اکرم من عندک منصرفی و الیک منقلبی، و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به سویت گرامی دار.
[صفحه 186]

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی یوم عرفه، از دعاهای امام (ع) در روز عرفه (روز نهم ذی‌الحجه) است.
محتوای دعا
این دعا طولانی‌ترین دعای صحیفه‌ی سجادیه است.
امام (ع) در ابتدای دعا می‌فرماید: الحمد لله رب العالمین، اللهم لک الحمد بدیع السموات و الارض، ذا الجلال و الاکرام، رب الارباب، و اله کل مالوه، و خالق کل مخلوق، و وارث کل شی.
سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است، خدایا سپاس تنها برای تو است که پدیدآورنده‌ی آسمانها و زمینی، صاحب جلال و احسان کامل، مالک و دارنده‌ی دارندگان، پرستیده شده‌ی هر پرستیده‌ای، و آفریننده‌ی هر آفریده‌ای، و میراث‌برنده‌ی هر چیز. سپس در فرازهای دیگر دعا خداوند را به اسماء و صفات پاک و مقدس او ستایش می‌کند که بعضی از آن اسماء و صفات عبارتند از:
الاحد، المتفرد، الفرد، المتفرد، الکریم، المتکرم، العظیم، المتعظم، الکبیر، المتکبر، العلی، المتعال، الشدید، المحال، الرحمن، الرحیم، العلیم، الحکیم، السمیع، البصیر، القدیم، الخبیر، الاکرم، الدائم، الادوم، الاول، الاخر،...
آنگاه بر محمد و آل او درود فرستاده و به پاره‌ای از ویژگیهای اهل‌بیت پیامبر و ائمه‌ی معصومین (ع) که وارثان رسول‌الله (ص)
[صفحه 187]
هستند اشاره می‌فرماید:
1- الذین اخترتهم لامرک، کسانی که آنان را برای امر و فرمان خود برگزیدی.
2- و جعلتهم خزنه علمک، و ایشان را خزانه‌داران علم خود قرار دادی.
3- و حفظه دینک، و نگهداران دینت
4- و خلفاءک فی ارضک، و جانشینان تو در زمینت.
5- و حججک علی عبادک، و حجتهای خویش بر بندگانت.
6- و طهرتهم من الرجس و الدنس تطهیرا بارادتک، و آنها را به خواست خود از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی.
7- و جعلتهم الوسیله الیک، و المسلک الی جنتک، و ایشان را وسیله‌ی (راهیابی) به سوی خود و راه بهشت خویش گردانیدی، سپس در مورد جایگاه امام در جامعه می‌فرماید:
اللهم انک ایدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علما لعبادک، و منارا فی

بلادک، خدایا تو دین خود (اسلام) را در هر زمان و روزگاری به وسیله‌ی امام و پیشوایی (یکی از ائمه‌ی معصومین (ع)) برای بندگانت علامت (راهنما) و در شهرهایت نشانه‌ی (راه حق) برپا داشته‌ای.
و در ادامه‌ی ویژگیهای دیگر امام (ع) می‌فرماید:
8- فهو عصمه اللائذین، پس اوست نگهدار پناهندگان،
9- و کهف المومنین، و پناه اهل ایمان.
10- و عروه المتمسکین، و دستاویز چنگ زدگان.
11- و بهاء العالمین، و جمال و نیکویی جهانیان.
[صفحه 188]
آنگاه امام (ع) برای خود به عنوان امام زمان خویش و ائمه‌ی بعد از خود برای انجام امور مربوط به امامت اینگونه دعا می‌فرماید:
1- و اقم به کتابک و حدودک و شرائعک و سنن رسولک، (خدایا) و کتاب و حدود و احکام و راه هایت و روشها و سنتهای رسولت (ص) را به وسیله‌ی او به پا دار.
2- و احی به ما اماته الظالمون من معالم دینک، و آنچه از نشانه‌های دینت (احکام و دستورات) که ستمکاران میرانده‌اند، به سبب او زنده گردان.
3- و اجل به صداء الجور عن طریقتک، و به وسیله‌ی او زنگار ستم (ستمکاران) را از طریقه و راه خود (دینت) پاک گردان.
4- و ابن به الضراء من سبیلک، و به وسیله‌ی او سختی را از راهت دور ساز.
5- و ازل به الناکبین عن صراطک، و به وسیله‌ی او عدول کنندگان از راه خودت را از میان بردار.
6- و امحق به بغاه قصدک عوجا، و به وسیله‌ی او آنان را که برای راه راست تو اعوجاج و کجی می‌طلبند نیست و نابود بگردان.
و سپس وظایف پیروان امام (ع) را به طور خلاصه اینگونه مطرح می‌فرماید:
و اجعلنا له سامعین مطیعین، و فی رضاه ساعین، و الی نصرته و المدافعه عنه مکنفین، و ما را برای او (امام معصوم (ع) شنوندگان و فرمانبرداران و کوشش کنندگان در به دست آوردن رضا و خشنودی او، و یاری کنندگان و دفاع کنندگان از او قرار ده.
[صفحه 189]
آنگاه برای پیروان امامان معصوم (ع) اینگونه دعا می‌فرماید:
1- و اجمع علی التقوی امرهم، و کارشان را بر تقوا و پرهیزکاری فراهم نما.
2- و اصلح لهم شوونهم، و احوالشان را اصلاح فرما.
3- و تب علیهم، و توبه‌ی آنان را بپذیر.

و سپس دعا می‌کند که با پیروان امام (ع) در بهشت قرار گیرد و می‌فرماید: و اجعلنا معهم فی دار السلام برحمتک یا ارحم الراحمین، و ما را به سبب رحمت و مهربانیت در سرای سلامت و بی‌گزند (بهشت) با ایشان قرار ده.
این فراز از دعا نشان دهنده‌ی علاقه امام (ع) به پیروان ائمه‌ی معصومین (ع) در هر زمان است. و آنان در هر زمانی که باشند، مشمول دعای امام سجاد (ع) هستند.
آن حضرت در بخشهای بعدی دعا به ما می‌آموزد در زمان استجابت و قبولی دعا از خداوند بخواهیم تا:
1- و تولنی بما تتولی به اهل طاعتک،... و مرا سرپرستی فرما به آنچه به آن سرپرستی می‌فرمایی کسانی که تو را اطاعت و فرمانبری نموده و نزد تو دارای قرب و منزلت هستند.
2- و لا تستدرجنی باملائک لی استدراج من منعنی خیر ما عنده،... و به وسیله‌ی مهلت دادن خود به من تدریجا و کم‌کم سزاوار عقابم مفرما.
3- و نبهنی من رقده الغافلین، و سنه المسرفین، و نعسه المخذولین، و مرا از خواب بی‌خبران و از خواب‌آلودگی اسراف کنندگان، و از چرت زدن خوارشدگان بیدار نما.
[صفحه 190]
4- و خذ بقلبی الی ما استعملت به القانتین، و دلم را متوجه کن به آنچه اطاعت کنندگان را به آن واداشته‌ای.
5- و اعذنی مما یباعدنی عنک، و مرا پناه ده از آنچه از تو دورم می‌گرداند.
6- و سهل لی مسلک الخیرات الیک، و راههای خیر به سوی خودت را بر من سهل و آسان فرما.
7- و نجنی من غمرات الفتنه، و از گردابها و سختیهای بلا نجاتم ده.
8- و اشعر قلبی الازدجار عن قبائح السیئات، و دلم را به باز ایستادن از زشتیهای ناپسند و رسوائیهای گناهان بپوشان.
9- و انزع من قلبی حب دنیا دنیه تنهی عما عندک، و دوستی دنیای پست که مرا از آنچه نزد تو است منع می‌نماید و از طلبیدن وسیله و دست‌آویز به سوی تو بازمی‌دارد از دلم برکن.
10- و لا تخزنی یوم تبعثنی للقائک، و روزی که مرا برای دیدار خود بر می‌انگیزی خوار و شرمنده مکن.
11- و اجعل رغبتی الیک فوق رغبه الراغبین، و توجه و روآوردنم را به سوی خود بالاتر از اشتیاق مشتاقان قرار ده.
12- فاحینی حیوه طیبه تنتظم بما ارید، پس مرا زنده دار به حیات طیبه‌ای که به آنچه می‌خواهم پیوسته شود.
13- و ذللنی بین یدیک، و اعزنی عند خلقک، و مرا در درگاهت خوار

(مطیع) و در نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان.
14- و اعذنی من شماته الاعداء، و از شماتت و شادی دشمنان پناهم ده.
[صفحه 191]
15- و اعمر لیلی بایقاظی فیه لعبادتک، و شبم را به وسیله‌ی بیدار داشتنم برای عبادت خود آباد گردان.
16- و انزع الغل من صدری للمومنین، و کینه داشتن نسبت به اهل ایمان را از دلم برکن.
17- و اجعل قلبی واثقا بما عندک، و دلم را به آنچه نزد توست مطمئن گردان.
18- و لا تجعلنی للظالمین ظهیرا، و مرا پشتیبان ستمگران قرار مده.
در این دعا چنانکه ملاحظه شد امام چهارم (ع) محورهای اصلی رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را بیان فرموده و در قالب دعا وظائف ما را نسبت به خدا، خود و جامعه به ما نشان می‌دهند. این دعا در حقیقت مجموعه‌ای از معارف اسلامی را در خود نهفته دارد، و اگر قرار باشد به اندازه‌ی توان شرح و توضیح داده شود، خود کتابی مفصل را می‌طلبد. ولی از آنجا که هدف، بیان گوشه‌هایی از دعاهای این کتاب شریف است. جهت آشنایی مختصر خوانندگان گرامی، مخصوصا نسل جوان با مضامین آنها، عباراتی از دعای مذکور در موضوعات مختلف آورده شد.
[صفحه 192]

در روز اضحی، دهم ذی‌الحجه که روز عید است و حاجیان در آن روز قربانی می‌کنند و روز جمعه می‌باشد

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام یوم الاضحی و یوم الجمعه، از دعاهای امام (ع) در روز اضحی (دهم ذی‌الحجه که روز عید است و حاجیان در آن روز قربانی می‌کنند) و روز جمعه می‌باشد.
محتوای دعا
امام (ع) در آغاز این دعا می‌فرماید: اللهم هذا یوم مبارک میمون، و المسلمون فیه مجتمعون فی اقطار ارضک، یشهد السائل منهم و الطالب و الراغب و الراهب و انت الناظر فی حوائجهم، خدایا این روزی است بابرکت و خجسته، و مسلمانان در اطراف زمین تو در آن اجتماع نموده‌اند، درخواست کننده‌ی (آمرزش) و طلب کننده‌ی (نعمت) و خواهنده‌ی (پاداش) و ترسنده‌ی ایشان (از عذاب) حاضر می‌شوند، و بینای در حاجتها و خواسته‌های ایشان هستی.
آنگاه پس از نیایش خداوند و مدح و ثنای الهی و درود بر محمد و آلش در فرازهای دیگر دعا به ما می‌آموزد در این روز مبارک چه درخواستهایی را از خداوند داشته باشیم که پاره‌ای از آن درخواستها عبارتند از:
1- و اجعلنی من اهل التوحید و الایمان بک، و التصدیق برسولک، و الائمه الذین حتمت طاعتهم ممن یجری ذلک به و علی یدیه، خدایا مرا از اهل
[صفحه 193]
توحید و از اهل ایمان و گروندگان به خود و از اعتراف کنندگان به پیامبرت و پیشوایانی که اطاعت آنها را بر من واجب کرده‌ای قرار ده.
2- و لا تجعلنی للبلاء غرضا، و مرا هدف بلا و گرفتاری قرار مده.
3- و اسالک امنا من عذابک، و از تو می‌خواهم که مرا از عذاب و کیفرت ایمن گردانی. بعضی درخواستهای دیگر عبارتند از:
4- پناه بردن به خدا، اعوذ بک
5- درخواست هدایت، استهدیک
6- درخواست یاری، استنصرک، استعینک
7- درخواست رحمت، استرحمک
8- درخواست بی‌نیازی، استکفیک
9- درخواست رزق و روزی، استرزقک
10- درخواست استغفار، استغفرک
11- درخواست محافظت از گناه، استعصمک
سپس در خاتمه اشاره شده است که پس از پایان این دعا هزار بار بر

محمد و آل طاهرینش صلوات بفرستند.
[صفحه 194]

جهت دفع کید و مکر دشمنان و بازگردانیدن سختی و شکنجه‌ی ایشان

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی دفاع کید الاعداء، و رد باسهم، از دعاهای امام (ع) در جهت دفع کید و مکر دشمنان و بازگردانیدن سختی و شکنجه‌ی ایشان است.
محتوای دعا
در روایات معصومین (ع) آمده است که دعا سپر مومن است، و سپر چنانکه می‌دانیم شخص را از حمله دشمنان در امان می‌دارد. این دعا در ضمن بیان معارف الهی و خداشناسی راههای مبارزه با دشمنان را به ما می‌آموزد. امام (ع) دعا را اینگونه آغاز می‌فرمایند:
الهی هدیتنی فلهوت، و وعظت فقسوت، و ابلیت الجمیل فعصیت، ای خدای من راهنمائیم کردی پس غافل مانده و به کار بیهوده مشغول شدم و پندم دادی پس سخت‌دل گشتم، و نعمت نیکو عطا نمودی پس نافرمانی کردم.
امام (ع) در این عبارات کوتاه به پاره‌ای نارسایی ها که موجب غلبه‌ی دشمن، و اجرا شدن نقشه‌های او می‌شود اشاره می‌فرمایند که عبارتند از:
1- غفلت و افتادن در ورطه‌ی لهو و لعب
2- عمل نکردن به سفارشات و موعظه‌های الهی
[صفحه 195]
3- استفاده‌ی صحیح نکردن از امکانات و نعمتها
و سپس با اشاره به توحید می‌فرماید:
و وسیلتی الیک التوحید، و دستاویزم به سوی تو توحید و یگانه پرستی است.
و اینکه خداوند چگونه شر دشمنی که شمشیر از نیام کشیده، و شر ستمگر فریبکار و شر حسود را دفع می‌نماید، از جمله مطالبی است که در فراز بعدی دعا عنوان شده است.
و در خاتمه، پیامبر (ص) و علی (ع) را وسیله‌ی تقرب به خدا قرار داده و به ما می‌آموزد تا اینگونه از خداوند مسئلت کنیم: اللهم فانی اتقرب الیک بالمحمدیه الرفیعه و العلویه البیضاء، و اتوجه الیک بهما...،
خدایا پس من به وسیله‌ی منزلت رفیع محمد (ص) و مقام روشن علی (ع) به سوی تو تقرب می‌جویم و به سبب آنان به درگاهت رو می‌آورم...
[صفحه 196]

در ترس از خدای تعالی

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الرهبه، از دعاهای امام (ع) در ترس (از خدای تعالی) است.
محتوای دعا
امام (ع) در آغاز دعا با اشاره به خلقت و آفرینش و تربیت و تغذیه‌ی انسان به وسیله‌ی خداوند می‌فرماید:
اللهم انک خلقتنی سویا، و ربیتنی صغیرا، و رزقتنی مکفیا، خداوندا تو مرا درست‌اندام آفریدی، و از کودکی به رشد و کمال پرورش دادی، و به حد کافی رزق عطایم کردی.
آنگاه پس از نکوهش ناامیدی از رحمت خداوند با استناد به قرآن مجید در فراز دیگری از دعا می‌فرماید:
فاسالک- اللهم- بالمخزون من اسمائک، و بما وارته الحجب من بهائک، الا رحمت هذه النفس الجزوعه، پس از تو درخواست می‌نمایم- بار خدایا- قسم به نامهای پنهان شده‌ات، و به جمال و نیکوئیت که پرده‌ها آن را پوشیده است به اینکه رحم و مهربانی کنی به این نفس ناشکیبا، هذه الرمه الهلوعه، التی لا تستطیع حر شمسک، فکیف تستطیع حر نارک؟!
این استخوان ضعیف که تاب گرمی آفتابت را ندارد پس چگونه گرمی آتش (دوزخ) تو را تحمل می‌کند؟!
و التی لا تستطیع صوت رعدک، فکیف تستطیع صوت غضبک؟! و
[صفحه 197]
توان تحمل (و شنیدن) آواز رعد و غرش ابر تو را ندارد پس چگونه (تحمل سختی) بانگ خشم و غضبت را دارد؟!
[صفحه 198]

در تضرع و زاری و خضوع و فروتنی

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی التضرع و الاستکانه، از دعاهای امام (ع) در تضرع و زاری و خضوع و فروتنی است.
محتوای دعا
این دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌شود و امام (ع) در فراز نخست دعا می‌فرماید: الهی احمدک و انت للحمد اهل، ای خدای من تو را حمد و سپاس گویم، و تو برای هر سپاس سزاواری.
سپس با اشاره به اینکه خداوند همه‌ی امکانات رشد و تعالی انسان را در اختیار او قرار داده می‌فرماید: و لو لا احسانک الی و سبوغ نعمائک علی ما بلغت احراز حظی، و لا اصلاح نفسی، و اگر احسان و نیکی تو به من و فراوانی نعمتهایت بر من نمی‌بود، فراهم آوردن بهره‌ام و اصلاح و نیکو گردانیدن خود را نمی‌یافتم.
و در زمینه‌ی به جا آوردن مراتب حمد و سپاس در مقابل نعمتهای الهی به ما رسیدن به مرتبه‌ی عالی سپاسگزاری را آموخته و می‌فرماید:
تحمدک نفسی و لسانی و عقلی، حمدا یبلغ الوفاء و حقیقه الشکر، حمدا یکون مبلغ رضاک عنی، فنجنی من سخطک، خدایا من تو را به جان و زبان و عقل (و جمیع قوای ظاهر و باطن) خود سپاس و ستایش می‌کنم به آن حمد و سپاسی که به حد وافی رسد و حقیقت شکر و سپاس تو
[صفحه 199]
باشد و به آنجا رسد که تو از من خوشنود شوی، خدایا پس مرا از خشم و سخطت نجات بخش. آنگاه در خاتمه‌ی دعا به ما می‌آموزد از خداوند اینگونه درخواست کنیم:
الهی فلا تحرمنی خیر الاخره و الاولی لقله شکری، و اغفر لی ما تعلم من ذنوبی، ای خدای من پس مرا به سبب ناسپاسیم از خیر آخرت و دنیا محروم مگردان، و گناهانم را که می‌دانی بیامرز.
[صفحه 200]

در اصرار به درخواست از خدای تعالی

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی الالحاح علی الله تعالی، از دعاهای امام (ع) در اصرار به (درخواست از) خدای تعالی است.
محتوای دعا
امام سجاد (ع) ابتدای دعا با ستایش و مدح پروردگار جهانیان به علم و قدرت مطلق خداوند اشاره کرده می‌فرماید: یا الله الذی لا یخفی علیه شیء فی الارض و لا فی السماء، و کیف یخفی علیک- یا الهی- ما انت خلقته، و کیف لا تحصی ما انت صنعته، ای خدایی که در زمین و آسمان چیزی بر او پوشیده نیست و چگونه بر تو پنهان باشد- ای خدای من- آنچه تو خود آن را آفریده‌ای، و چگونه آگاهی و احاطه (بر آن) نداشته باشی، آنچه تو خود محکم و استوار ساخته‌ای، سپس به تنزیه و تقدیس پروردگار پرداخته و در فراز بعد در مقام اقرار به عبودیت و بندگی نسبت به او می‌فرماید: آمنت بک، و صدقت رسلک، و قبلت کتابک، و کفرت بکل معبود غیرک، و برئت ممن عبد سواک، (خدایا به وحدانیت و یگانگی) تو ایمان آوردم، و پیامبرانت را تصدیق نمودم و کتابت (قرآن کریم) را پذیرفتم، و به هر معبودی جز تو کافر گشتم و از هر که جز تو را پرستیده بیزار شدم.
آنگاه به ما می‌آموزد که این درخواستها را از پیشگاه خداوند
[صفحه 201]
داشته باشیم:
1- ان تغنینی عن کل شیء بعبادتک، و مرا به وسیله‌ی عبادت و بندگیت از هر چیز بی‌نیاز گردانی.
2- و ان تسلی نفسی عن الدنیا بمخافتک، و به ترس از خود، دوستی دنیا را از من زایل نمایی.
3- و ان تثنینی بالکثیر من کرامتک برحمتک، و به رحمت و مهربانیت مرا به بسیاری کرامت و بخشش خود بازگردانی.
سپس در فراز آخر دعا به پیشگاه مقدس خداوند با کمال عبودیت و بندگی و نهایت خضوع و معرفت عرض می‌کند (خدایا):
- فالیک افر، پس به سوی تو می‌گریزم.
- و منک اخاف، و از تو می‌ترسم.
- و بک استغیث، و به تو فریادخواهی می‌کنم.
- و ایاک ارجو، و تنها به تو امیدوارم.
- و لک ادعو، و تو را می‌خوانم.
- و الیک الجا، و به سوی تو پناه می‌برم.

- و بک اثق، و به تو اطمینان دارم.
- و ایاک استعین، و تنها از تو یاری می‌خواهم.
- و بک اومن، و به (وحدانیت و یگانگی) تو ایمان می‌آورم.
- و علیک اتوکل و علی جودک و کرمک اتکل، و بر تو توکل می‌کنم و بر بخشش و کرم تو اعتماد می‌نمایم. در قالب این عبارات کوتاه و عمیق به انسانها می‌آموزد که چه رابطه‌ای با خداوند داشته باشند، در واقع آن حضرت درس خداشناسی و توحید را برای همگان تشریح می‌فرماید.
[صفحه 202]

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی التذلل لله عز و جل، از دعاهای امام (ع) در خضوع و فروتنی برای خدای توانا و بزرگ است.
محتوای دعا
امام (ع) در ابتدای دعا به ما می‌آموزد که چگونه با خداوند راز و نیاز کرده و در جهت اصلاح نارسائیهای خود از او یاری بجوییم و لذا می‌فرماید:
رب افحمتنی ذنوبی، و انقطعت مقالتی، فلا حجه لی، فانا الاسیر ببلیتی، المرتهن بعملی، المتردد فی خطیئتی، المتحیر عن قصدی، المنقطع بی. ای خدای من گناهانم مرا (از شرمندگی) ملزم به سکوت کرده و گفتگویم را با (حضرتت) منقطع ساخته (از کثرت گناه دیگر شرم دارم که با تو عرض حالی کنم و حاجتی طلبم) پس اگر به هیچ دلیلی متمسک نتوانم شد، این منم که به بلیه (و اعمال بد شرم‌آور) خود اسیر و به افعال (زشت) خویش گرفتارم، در مابین کارهای خطایم می‌روم و برمی‌گردم، از مقصد خود به راه حیرت افتاده‌ام و از طریق خویش بازمانده‌ام.
و در فراز دیگر می‌فرماید: سبحانک! ای جراه اجترات علیک، و ای تغریر غررت بنفسی؟!
[صفحه 203]
منزه و پاکی! (شگفتا) به کدام جرات و کدام غرور و اعتماد به نفس به مخالفت فرمان حضرتت اقدام کردم؟
و سپس به ما می‌آموزد که در پیشگاه خداوند سبحان سر تعظیم فروآوریم، چهره بر خاک بسائیم و اینگونه عرض کنیم:
مولای ارحم کبوتی لحر وجهی و زله قدمی، مولای من به حال من که برو افتادم و به لغزش قدم (به غم و حسرت) گرفتارم ترحم فرما.
مولای و ارحمنی اذا انقطع من الدنیا اثری، و امحی من المخلوقین ذکری، و کنت من المنسیین کمن قد نسی، ای مولای من هنگامی که اثرم به کلی از دنیا بریده شد و نامم از زبان خلق محو گردید و من به کلی از فراموش شدگان شدم مانند همه‌ی فراموش شدگان عالم در آن هنگام به حالم رحم فرما.
و در ادامه می‌فرماید:
مولای ارحمنی فی حشری و نشری، و اجعل فی ذلک الیوم مع اولیائک موقفی، و فی احبائک مصدری، و فی جوارک مسکنی یا رب العالمین، ای مولای من در روز سخت حشر و نشر (عرصه‌ی قیامت) بر من ترحم کن و در آن روز (پر وحشت و حیرت) مرا با یاران و دوستانت همنشین گردان و

در محفل محبان و عاشقانت جایگزین فرما و در جوار رحمتت، منزل کرامت کن ای آفریننده‌ی عالمیان.
[صفحه 204]

در درخواست از خدای تعالی جهت دور گردانیدن اندوه ها

عنوان دعا چنین است:
و کان من دعائه علیه‌السلام فی استکشاف الهموم، از دعاهای امام (ع) در درخواست (از خدای تعالی) جهت دور گردانیدن اندوه ها است.
محتوای دعا
امام (ع) در آغاز دعا می‌فرماید:
یا فارج الهم و یا کاشف الغم، یا رحمن الدنیا و الاخره و رحیمهما، صل علی محمد و آل محمد.
ای بردارنده‌ی غم و دور کننده‌ی اندوه، ای بسیار بخشنده در دنیا و آخرت و بسیار مهربان در آن دو سرا، بر محمد و آل محمد درود فرست.
سپس به ما می‌آموزد که این درخواستها را از خداوند طلب کنیم:
1- اعصمنی و طهرنی، مرا نگه‌دار و پاک گردان.
2- اسالک عملا تحب به من عمل به، از تو درخواست می‌کنم عمل و کرداری را که به سبب آن هر کسی که آن را انجام دهد دوست بداری.
3- و یقینا تنفع به من استیقن به حق الیقین فی نفاذ امرک، و یقین و باوری که به وسیله‌ی آن کسی را که در جریان امر تو حقیقت یقین را به دست می‌آورد سود می‌دهی.
4- و اقبض علی الصدق نفسی، و مرا بر راستی (در قصد و گفتار و
[صفحه 205]
کردار) بمیران.
5- و اقطع من الدنیا حاجتی، و حاجت و نیازمندیم را از دنیا جدا ساز.
6- و اجعل فیما عندک رغبتی شوقا الی لقائک، و رغبت و خواسته‌ام را در آنچه نزد تو است شوق دیدار خودت قرار ده.
7- و هب لی صدق التوکل علیک، و راستی توکل و اعتماد بر خود را به من عطا فرما.
8- اسالک خوف العابدین لک، از تو می‌خواهم که به من ترس عبادت کنندگان را عطا فرمایی.
9- و عباده الخاشعین لک، (و از تو می‌خواهم) عبادت و پرستش خشوع کنندگان را به من عطا کنی.
10- اللهم اجعل رغبتی فی مسالتی مثل رغبه اولیائک فی مسائلهم، خدایا رغبت و اراده‌ی مرا در خواسته‌ام مانند رغبت دوستانت در خواسته‌هایشان قرار ده.
11- و رهبتی مثل رهبه اولیائک، و ترسم را مانند ترس دوستانت قرار ده.
12- و استعملنی فی مرضاتک عملا لا اترک معه شیئا من دینک مخافه احد

من خلقک، (ای خدا) مرا در طریق رضا و خشنودی خود به عملی مشغول بدار که با انجام آن عمل، من هیچ امری از دین تو را به واسطه‌ی ترس از مخلوقت ترک نکنم.
13- و نجنی من مضلات الفتن، و مرا به وسیله‌ی رحمت و مهربانیت از فتنه‌های گمراه کننده (از راه حق) نجات و رهائی بده.
[صفحه 206]
و صلی الله علی سیدنا محمد رسول‌الله المصطفی، و علی آله الطاهرین.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹